



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



# نوآوری، بشرشنوفاپی

سید حسین اسحاقی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نوآوری، بستر شکوفایی

نویسنده:

حسین اسحاقی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

|    |   |
|----|---|
| ۵  | فهرست   |
| ۱۶ | نوآوری، بستر شکوفایی                              |
| ۱۶ | مشخصات کتاب                                       |
| ۱۷ | اشاره   |
| ۱۹ | فهرست مطالب                                       |
| ۳۵ | دیبچه   |
| ۳۷ | پیش گفتار   |
| ۴۳ | بخش اول: ویژگی ها و راه های پرورش خلاقیت و نوآوری |
| ۴۳ | اشاره   |
| ۴۵ | درآمد   |
| ۴۷ | فصل اول: کلیات                                    |
| ۴۷ | اشاره   |
| ۴۷ | ۱. تعریف خلاقیت                                   |
| ۴۷ | اشاره   |
| ۴۸ | الف) خلاقیت از دیدگاه روان شناسی                  |
| ۴۹ | ب) خلاقیت از دیدگاه سازمانی                       |
| ۵۰ | ۲. تعریف نوآوری                                   |
| ۵۰ | ۳. ارتباط خلاقیت و نوآوری                         |
| ۵۲ | ۴. متغیرهای اثرگذار در ایجاد نوآوری               |
| ۵۲ | اشاره   |
| ۵۲ | الف) ساختار سازمانی                               |
| ۵۲ | ب) فرهنگ سازمانی                                  |
| ۵۳ | ج) متغیرهای منابع انسانی                          |
| ۵۳ | ۵. فرصت های خلاقیت                                |

|    |  |
|----|--|
| ۵۳ | ۶. اهمیت خلاقیت و نوآوری   |
| ۵۴ | ۷. امکان تقویت خلاقیت  |
| ۵۶ | ۸. اصول خلاقیت   |
| ۵۶ | اشاره  |
| ۵۶ | اصل اول: ایده های جدید از عناصر قدیمی ساخته می شوند                        |
| ۵۸ | اصل دوم: همه ایده های جدید هم سنگ نیستند                                   |
| ۵۹ | اصل سوم: خلاقیت با توانایی ارتباط برقرار کردن میان امور مختلف تقویت می شود |
| ۶۰ | فصل دوم: خلاقیت در کودکان و نوجوانان                                       |
| ۶۰ | اشاره  |
| ۶۰ | ۱. عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت  |
| ۶۳ | ۲. اصول کلی پرورش خلاقیت   |
| ۶۳ | اشاره  |
| ۶۳ | الف) محدود نکردن تجارب کودکان به موقعیت های خاص                            |
| ۶۳ | ب) ارزش قائل شدن برای طرح سؤال ها و اندیشه های غیرمعمول                    |
| ۶۳ | ج) قرار دادن فرصت هایی برای خود آموزی و یادگیری اکتشافی                    |
| ۶۳ | د) احترام به تفاوت های فردی یادگیرندگان                                    |
| ۶۴ | ه) سرمشق قراردادن رفتارهای آفریننده برای کودکان                            |
| ۶۴ | و) استفاده از روش ها و فنون ویژه بالا بردن سطح آفرینندگی                   |
| ۶۵ | ۳. دیگر روش های پرورش خلاقیت   |
| ۶۵ | اشاره  |
| ۶۵ | الف) تجربه   |
| ۶۵ | ب) بازی های فکری   |
| ۶۶ | ج) صنایع دستی  |
| ۶۶ | د) هنرهای زیبا   |
| ۶۷ | ه) مطالعه  |
| ۶۷ | و) نویسندگی  |

|    |  |
|----|--|
| ۶۷ | ..... (ز) حل خلاق مسائل روزمره                               |
| ۶۸ | ..... ۴. نقش معلم در پرورش خلاقیت                            |
| ۶۹ | ..... ۵. عوامل باز دارنده خلاقیت                             |
| ۷۱ | ..... فصل سوم: ویژگی ها، عوامل و موانع پرورش خلاقیت و نوآوری |
| ۷۱ | ..... اشاره  |
| ۷۱ | ..... ۱. ویژگی های خلاقیت                                    |
| ۷۳ | ..... ۲. ویژگی های افراد خلاق                                |
| ۷۳ | ..... اشاره  |
| ۷۴ | ..... الف) سلامت فکر و روان                                  |
| ۷۴ | ..... ب) انعطاف پذیری  |
| ۷۴ | ..... ج) ابتکار  |
| ۷۵ | ..... د) ترجیح دادن پیچیدگی در برابر سادگی                   |
| ۷۵ | ..... ه) استقلال رأی و داوری                                 |
| ۷۵ | ..... و) تمرکز نیروی ذهنی بر والاترین هدفی که دارند          |
| ۷۶ | ..... ز) کنجکاوی   |
| ۷۶ | ..... ح) اعتماد به نفس                                       |
| ۷۶ | ..... ط) داشتن هدف در زندگی                                  |
| ۷۷ | ..... ی) زندگی کردن با توجه به حال                           |
| ۷۷ | ..... ک) احتیاج نداشتن به تأیید دیگران                       |
| ۷۷ | ..... ل) انرژی فراوان  |
| ۷۷ | ..... م) تنوع طلب بودن                                       |
| ۷۷ | ..... ن) نگرشی مثبت داشتن                                    |
| ۷۷ | ..... س) برخورد صحیح با مشکلات                               |
| ۷۹ | ..... ۳. فرآیند خلاقیت و نوآوری                              |
| ۷۹ | ..... ۴. شرایط ایجاد خلاقیت و نوآوری                         |
| ۷۹ | ..... اشاره  |

- الف) فضای خلاق ..... ۸۰
- ب) دادن وقت برای خلاقیت ..... ۸۰
- ج) برقراری سیستم پیشنهادات ..... ۸۰
- د) ایجاد واحد مخصوص خلاقیت ..... ۸۰
۵. عوامل تشدیدکننده خلاقیت و نوآوری ..... ۸۱
- اشاره ..... ۸۱
- الف) انگیزه ها ..... ۸۱
- اشاره ..... ۸۱
- یک - انگیزه های بیرونی ..... ۸۱
- اشاره ..... ۸۱
- اول - بحران های جامعه ..... ۸۱
- دوم - سطح توقعات جامعه ..... ۸۳
- دو - انگیزه های درونی ..... ۸۳
- اشاره ..... ۸۳
- اول - استعداد ذاتی فرد ..... ۸۳
- دوم - نیازهای درونی ..... ۸۳
- سوم - بحران های شخصی ..... ۸۳
- ب) ابزار ها ..... ۸۵
۶. چگونگی بیدارسازی خلاقیت های خفته ..... ۸۵
- اشاره ..... ۸۵
- الف) قبول وجود ذخیره بی کران خلاقیت در درون انسان ..... ۸۵
- ب) شکستن مرزبندی کلیشه ای ..... ۸۵
- ج) انجام کارهای جدید و مداومت در آنها ..... ۸۵
- د) تلاش در جهت ارتقای دانش و مهارت ..... ۸۷
- ه) آرامش فکر و مثبت اندیشی ..... ۸۷
۷. موانع خلاقیت ..... ۸۷



- ۸۷ ..... اشاره
- ۸۷ ..... الف) موانع فردی
- ۸۹ ..... ب) موانع بیرونی
- ۹۰ ..... ۸. روش هایی برای ایجاد خلاقیت و ایده های بزرگ در ذهن
- ۹۰ ..... اشاره
- ۹۱ ..... الف) زیاد مطالعه کنید
- ۹۱ ..... ب) فرصت هایی را که در آن ذهن شما خلاق است، از دست ندهید
- ۹۲ ..... ج) یک دفترچه یادداشت به همراه داشته باشید
- ۹۲ ..... د) از افکار دیگران بهره بجوید
- ۹۲ ..... ه) تغییراتی در محیط اطراف خود ایجاد کنید
- ۹۳ ..... و) بر روی شکاف میان دو نسل خط بطلان بکشید
- ۹۳ ..... ز) به رفیق خود مراجعه کنید
- ۹۴ ..... ح) به توانایی هایی خود اتکا کنید و در حیطه کاری خود به فعالیت بپردازید
- ۹۴ ..... ط) به ذهن خود آزادی عمل دهید
- ۹۴ ..... ی) ایده های گذشته را از نو بسازید
- ۹۵ ..... ک) از قدرت نهفته در درونتان یاری بخواهید
- ۹۵ ..... ۹. ویژگی های سازمان خلاق
- ۹۵ ..... اشاره
- ۹۶ ..... الف) رعایت کرامت انسانی و احترام به افراد
- ۹۶ ..... ب) فرهنگ ارتقای بهره وری
- ۹۶ ..... ج) مدیران همیشه در صحنه
- ۹۷ ..... د) رقابت کامل و فشرده
- ۹۷ ..... ه) -) توجه به تمام و کمال به مشتری ها
- ۹۷ ..... و) امکان گردش شغلی
- ۹۷ ..... ز) فرهنگ کار تیمی
- ۹۸ ..... ح) امنیت شغلی

|     |   |
|-----|---|
| ۹۸  | ..... (ط) ارزش تلقی شدن عامل تغییر  |
| ۹۸  | ..... (ی) فرهنگ خودارزیابی و خودکنترلی  |
| ۹۸  | ..... (ک) کار گروهی   |
| ۹۸  | ..... (ل) استقبال مدیران از عامل تغییر  |
| ۱۰۰ | ..... ۱۰. سازمان و تکنیک های توسعه خلاقیت گروهی                                 |
| ۱۰۰ | ..... اشاره   |
| ۱۰۰ | ..... (الف) تکنیک تحرک مغزی (توفان فکری)  |
| ۱۰۰ | ..... (ب) تکنیک خلاقیت شش کلاه تفکر   |
| ۱۰۳ | ..... (ج) گردش تخیلی  |
| ۱۰۴ | ..... (د) تهییج ذهنی یا تکنیک گوردون  |
| ۱۰۴ | ..... (ه) تفکر موازی  |
| ۱۰۵ | ..... (و) ارتباط اجباری   |
| ۱۰۵ | ..... ۱۱. نقش مدیر در پرورش خلاقیت  |
| ۱۰۸ | ..... بخش دوم: نوآوری در بستر تولید علم و توسعه علمی (عوامل، موانع و راه کارها) |
| ۱۰۸ | ..... اشاره   |
| ۱۱۰ | ..... درآمد   |
| ۱۱۲ | ..... فصل اول: تولید علم و توسعه علمی   |
| ۱۱۲ | ..... اشاره   |
| ۱۱۲ | ..... ۱. تولید علم  |
| ۱۱۶ | ..... ۲. فرهنگ و تولید علم  |
| ۱۱۸ | ..... ۳. ویژگی های فرهنگ علمی   |
| ۱۱۸ | ..... اشاره   |
| ۱۱۸ | ..... (الف) ارزش بودن اندیشه علمی   |
| ۱۱۹ | ..... (ب) قدرت علمی   |
| ۱۲۰ | ..... (ج) توان تولید فکر و نظریه  |
| ۱۲۰ | ..... (د) شخصیت علمی  |

۴. تولید و نوآوری بر اساس دو بال علم و ایمان ..... ۱۲۱
۵. ارتباط تولید علم و توسعه علمی ..... ۱۲۳
۶. ضرورت پرچمداری تولید علم در جهان اسلام ..... ۱۲۴
۷. عوامل بازدارنده پیشرفت و تعالی همه جانبه در ایران ..... ۱۲۶
- اشاره ..... ۱۲۶
- الف) پیش داوری ..... ۱۲۷
- ب) جزمیت و جمود ..... ۱۲۸
- ج) هم رنگی با جماعت ..... ۱۲۸
- د) تلقین پذیری ..... ۱۲۸
- ه) تقلید ..... ۱۲۸
- و) شخصیت پرستی ..... ۱۳۰
- ز) تعصب ..... ۱۳۰
- ح) جدی نگرفتن زندگی ..... ۱۳۰
- ط) داشتن دیدگاه پست به کار ..... ۱۳۰
- ی) مصرف زدگی ..... ۱۳۰
- ک) از دست رفتن قوه تمییز میان خوشایند و مصلحت ..... ۱۳۲
۸. نگاه هدف مند و مولد به علم ..... ۱۳۲
۹. پایگاه توسعه علمی ..... ۱۳۴
۱۰. موانع توسعه علمی ..... ۱۳۶
۱۱. راه کارهای توسعه علمی ..... ۱۳۸
- فصل دوم: انگیزه های تولید علم ..... ۱۴۰
- اشاره ..... ۱۴۰
۱. حفظ عزت مسلمانان و نفی سلطه بیگانه؛ ۲. کشف حقیقت؛ ..... ۱۴۰
۲. کشف حقیقت؛ ..... ۱۴۰
۳. دفاع از اندیشه دینی. ..... ۱۴۰
۴. انجام دادن تکلیف ..... ۱۴۱

۵. تأمین نیازهای جامعه اسلامی ..... ۱۴۳
- فصل سوم: تولید علم، موانع و راه کارها ..... ۱۴۴
- اشاره ..... ۱۴۴
۱. موانع تولید علم ..... ۱۴۴
- اشاره ..... ۱۴۴
- الف) عظمت اندیشه بعضی از متفکران ..... ۱۴۵
- ب) افراط و تفریط در حوزه تعقل ..... ۱۴۶
- ج) تکريم نکردن عالمان و نخبگان ..... ۱۴۷
- اشاره ..... ۱۴۷
- یک - نظریه هایی درباره نخبگان و فرار مغزها ..... ۱۴۷
- دو - زمینه ها و عوامل گریز نخبگان ..... ۱۴۹
- سه - فرار مغزها از ایران ..... ۱۵۲
- چهار - بسترسازی برای فعالیت نخبگان ..... ۱۵۴
- د) نداشتن مدیریت هوش و استعداد ملی ..... ۱۵۷
- ه) - عدم بومی سازی علوم غربی ..... ۱۵۸
- و) تولید نکردن علم متناسب با نیازها ..... ۱۶۳
- ز) دیگر موانع تولید علم ..... ۱۶۵
۲. راه کارهای عملیاتی کردن تولید علم ..... ۱۶۸
- اشاره ..... ۱۶۸
- الف) شناخت ظرفیت ها ..... ۱۶۸
- ب) آگاهی از نیازها ..... ۱۶۸
- ج) شناسایی رقیب و رصد تولیدات جهانی ..... ۱۶۸
- د) اولویت گذاری ..... ۱۷۰
- ه) - تقسیم کار ..... ۱۷۰
- و) ارتباط کشور با پژوهش ..... ۱۷۰
- ز) هماهنگی آموزش با پژوهش ..... ۱۷۱

|     |  |
|-----|--|
| ۱۷۱ | ح) ارتباط با مخازن بزرگ اطلاعاتی                             |
| ۱۷۱ | ط) رهبری پژوهش   |
| ۱۷۱ | ی) جذب و نگه داری نخبگان                                     |
| ۱۷۳ | بخش سوم: نوآوری و تولید علم از دیدگاه امام رحمه الله و رهبری |
| ۱۷۳ | اشاره  |
| ۱۷۵ | درآمد  |
| ۱۷۷ | فصل اول: تولید علم از دیدگاه امام رحمه الله                  |
| ۱۷۷ | اشاره  |
| ۱۷۷ | ۱. عرصه های نوآوری   |
| ۱۷۹ | ۲. مخاطبان اصلی تولید علم و نوآوری                           |
| ۱۸۱ | ۳. تولید علم در خدمت جامعه و گریز از وابستگی                 |
| ۱۸۲ | ۴. راه کارهای بلند مدت در تولید علم و نوآوری ۱               |
| ۱۸۲ | اشاره  |
| ۱۸۲ | الف) آشناسازی جامعه با جلوه های مختلف فرهنگ بیگانه           |
| ۱۸۵ | ب) شناخت و معرفی همه جانبه اسلام                             |
| ۱۸۶ | ج) برانگیختن احساس مسئولیت خواص و عوام                       |
| ۱۸۷ | د) نهادینه سازی فرهنگ تولید                                  |
| ۱۸۹ | هـ) فعال سازی باورها و انگیزه های دینی جامعه                 |
| ۱۹۰ | فصل دوم: تولید علم و نوآوری از دیدگاه رهبری                  |
| ۱۹۰ | اشاره  |
| ۱۹۲ | ۱. تولید علم   |
| ۱۹۴ | ۲. تولید نرم افزارهای علمی و معنوی                           |
| ۱۹۶ | ۳. هدف های نهضت تولید علم                                    |
| ۱۹۸ | ۴. گستره تولید علم و نوآوری                                  |
| ۲۰۱ | ۵. موانع تولید علم   |
| ۲۰۱ | اشاره  |

- الف) یأس و ناامیدی ..... ۲۰۱
- ب) وجود افکار التقاطی ..... ۲۰۲
- ج) تحجر علمی ..... ۲۰۲
- د) هرج و مرج علمی ..... ۲۰۳
- ه) نگرشی انحصاری به مفاهیم وارداتی ..... ۲۰۳
- و) برخورد متعصبانه با افکار دیگران ..... ۲۰۴
- ز) سیاست زدگی و سیاست زدایی ..... ۲۰۵
- ح) غرب زدگی و مهره سازی ..... ۲۰۵
۶. راه کارهای تحقق تولید علم و نوآوری ..... ۲۰۶
- اشاره ..... ۲۰۶
- الف) تشویق به حرکت جهادی در تولید علم ..... ۲۰۶
- ب) ایجاد روحیه خودباوری ..... ۲۰۷
- ج) ایجاد تغییر در فرهنگ و باور اجتماعی و تبدیل تولید علم به ارزش عمومی ..... ۲۰۸
- د) شکستن جزم گرایی و ابهت علوم غربی ..... ۲۰۹
- ه) تبیین آثار سوء مصرف گرایی ..... ۲۰۹
- و) نظریه پردازی ..... ۲۱۰
- ز) کاربردی کردن پژوهش ها ..... ۲۱۲
- اشاره ..... ۲۱۲
- فرجام سخن ..... ۲۱۳
- وظایف حکومت ..... ۲۱۳
- نهاد حوزه ..... ۲۱۴
- دانشگاه ..... ۲۱۶
- کتاب نامه ..... ۲۱۹
- اشاره ..... ۲۱۹
- الف) کتاب ها ..... ۲۱۹
- ب) نشریات ..... ۲۲۱

۲۲۴ ----- پرسش های مسابقه ای برگرفته از کتاب «نوآوری؛ بستر شکوفایی» -----

۲۳۲ ----- پاسخ نامه -----

۲۳۳ ----- درباره مرکز -----

سرشناسه: اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: نوآوری، بستر شکوفایی / حسین اسحاقی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص.

فروست: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۲۹۰.

ویژه سال نوآوری و شکوفایی؛ ۱.

شابک: ۲۳۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۴۸-۷:

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۶۹] - ۱۷۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: نوآوری

موضوع: نوآوری -- مدیریت

موضوع: نوآوری -- جنبه های اجتماعی

موضوع: اندیشه و تفکر خلاق

موضوع: خلاقیت

موضوع: علوم -- نوآوری

شناسه افزوده: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: HD۴۵/الف۹۴۶ن۹۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۶۵۸/۵۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۱۱۱۶۷



ص: ۱

اشاره

نوآوری، بستر شکوفایی

کد: ۱۲۹۰

نویسنده: سیدحسین اسحاقی

ویراستار: رقیه چاوشی

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

نوبت چاپ: اول / اردیبهشت ۱۳۸۷

شمارگان: ۵۰۰۰

بها: ۲۳۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: IRC@IRIB.ir Emial

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ - ۰۲۵۱ - دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۴۸-۷ / ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۴۸-۷ ISBN:

ص: ۲

دیباچه ۱

پیش گفتار ۳

بخش اول: ویژگی ها و راه های پرورش خلاقیت و نوآوری

درآمد ۱۱

فصل اول: کلیات ۱۳

۱. تعریف خلاقیت ۱۳

الف) خلاقیت از دیدگاه روانشناسی ۱۳

ب) خلاقیت از دیدگاه سازمانی ۱۴

۲. تعریف نوآوری ۱۵

۳. ارتباط خلاقیت و نوآوری ۱۵

۴. متغیرهای اثرگذار در ایجاد نوآوری ۱۷

الف) ساختار سازمانی ۱۷

ب) فرهنگ سازمانی ۱۷

ج) متغیرهای منابع انسانی ۱۸

۵. فرصت های خلاقیت ۱۸

۶. اهمیت خلاقیت و نوآوری ۱۸

۷. امکان تقویت خلاقیت ۱۹

۸. اصول خلاقیت ۲۱

اصل اول: ایده های جدید از عناصر قدیمی ساخته می شوند ۲۱

اصل دوم: همه ایده های جدید هم سنگ نیستند ۲۲

اصل سوم: خلاقیت با توانایی ارتباط برقرار کردن میان امور مختلف

تقویت می شود ۲۳

فصل دوم: خلاقیت در کودکان و نوجوانان ۲۴

۱. عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت ۲۴

۲. اصول کلی پرورش خلاقیت ۲۶

الف) محدود نکردن تجارب کودکان به موقعیت های خاص ۲۶

ب) ارزش قائل شدن برای طرح سؤال ها و اندیشه های غیرمعمول ۲۶

ج) قرار دادن فرصت هایی برای خودآموزی و یادگیری اکتشافی ۲۶

د) احترام به تفاوت های فردی یادگیرندگان ۲۶

ه) سرمشق قراردادن رفتارهای آفریننده برای کودکان ۲۷

و) استفاده از روش ها و فنون ویژه بالا بردن سطح آفرینندگی ۲۷

ص: ۳

۳. دیگر روش های پرورش خلاقیت ۲۸

الف) تجربه ۲۸

ب) بازی های فکری ۲۸

ج) صنایع دستی ۲۸

د) هنرهای زیبا ۲۸

ه) مطالعه ۲۹

و) نویسندگی ۲۹

ز) حل خلاق مسائل روزمره ۲۹

۴. نقش معلم در پرورش خلاقیت ۳۰

۵. عوامل باز دارنده خلاقیت ۳۱

فصل سوم: ویژگی ها، عوامل و موانع پرورش خلاقیت و نوآوری ۳۳

۱. ویژگی های خلاقیت ۳۳

۲. ویژگی های افراد خلاق ۳۴

الف) سلامت فکر و روان ۳۵

ب) انعطاف پذیری ۳۵

ج) ابتکار ۳۵

د) ترجیح دادن پیچیدگی در برابر سادگی ۳۶

ه) استقلال رأی و داوری ۳۶

و) تمرکز نیروی ذهنی بر والاترین هدفی که دارند ۳۶

ز) کنجکاوی ۳۷

ح) اعتماد به نفس ۳۷

ط) داشتن هدف در زندگی ۳۷

ی) زندگی کردن با توجه به حال ۳۸

ک) احتیاج نداشتن به تأیید دیگران ۳۸

ل) انرژی فراوان ۳۸

م) تنوع طلب بودن ۳۸

ن) نگرشی مثبت داشتن ۳۸

س) برخورد صحیح با مشکلات ۳۸

۳. فرآیند خلاقیت و نوآوری ۳۹

۴. شرایط ایجاد خلاقیت و نوآوری ۳۹

الف) فضای خلاق ۴۰

ب) دادن وقت برای خلاقیت ۴۰

ج) برقراری سیستم پیشنهادات ۴۰

د) ایجاد واحد مخصوص خلاقیت ۴۰

۵. عوامل تشدیدکننده خلاقیت و نوآوری ۴۱

الف) انگیزه ها ۴۱

یک - انگیزه های بیرونی ۴۱

اول - بحران های جامعه ۴۱

دوم - سطح توقعات جامعه ۴۲

دو - انگیزه های درونی ۴۲

اول - استعداد ذاتی فرد ۴۲

دوم - نیازهای درونی ۴۲

ص: ۴

سوم - بحران های شخصی ۴۲

ب) ابزارها ۴۳

۶. چگونگی بیدارسازی خلاقیت های خفته ۴۳

الف) قبول وجود ذخیره بیکران خلاقیت در درون انسان ۴۳

ب) شکستن مرزبندی کلیشه ای ۴۳

ج) انجام کارهای جدید و مداومت در آنها ۴۳

د) تلاش در جهت ارتقای دانش و مهارت ۴۴

ه-) آرامش فکر و مثبت اندیشی ۴۴

۷. موانع خلاقیت ۴۴

الف) موانع فردی ۴۴

ب) موانع بیرونی ۴۶

۸. روش هایی برای ایجاد خلاقیت و ایده های بزرگ در ذهن ۴۷

الف) زیاد مطالعه کنید ۴۸

ب) فرصت هایی را که در آن ذهن شما خلاق است، از دست ندهید ۴۸

ج) یک دفترچه یادداشت به همراه داشته باشید ۴۹

د) از افکار دیگران بهره بجویید ۴۹

ه) تغییراتی در محیط اطراف خود ایجاد کنید ۴۹

و) بر روی شکاف میان دو نسل خط بطلان بکشید ۵۰

ز) به رفیق خود مراجعه کنید ۵۰

ح) به توانایی هایی خود اتکا کنید و در حیطه کاری خود به فعالیت پردازید ۵۱



ط) به ذهن خود آزادی عمل دهید ۵۱

ی) ایده های گذشته را از نو بسازید ۵۱

ک) از قدرت نهفته درونتان یاری بخواهید ۵۲

۹. ویژگی های سازمان خلاق ۵۲

الف) رعایت کرامت انسانی و احترام به افراد ۵۲

ب) فرهنگ ارتقای بهره وری ۵۲

ج) مدیران همیشه در صحنه ۵۲

د) رقابت کامل و فشرده ۵۳

ه-) توجه به تمام و کمال به مشتری ها ۵۳

و) امکان گردش شغلی ۵۳

ز) فرهنگ کار تیمی ۵۳

ح) امنیت شغلی ۵۴

ط) ارزش تلقی شدن عامل تغییر ۵۴

ی) فرهنگ خودارزیابی و خودکنترلی ۵۴

ک) کار گروهی ۵۴

ل) استقبال مدیران از عامل تغییر ۵۴

۱۰. سازمان و تکنیک های توسعه خلاقیت گروهی ۵۵

الف) تکنیک تحرک مغزی (توفان فکری) ۵۵

ب) تکنیک خلاقیت شش کلاه تفکر ۵۵

ج) گردش تخیلی ۵۸

د) تهیج ذهنی یا تکنیک گوردون ۵۹

ه) تفکر موازی ۵۹

ص: ۵

(و) ارتباط اجباری ۶۰

۱۱. نقش مدیر در پرورش خلاقیت ۶۰

بخش دوم: نوآوری در بستر تولید علم و توسعه علمی (عوامل، موانع و راه کارها)

درآمد ۶۵

فصل اول: تولید علم و توسعه علمی ۶۷

۱. تولید علم ۶۷

۲. فرهنگ و تولید علم ۷۰

۳. ویژگی های فرهنگ علمی ۷۲

الف) ارزش بودن اندیشه علمی ۷۲

ب) قدرت علمی ۷۳

ج) توان تولید فکر و نظریه ۷۴

د) شخصیت علمی ۷۴

۴. تولید و نوآوری بر اساس دو بال علم و ایمان ۷۵

۵. ارتباط تولید علم و توسعه علمی ۷۷

۶. ضرورت پرچم داری تولید علم در جهان اسلام ۷۸

۷. عوامل بازدارنده پیشرفت و تعالی همه جانبه در ایران ۸۰

الف) پیشداوری ۸۱

ب) جزمیت و جمود ۸۲

ج) هم رنگی با جماعت ۸۲

د) تلقین پذیری ۸۲

ه- تقلید ۸۲

و) شخصیت پرستی ۸۳

ز) تعصب ۸۳

ح) جدی نگرفتن زندگی ۸۳

ط) داشتن دیدگاه پست به کار ۸۳

ی) مصرفزدگی ۸۳

ک) از دست رفتن قوه تمییز میان خوشایند و مصلحت ۸۴

۸. نگاه هدف مند و مولد به علم ۸۴

۹. پایگاه توسعه علمی ۸۶

۱۰. موانع توسعه علمی ۸۸

۱۱. راه کارهای توسعه علمی ۹۰

فصل دوم: انگیزه های تولید علم ۹۲

۱. حفظ عزت مسلمانان و نفی سلطه بیگانه؛ ۹۲

۲. کشف حقیقت؛ ۹۲

۳. دفاع از اندیشه دینی. ۹۲

۴. انجام دادن تکلیف ۹۳

۵. تأمین نیازهای جامعه اسلامی ۹۵

فصل سوم: تولید علم، موانع و راه کارها ۹۶

۱. موانع تولید علم ۹۶

الف) عظمت اندیشه بعضی از متفکران ۹۶



ب) افراط و تفریط در حوزه تعقل ۹۷

ج) تکریم نکردن عالمان و نخبگان ۹۸

یک - نظریه هایی درباره نخبگان و فرار مغزها ۹۸

دو - زمینه ها و عوامل گریز نخبگان ۱۰۰

سه - فرار مغزها از ایران ۱۰۳

چهار - بسترسازی برای فعالیت نخبگان ۱۰۵

د) نداشتن مدیریت هوش و استعداد ملی ۱۰۸

ه) - عدم بومی سازی علوم غربی ۱۰۹

و) تولید نکردن علم متناسب با نیازها ۱۱۴

ز) دیگر موانع تولید علم ۱۱۶

۲. راه کارهای عملیاتی کردن تولید علم ۱۱۹

الف) شناخت ظرفیت ها ۱۱۹

ب) آگاهی از نیازها ۱۱۹

ج) شناسایی رقیب و رصد تولیدات جهانی ۱۱۹

د) اولویت گذاری ۱۲۰

ه) - تقسیم کار ۱۲۰

و) ارتباط کشور با پژوهش ۱۲۰

ز) هماهنگی آموزش با پژوهش ۱۲۱

ح) ارتباط با مخازن بزرگ اطلاعاتی ۱۲۱

ط) رهبری پژوهش ۱۲۱

ی) جذب و نگه داری نخبگان ۱۲۱

بخش سوم: نوآوری و تولید علم از دیدگاه امام(ره) و رهبری

درآمد ۱۲۵

فصل اول: تولید علم از دیدگاه امام(ره) ۱۲۷

۱. عرصه های نوآوری ۱۲۷

۲. مخاطبان اصلی تولید علم و نوآوری ۱۲۹

۳. تولید علم در خدمت جامعه و گریز از وابستگی ۱۳۱

۴. راه کارهای بلندمدت در تولید علم و نوآوری ۱۳۲

الف) آشناسازی جامعه با جلوه های مختلف فرهنگ بیگانه ۱۳۲

ب) شناخت و معرفی همه جانبه اسلام ۱۳۵

ج) برانگیختن احساس مسئولیت خواص و عوام ۱۳۶

د) نهادینه سازی فرهنگ تولید ۱۳۷

ه-) فعال سازی باورها و انگیزه های دینی جامعه ۱۳۹

فصل دوم: تولید علم و نوآوری از دیدگاه رهبری ۱۴۰

۱. تولید علم ۱۴۲

۲. تولید نرم افزارهای علمی و معنوی ۱۴۴

۳. هدف های نهضت تولید علم ۱۴۶

۴. گستره تولید علم و نوآوری ۱۴۸

۵. موانع تولید علم ۱۵۱

الف) یأس و ناامیدی ۱۵۱





ب) وجود افکار التقاطی ۱۵۲

ج) تحجر علمی ۱۵۲

د) هرج و مرج علمی ۱۵۳

ه) نگرشی انحصاری به مفاهیم وارداتی ۱۵۳

و) برخورد متعصبانه با افکار دیگران ۱۵۴

ز) سیاست زدگی و سیاست زدایی ۱۵۵

ح) غرب زدگی و مهره سازی ۱۵۵

۶. راه کارهای تحقق تولید علم و نوآوری ۱۵۶

الف) تشویق به حرکت جهادی در تولید علم ۱۵۶

ب) ایجاد روحیه خودباوری ۱۵۷

ج) ایجاد تغییر در فرهنگ و باور اجتماعی و تبدیل تولید علم به ارزش عمومی ۱۵۸

د) شکستن جزم گرایی و ابهت علوم غربی ۱۵۹

ه) تبیین آثار سوء مصرف گرایی ۱۵۹

و) نظریه پردازی ۱۶۰

ز) کاربردی کردن پژوهش ها ۱۶۲

فرجام سخن ۱۶۳

وظایف حکومت ۱۶۳

نهاد حوزه ۱۶۴

دانشگاه ۱۶۶

کتاب نامه ۱۶۹

الف) كتاب ها ١٦٩

ب) نشریات ١٧٢

ص: ٨

مدتی است که مقام معظم رهبری مدظله العالی، سکان دار حرکت تکاملی نظام اسلامی، موضوع تولید علم، نهضت نرم افزاری و نوآوری علمی را مهم ترین نیاز جامعه تشخیص داده و بارها در مجامع حوزوی و دانشگاهی بر ضرورت تحقق آن تأکید داشته است. امسال را نیز در طلیعه نوروز «سال نوآوری و شکوفایی»، نامیدند و به صراحت گفتند که امسال باید فضای نوآوری کشور را فرا بگیرد و همه مسئولان، خود را موظف بدانند با بهره گیری از امکانات مادی و معنوی کارهای نو و ابتکاری و راه های میان بُر را در سایه مدیریت درست، دوران‌دیشی حکیمانه در فعالیت کشور وارد کنند تا کام مردم از ثمره این تلاش ها شیرین شود.

البته تحقق نوآوری و نهضت نرم افزاری با تبیین چرایی و چیستی آن پایان نمی پذیرد، بلکه برای به انجام رسیدن این نهضت عزمی جدی لازم است تا بر اساس راه کارهای ارائه شده، موانع تفکر خلاق و نوآوری از میان برداشته شود و هر یک به میزان سهم خود مشارکت فعالانه داشته باشند. رهبر فرزانه انقلاب در توصیه های چندین ساله خود، تنها به ارائه راه کارهای کلان بسنده نکرده، بلکه وظایف و مسئولیت های هر بخش اعم از حوزه، دانشگاه، پژوهش گران، نخبگان، مسئولان اجرایی و آحاد

مردم را برشمردند و عملی شدن این مهم را در پرتو همت و یاری همگانی ممکن دانسته اند، مشروط بر اینکه تشویق به حرکت جهادی در تولید علم صورت گیرد و با ایجاد روحیه خودباوری و خودآگاهی جمعی، جزم گرایی علوم غربی شکسته شود و با نظریه پردازی، عمل گرا کردن پژوهش ها، میدان دادن به جوانان محقق و تبدیل تولید علم و نوآوری به ارزش و باور عمومی، رهروان این راه دشوار به مقصود خود نزدیک شوند.

این مجموعه نیز با بررسی مفهوم خلاقیت و نوآوری و موانع تولید علم و ارائه راهبرد تولید علم و نوآوری از منظر امام رحمه الله و رهبر فرزانه انقلاب کوشیده است تا دست مایه ای مناسب فراروی برنامه ریزان و برنامه سازان ارجمند جهت تحقق رهنمودهای رهبر معظم انقلاب قرار دهد و امید است تلاش پژوهش گر ارجمند جناب آقای سیدحسین اسحاقی و جناب آقای حسین بهرامیان ارزیاب علمی اثر، مورد رضایت الهی، مقام عظمای ولایت و بهره برداران گرامی قرار گیرد.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۲

سال ۱۳۸۷ را رهبر معظم انقلاب اسلامی سال «نوآوری و شکوفایی» نام‌گذاری کرده است. این اقدام که با هدف فرهنگ‌سازی و نشان دادن نقطه عزیمت کشور صورت گرفت، به اصول و تصمیم‌هایی نیازمند است که نوآوری و خلاقیت و پایان دادن به کلیشه‌ها و تکرارها، در صدر آن قرار دارد. بی‌تردید، نخستین مخاطبان این خواسته، مسئولان و دست‌اندرکاران کشور و سپس آحاد ایران اسلامی هستند که شایسته است در زندگی خود بیش از پیش دست به نوآوری بزنند.

نام‌گذاری سال‌ها از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۷۳ با تأکید بر مسئله «تقویت وجدان کاری و انضباط اجتماعی» آغاز شده، از نام‌گذاری سال ۱۳۷۸ به نام «امام خمینی رحمه الله» شفاف‌تر و جدی‌تر ادامه پیدا کرد. بدین ترتیب، امسال نیز سال «نوآوری و شکوفایی» نام گرفت. البته نام‌گذاری سال‌ها امر بی‌سابقه‌ای در جهان نیست و برای نمونه، مجمع عمومی سازمان ملل نیز برای هر سال نامی را برمی‌گزیند؛ رویه‌ای که از سال ۱۹۷۵م. تاکنون ادامه داشته است. سال کودک، سال زنان و سال حقوق بشر از جمله این نام‌گذاری‌هاست. سازمان ملل، گاه پیشاپیش نیز به نام‌گذاری اقدام می‌کند. این سازمان بر اساس پیشنهاد

«یونسکو». در سال ۲۰۰۵م. و در اواخر سال ۲۰۰۷م. سال ۲۰۰۹م. را سال «نجوم» نامیده و هدف‌ها و برنامه‌هایی را نیز به همین مناسبت پیش‌بینی کرده و تدارک دیده است. باید دانست که نام‌گذاری امسال با عنوان، «نوآوری و شکوفایی» از سوی رهبر معظم انقلاب را باید سرلوحه و راه کار پیش‌بردی نظام قرار دهیم و این شعار را به فرهنگ تبدیل کنیم. استفاده از خلاقیت‌ها، تولید دانش و تکیه بر پژوهش، نویدبخش توسعه هرچه بیشتر کشور خواهد بود. نام‌گذاری سال ۱۳۸۷ با عنوان سال «نوآوری و شکوفایی» باهدف جذب، شناسایی و استعدادیابی و سامان‌دهی نخبگان جامعه، مناسب‌ترین نام‌گذاری برای امسال بوده است. نکته مهم این است که راه‌های عملیاتی شدن این هدف، یعنی نوآوری و شکوفایی چیست و چگونه اجرایی می‌شود؟ در این مسیر باید شکوفایی استعدادها، یعنی فرصت‌های ارزشمند و ثروت‌های گران‌قدر فکری را همچون دیگر موهبت‌های الهی از قوه به فعل تبدیل کرد و باید این فرصت‌ها را برای رفع مشکلات و موانع زندگی شخصی و اجتماعی به کار برد. نوآوری، درصنعت و فن‌آوری محدود نمی‌شود، بلکه در زمینه‌های گوناگون، تعیین‌کننده و مهم است.

در این سال، باید اراده ملی، ایمان و باور قلبی و عناصر زیربنایی تقویت شود و هم‌زمان، عوامل محدودکننده مانند منفی‌نگری، ناامیدی و نداشتن اعتماد به نفس در ابعاد ملی، از ادبیات عام و خاص به ویژه جوانان و محیط‌های علمی و آموزشی برچیده شود.

در این میان، سازمان آموزش و پرورش در پیشبرد این امر نقش عمده‌ای دارد. تشکیل شوراهای راهبردی و اتاق‌های فکر، به کار بستن روش‌های درست یادگیری و یاددهی و ارزش‌یابی تکوینی و تکمیلی، از جمله راه‌های کشف استعدادها بالقوه است. برای رسیدن به نوآوری،

نوزایی، طرح ایده های نو و به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه، داشتن اعتماد به نفس ضروری است. نخبگان جامعه وظیفه دارند در همه عرصه های فرهنگی، هنری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با دیدی فراتر و بازتر به منظور تحقق این شعار گام بردارند و همگان برای رسیدن به هدف بلندمدت سرزمین خود، باید بر اساس تجربه ها و اندوخته های کشورها و دیگر ملت ها عمل کنیم و از پیشرفت آنان در حد لازم و درست بهره بگیریم.

نوآوری را، چه انجام دادن کار به گونه ای دیگر و یافتن محدوده های جدید بدانیم و چه خلاقیت بارور شده یا هر نوع دگرگونی در فن آوری، موضوعی است که تصمیم گیری درباره آن نیازمند روش حساب شده است. شاید این همان نکته ای است که رهبر معظم انقلاب هوشمندانه فرمود:

ما نمی توانیم آرام و معمولی حرکت کنیم، بلکه باید با تلاشی مضاعف، جدی تر و با نهایت شتاب، اما حساب شده، منظم و منضبط به جلو برویم. و در عرصه داخلی و همچنین عرصه پیچیده بین المللی از تمایز ظرفیت ها برای دست یابی به پیشرفت های بزرگ استفاده کنیم.

مهم ترین نوآوری ها را می توان در دو محور نوآوری در فرآیند و نوآوری در محصول، دسته بندی و در همه عرصه ها همچون فرهنگ، سیاست و اقتصاد برای آن برنامه ریزی کرد. مسئله مهم در این زمینه، شناسایی پیش نیازهای نوآوری است. کنجکاوی شجاعانه، نوگرایی و ایده پردازی از لوازم ضروری کار است. نگاه زنجیره ای داشتن به عنوان های سال های مختلف پیش از این و پس از این، می تواند حلقه کامل کننده جهت گیری باشد. بر این اساس، نوآوری و شکوفایی حلقه کامل کننده برخی از اولویت های سال های پیش مانند وجدان کاری و انضباط اجتماعی،

پرهیز از اسراف، رعایت صرفه جویی، قناعت و پایداری، اقتدار ملی، اشتغال آفرینی، نهضت خدمت گزاری و اتحاد ملی و انسجام اسلامی است. جمع بندی زودهنگام درباره عنوان سال بعد و تهیه پیوست های مختلف از جمله تبلیغی و اجرایی و تهیه روشی برای کنترل و ارزیابی اقدام ها و تأثیرات لازم، از جمله موضوع هایی است که می توان در این بخش به آن توجه کرد.

نام گذاری سال ها عاملی حرکت آفرین است برای کشورها تا به سوی پیشرفت و تعالی در هر حوزه ای، هدفمند گام بردارند. میزان شتاب در این حرکت به مسائل متعددی برمی گردد. در این میان، مسئولان کشور در همه رده ها در رأس آن عوامل قرار می گیرند. کشور ما با داشتن میلیون ها جوان خلاق و تحصیل کرده، توانایی بالقوه برای شکوفا ساختن و بالندگی کشور در بسیاری از عرصه ها را دارد. البته فعلیت بخشیدن به این توانایی ها بیش از هر چیز اهمیت دارد و هنر مسئولان نظام در این است که زمینه بروز خلاقیت در گروه خلاق، پر انرژی و پر شتاب کشور را فراهم آورند و مانع از دل سردی و وازدگی آنان شوند. ناگفته نماند ما عادت کرده ایم نتیجه فعالیت هایمان را نه در قالب کیفی، بلکه در قالب کمی و در حد آمار و ارقام ارائه کنیم. حال آنکه چه خوب است، سال جدید را سال توجه به کیفیت ها قرار دهیم.

در کنار این اقدام ها، باید امکان رشد و بالندگی افراد متخصص و البته متعهد را در نظام مدیریتی کشور هموارتر کرد. همه ما به مسئله گردش نخبگان آگاهیم، ولی به راستی تا چه حد اسباب و لوازم آن را فراهم کرده ایم. نباید نخبگان و جوانان خلاق در پیچ و خم بوروکراسی اداری خود دل سرد شوند و زمینه بروز خلاقیت خود را در کشورهای



دیگر جست و جو کنند. ضمن آنکه خبرهای موفقیت ایرانیان در کشورهای دیگر را که در حوزه های مختلف علمی منشأ خدمات انسانی هستند، گویای ضعف مسئولان در جذب و به کارگیری این گونه افراد است.

بهترین راه برای حل این مشکل، ارزش گذاری تخصصی این افراد است؛ زیرا پیشرفت و شکوفایی کشور در گرو دانش و عمل متخصصان و افراد تحصیل کرده ای است که هم اکنون خودکفایی را در بسیاری از زمینه ها به ارمغان آورده اند. رهبر معظم انقلاب می فرماید:

انتظار من در سال ۱۳۸۷ نوآوری در بخش های مختلف دستگاه های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و خدماتی کشور از جمله در دیپلماسی، حرکت به سمت علم و تحقیق، گسترش فرهنگ مطلوب در ارائه خدمات به همه قشرها به خصوص قشرهای محروم، در آبادانی کشور است.

... انتظارهای مردم در سال جاری این است که فعالیت هایی که در سال های گذشته انجام شده و کارهایی که دولت در سال های اخیر انجام داده، به نتیجه و شکوفایی برسد و کام مردم از نتیجه این فعالیت ها و تلاش ها شیرین شود. بنابراین امسال را سال نوآوری و شکوفایی می نامم.

ایشان اظهار امیدواری کردند که در سال نوآوری و شکوفایی، در همه بخش ها به ویژه حوزه و دانشگاه و مراکز علمی و پژوهشی، از همه تجربه ها و اندیشه ها برای خلاقیت و نوآوری استفاده شود.

شایان ذکر است در گردآوری و تنظیم این اثر از سایت ها و منابعی که در پایان پژوهش آمده است، بهره برده ایم.



## بخش اول: ویژگی ها و راه های پرورش خلاقیت و نوآوری

### اشاره

بخش اول: ویژگی ها و راه های پرورش خلاقیت و نوآوری

زیر فصل ها

ص: ۹



با پیشرفت روزافزون دانش و فن آوری و جریان گسترده اطلاعات، امروزه جامعه ما نیازمند آموزش مهارت هایی است که با کمک آن بتواند همگام با توسعه علم و فن آوری به پیش برود. هدف باید پرورش انسان هایی باشد که بتوانند با ذهنی خلاق با مشکلات روبه رو شوند و به حل آنها پردازند. به گونه ای که انسان ها به خوبی با یکدیگر بتوانند ارتباط برقرار کنند و با بهره گیری از دانش جمعی و تولید افکار نو، مشکلات را از میان بردارند. امروزه مردم ما نیازمند آموزش خلاقیت پروری هستند تا با خلق افکار نو به سوی یک جامعه سعادت مند گام بردارند.

رشد فزاینده اطلاعات، سبب شده است هر انسانی از تجربه و دانشی بهره مند باشد که دیگری فرصت کسب آنها را ندارد. از این رو، به جریان انداختن اطلاعات بر گرفته از دانش و تجربه در میان انسان ها یکی از راه های موفقیت در دنیای امروز است. هیچ کس نمی تواند به اطلاعات نهفته در گوشه ذهن هر کس پی ببرد. این اطلاعات زمانی به حرکت در می آید که انگیزه ای قوی سبب رها شدن آن به بیرون ذهن می شود. در این مرحله، سرنوشت انسان ها برای یکدیگر مهم است و در جهت رشد یکدیگر می کوشند و در نهایت، جریانی از دانش و تجربه ها میان آنها جاری می شود که همین امر، زمینه ساز نوآوری و خلاقیت خواهد بود.

یکی از عوامل مؤثر در بروز خلاقیت در یک جامعه، زمینه سازی و بسترسازی در میان انسان ها به منظور ایجاد فرهنگی است که در آن، همگان برای رشد دادن دیگری می کوشند و با اثرگذاری بر روی یکدیگر به پیشرفت جامعه کمک می کنند.

یکی از شرایط لازم برای پدیدار شدن افکار نو، وجود آرامش برای مغز است. به همین خاطر، لازم است انسان ها بکوشند در جامعه شرایطی را پدید آورند تا در بستر آن، مغز بیندیشد و تکامل یابد و سبب ساز افکار نو شود و شرایط برای سازندگی در جامعه فراهم شود. با افزایش سپرده گذاری های اخلاقی، می توان شرایط را برای شکل گیری محیطی آرام بخش در جامعه فراهم کرد. در مقابل، کاهش سپرده گذاری های اخلاقی در جامعه سبب می شود که زمینه برای گسسته شدن روابط اجتماعی گسترش یابد و با سست شدن پیوندهای اجتماعی، شرایط لازم برای بروز خلاقیت در جامعه سخت تر می شود؛ زیرا فرصتی برای اندیشیدن وجود نخواهد داشت.

ص: ۱۲

## فصل اول: کلیات

### اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. تعریف خلاقیت

۲. تعریف نوآوری

۳. ارتباط خلاقیت و نوآوری

۴. متغیرهای اثرگذار در ایجاد نوآوری

۵. فرصت های خلاقیت

۶. اهمیت خلاقیت و نوآوری

۷. امکان تقویت خلاقیت

۸. اصول خلاقیت

### ۱. تعریف خلاقیت

### اشاره

۱. تعریف خلاقیت

برخی از تعریف های مهم درباره خلاقیت عبارتند از:

خلاقیت یعنی تلاش برای ایجاد یک تغییر هدفدار در توان اجتماعی یا اقتصادی سازمان؛

خلاقیت به کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر، یا مفهوم جدید است؛

خلاقیت یعنی توانایی پرورش یا به وجود آوردن یک انگاره یا اندیشه جدید در بحث مدیریت، مانند به وجود آوردن یک

محصول جدید؛

خلاقیت عبارت است از طی کردن راهی تازه یا پیمودن یک راه طی شده قبلی به شکلی نوین.

### **الف) خلاقیت از دیدگاه روان‌شناسی**

الف) خلاقیت از دیدگاه روان‌شناسی

خلاقیت یکی از جنبه‌های اصلی اندیشیدن است. تفکر، عبارت است از فرآیند بازآرایی یا دگرگونی اطلاعات و نمادهای موجود در حافظه درازمدت.

بر اساس این تعریف، خلاقیت با قوه تخیل یا توانایی تصویرسازی ذهنی ارتباطی مستقیم دارد. این توانایی عبارت است از فرآیند تشکیل تصویرهایی از پدیده‌های ادراک شده در ذهن. بر این اساس، خلاقیت عبارت است از:

ص: ۱۳



- فرآیند یافتن راه های جدید برای انجام دادن بهتر کارها؛

- توانایی ارائه راه حل جدید برای حل مسائل؛

- ارائه فکرها و طرح های نوین برای تولیدات و خدمات جدید و ادامه دادن آن حتی پس از نبود آن پدیده ها.

## **(ب) خلاقیت از دیدگاه سازمانی**

(ب) خلاقیت از دیدگاه سازمانی

خلاقیت یعنی ارائه فکر و طرح نوین برای بهبود و افزایش کمیت یا کیفیت فعالیت های سازمان؛ برای مثال افزایش بهره وری، افزایش تولیدات یا خدمات، کاهش هزینه ها، ارائه تولیدات یا خدمات از روش بهتر، رسیدن به تولیدات یا خدمات جدید و...

روبرت جی استرنبرگ و لیندا ای اوهارا در بررسی های خود، شش عامل را در خلاقیت افراد مؤثر دانسته اند:

الف) دانش: داشتن دانش پایه ای در زمینه ای محدود و کسب تجربه و تخصص در سالیان بسیار؛

ب) توانایی عقلانی: توانایی ارائه ایده خلاق از راه تعریف مجدد و برقراری ارتباطات جدید در مسائل؛

ج) سبک فکری: افراد خلاق معمولاً در برابر روش ارائه شده از سوی سازمان و مدیریت ارشد، سبک فکری ابداعی را برمی گزینند؛

د) انگیزش: افراد خلاق برای به فعل درآوردن ایده های خود برانگیخته می شوند؛

ه-) شخصیت: افراد خلاق ویژگی های شخصیتی ای مانند؛ پی گیر بودن، مقاوم بودن در برابر فشارهای بیرونی و داخلی و نیز مقاوم بودن در برابر وسوسه هم رنگ جماعت شدن دارند؛

و) محیط: افراد خلاق در داخل محیط های حمایتی بیشتر امکان ظهور می یابند.

این محققان مشخص کردند که عمده ترین دلیل کارآیی نداشتن برنامه های آموزش خلاقیت، تأکید صرف این برنامه ها بر اندیشه خلاق به عنوان

یکی از شش منبع مؤثر در خلاقیت است. جایی که دیگر عوامل نیز نقشی بسزا در موفقیت و شکست برنامه های آموزش خلاقیت ایفا می کنند.

جورج اف نلر در کتاب هنر و علم خلاقیت برای خلاقیت، مراحل چهارگانه آمادگی، نهفتگی، اشراق و اثبات را ذکر کرده است. از این دید، افراد خلاق نخست با مسئله یا یک فرصت آشنا شده و سپس از راه جمع آوری اطلاعات با مسئله یا فرصت موردنظر درگیر می شوند. در مرحله بعد، افراد خلاق روی مسئله تمرکز می کنند.

در این مرحله، فعالیت سودمندی صورت نمی گیرد و فرد در نظم دادن به اندیشه ها، تجربه ها و زمینه های پیشین خود با هدف رسیدن به یک ایده نو می کوشد. درگیری ذهنی عمیق فرد، خودآگاه و ناخودآگاه، فراهم کردن فرصت برای اندیشیدن بر هر مسئله به خلق و ظهور ایده ای نو می انجامد. در نهایت، فرد خلاق درصدد برمی آید صلاحیت و پتانسیل ایده خویش را به اثبات برساند.

## ۲. تعریف نوآوری

۲. تعریف نوآوری

نوآوری یعنی خلاقیت آشکار شده و به مرحله عمل رسیده. به عبارت دیگر، نوآوری یعنی اندیشه خلاق تحقق یافته؛ ارائه محصول، فرآیند و خدمات جدید به بازار؛ به کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید.

## ۳. ارتباط خلاقیت و نوآوری

۳. ارتباط خلاقیت و نوآوری

خلاقیت، بیشتر یک فعالیت فکری و ذهنی است و نوآوری، بیشتر جنبه عملی دارد. در حقیقت، محصول نهایی عمل و اندیشه خلاق تحقق یافته نوآوری است. نوآوری، مهارتی است که با بسیاری همکاری های دیگر همراه است. نوآوری، به دگرگونی های عمده در زمینه پیشرفت های فنی یا ارائه تازه ترین مفاهیم مدیریت یا شیوه های تولید گفته می شود. نوآوری،

پدیده ای چشم گیر و جنجالی است. نوآوری، پدیده ای نادر است که تنها عده ای خاص به آن می رسند. به عبارتی نوآوری، خلق چیز جدیدی است که هدفی معین را دنبال و به اجرا می رساند. بنابراین، به طور کلی نوآوری به هر گونه ایده جدید برای یک سازمان یا یک صنعت یا یک ملت یا در جهان گفته می شود. اگرچه واژه خلاقیت با نوآوری مترادف به کار می رود، به عقیده بیشتر پژوهش گران، دو اصطلاح نوآوری و خلاقیت مفهومی جداگانه دارند؛ خلاقیت، به آوردن چیز نو به مرحله وجود اشاره دارد، در حالی که نوآوری، برآوردن چیزی نو به مرحله استفاده دلالت دارد.

میان نوآوری و تغییر نیز، تفاوت هایی وجود دارد. برای مثال تغییر می تواند به بهبود رضایت شغلی یک فرد اطلاق شود، در حالی که نوآوری نتیجه و اثری بیش از یک فرد را در بر می گیرد و تأثیر آن، ورای دپارتمان ایجاد کننده آن است. در تحقیق دیگری تغییر، ایجاد هر چیزی است که با گذشته تفاوت داشته باشد. اما نوآوری ایجاد ایده هایی است که برای سازمان جدید است. از این رو، تمام نوآوری ها می توانند منعکس کننده یک تغییر باشند، در حالی که تمام تغییرها، نوآوری نیستند. تغییر نتیجه ای از فرآیند خلاقیت و نوآوری است.

تغییر سازمانی، به عنوان اتخاذ یک فکر یا رفتار جدید به وسیله سازمان مشخص می شود، ولی نوآوری سازمان، اتخاذ یک ایده یا رفتار است که برای نوع وضعیت، سازمان، بازار و محیط کلی سازمان جدید است. اولین سازمانی که این ایده را معرفی می کند، به عنوان نوآور در نظر گرفته می شود و سازمانی که کپی می کند، یک تغییر را اتخاذ کرده است. بر اساس این تعریف ها، خلاقیت لازمه نوآوری است. اگرچه در عمل نمی توان این دو را از هم متمایز ساخت. می توان تصور کرد که خلاقیت بستر رشد و پیدایی نوآوری هاست. خلاقیت، پیدایی و تولید یک اندیشه و فکر نو است، در حالی که نوآوری، عملی ساختن آن اندیشه و فکر است. از خلاقیت تا نوآوری راهی طولانی در

پیش است و تا اندیش-ه ای نو به صورت محصولی یا خدمتی جدید درآید، زمانی طولانی می گذرد و تلاش ها و کوشش های بسیار به عمل می آید. گاهی ایده و اندیشه ای نو از ذهن فرد می تراود و در سال های بعد آن اندیشه نو به وسیله فرد دیگری به صورت نوآوری، در محصول یا خدمت شکوفا می شود. خلاقیت، به قدرت ایجاد اندیشه های نو اشاره دارد و نوآوری، به معنای کاربردی ساختن آن افکار نو و تازه است.

#### ۴. متغیرهای اثرگذار در ایجاد نوآوری

##### اشاره

۴. متغیرهای اثرگذار در ایجاد نوآوری

متغیرهای «ساختار سازمانی»، «فرهنگ» و «توانایی منابع انسانی» در ایجاد نوآوری مهم ترین عوامل اثرگذار هستند.

##### الف) ساختار سازمانی

الف) ساختار سازمانی

بر اساس پژوهش های گسترده، با توجه به متغیرهای ساختاری می توانیم سه گزاره را بیان کنیم. نخست اینکه ساختارهای مکانیکی، اثری مثبت بر نوآوری دارند؛ زیرا تخصص کاری آنها پایین تر است و قوانین کمتری دارند. همچنین انعطاف پذیری، قدرت سازگاری و بارور کردن را که پذیرش نوآوری ها را آسان تر می کند، بالا می برد. دوم اینکه دست رسی آسان به منابع فراوان، عامل کلیدی نوآوری است. فراوانی منابع، به مدیران این توانایی را می دهد که بتوانند برای نوآوری هزینه کنند و شکست ها را بپذیرند. در نهایت، ارتباط میان واحدها با سرعت بخشیدن در کنش متقابل خطوط سازمانی، به شکستن سدهای احتمالی در برابر نوآوری مدد می رساند. البته هیچ یک از این سه متغیر نمی تواند وجود داشته باشد، مگر اینکه مدیران ارشد به این سه عامل متعهد باشند.

##### ب) فرهنگ سازمانی

ب) فرهنگ سازمانی

سازمان های نوآور، فرهنگی مشابه دارند. آنها تجربه کردن را تشویق می کنند، به موفقیت ها و به شکست ها پاداش می دهند و از اشتباه ها تجربه کسب می کنند. یک فرهنگ نوآور، هفت ویژگی دارد:

پذیرش ابهام؛ شکیبایی در امور غیر عملی؛ کنترل های بیرونی کم؛ بردباری در سختی ها؛ شکیبایی در برخوردها؛ تأکید بر نتایج تا بر وسایل و تأکید بر نظام باز.

سازمان، از نزدیک محیط را کنترل می کند و فوری به دگرگونی ها آن گونه که اتفاق می افتند، پاسخ می دهد.

### ج) متغیرهای منابع انسانی

ج) متغیرهای منابع انسانی

در مقوله منابع انسانی درمی یابیم که سازمان های نوآور، فعالانه به امر آموزش و توسعه دانش اعضای خود به گونه ای روزآمد می پردازند. برای کارکنان خود امنیت شغلی در سطح عالی فراهم می آورند تا ترس از اخراج به خاطر اشتباه را کاهش دهند و به افراد جرئت می دهند که تغییرپذیر باشند. زمانی که اندیشه ای جدید تکامل می یابد، پیشتازان تغییر، فعالانه و با شور و شوق، اندیشه مطرح شده را پرورش می دهند و از آن حمایت می کنند. در نتیجه، بر مشکلات چیره می شوند و اطمینان می دهند که نوآوری به مرحله اجرا در خواهد آمد.

### ۵. فرصت های خلاقیت

۵. فرصت های خلاقیت

فرصت های خلاقیت در چهار گروه اعم از یک گروه فرصت داخلی و سه گروه فرصت های خارجی دسته بندی شده اند. گروه فرصت داخلی عبارت است از ۱. وقایع غیرمنتظره: مانند شکست ها یا موفقیت های پیش بینی نشده، ناسازگاری ها و نیازهای فرآیندی و دگرگونی های لازم در صنایع و بازارها و سه فرصت خارجی در محیط علمی و اجتماعی سازمان نیز عبارتند از: ۲. تغییرات جمعیتی، ۳. تغییر نگرش و ۴. دانش جدید.

### ۶. اهمیت خلاقیت و نوآوری

۶. اهمیت خلاقیت و نوآوری

بر اثر خلاقیت و نوآوری امور زیر تحقق می یابند:

رشد و شکوفایی استعدادها و هدایت به سوی خودشکوفایی؛ موفقیت های فردی، شغلی و اجتماعی؛ پیدایش سازمان؛ تولیدات و

خدمات؛ افزایش کمیت، گونه‌گونی تولیدات و خدمات؛ افزایش کیفیت تولیدات و خدمات و موفقیت در رقابت؛ کاهش هزینه‌ها، تباهی‌ها در منابع؛ افزایش انگیزش کاری کارکنان سازمان؛ افزایش سطح بهداشت روانی و رضایت شغلی کارکنان سازمان؛ افزایش بهره‌وری سازمان؛ موفقیت مجموعه مدیریت و کارکنان سازمان؛ رشد و بالندگی سازمان؛ تحریک و تشویق حس رقابت؛ کاهش بوروکراسی اداری «کاهش پشت میزنشینی و مشوق عمل‌گرایی»؛ تحریک و فراهم کردن عوامل تولید.

## ۷. امکان تقویت خلاقیت

### ۷. امکان تقویت خلاقیت

در گذشته، همه بر این باور بودند که خلاقیت را نمی‌توان تقویت کرد. چنین دیدگاهی نه تنها میان مردم، بلکه میان دانشمندان هم وجود داشت. با وجود آنکه در بیست سال اخیر، این دیدگاه هم کاملاً تغییر یافته، ولی هنوز ابهام و تردید زیادی در باب این مسئله وجود دارد.

افرادی که تفکری به طور ذاتی رادیکال دارند، تقویت و پرورش خلاقیت را هم ممکن نمی‌دانند. اما بر اساس دیدگاه‌های رئالیستی، پتانسیل‌های خلاقیت در افراد مختلف را می‌توان شناسایی و تا حد اکثر ممکن تقویت کرد. بنابراین در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان خلاقیت را تقویت کرد؟ باید بگوییم بله، این کار ممکن است. البته پرورش خلاقیت را نمی‌توان از ویژگی‌های ذاتی خلاقیت افراد آغاز کرد، بلکه باید به تقویت پتانسیل‌های خلاقانه آنها روی آوریم.

بسیاری از کارشناسان معتقدند عوامل ایجاد خلاقیت، شامل تنها یک درصد الهام و ۹۹ درصد انگیزه است و در این باره، اگر زمینه‌های بروز و نمود توانایی‌های افراد فراهم شود، انگیزه‌های آنها هم فرصت و میدان لازم برای شکل‌گیری را پیدا خواهند کرد.

اولین عاملی که در این میان مورد توجه کارشناسان بررسی خلاقیت قرار می گیرد، «شناخت» است. اگر شناخت را از راه مدل های پردازش اطلاعات و حل مسئله در ذهن افراد بررسی کنیم، به عملیات انتقال اطلاعات، ذخیره اطلاعات و اجزای پنهان دیگر هم توجه خواهیم کرد.

اتخاذ استراتژی های مناسب برای تشویق ایده های اصیل و جدید و تشویق دیگران به استفاده از راه های اکتشافی برای رسیدن به شناخت (مثل مقایسه، تطبیق و ترکیب اجزای مختلف) هم می تواند به عنوان راه مؤثری در این زمینه مطرح شود.

دومین عامل را می توان «عاطفه و احساسات افراد» دانست. این امر اهمیت زیادی دارد؛ زیرا معمولاً کار خلاقانه برای خود شخص هم معنی خاصی دارد. تکنیکی که برای آگاه ساختن فرد خلاق از اهمیت کارش به کار می رود، این است که راه استفاده کاربردی و عملی از کار خلاقانه او فراهم شود و مزایای این کار در جامعه و نیز برای شخص، تأکید شود. در چنین شرایطی، احساسات فرد برای پی گیری ایده خلاقانه هم بیشتر می شود.

عامل سوم به دیدگاه فرد خلاق در مورد خلاقیت برمی گردد. اگر او به توانایی خود در شکل دادن به ایده هایش ایمان داشته باشد، بنیان روان شناسانه انگیزه های او به شدت تقویت می شود. پرهیز از اظهارنظرهای دل سردکننده و نیز تلاش برای ارائه بازخوردهای مثبت به ایده های خلاقانه، در این باره اهمیت زیادی می یابد و باور فرد خلاق به خودش را افزایش می دهد.

توانایی فرد خلاق برای به کرسی نشاندن ایده های خود در جامعه و نیز توانایی او برای همکاری با دیگران در این عرصه، عامل چهارم است که در این باره باید بدان توجه شود. همکاری با دیگران و استفاده از ایده های احتمالی آنها هم می تواند به تقویت خلاقیت کمک کند. ارائه آزادی عمل به

اعضای گروه موجب می شود، آنها از لحاظ اجتماعی احساس راحتی کنند و راه برای همکاری مؤثر آنها با فرد خلاق هموار شود.

عامل پنجم که از مهم ترین عوامل نیز هست، «شرایط محیطی و اجتماعی» است که فرد خلاق در آن زندگی می کند. تحمل، مدارا و فراهم آوردن امکانات لازم برای فرد خلاق، عاملی است که هرگز نمی توان آن را نادیده انگاشت. محیط مناسب، خود، به شکل گیری ایده های جدید و پرورش پتانسیل های خلاقانه کمک می کند و انگیزه های فرد خلاق را به شدت تقویت می کند. اگر صبور باشید و ضمن توجه به این عوامل، به توانایی فرد خلاق ایمان داشته باشید، کمک شایانی به پرورش ایده های جدید خواهید کرد.

## ۸. اصول خلاقیت

### اشاره

#### ۸. اصول خلاقیت

##### زیر فصل ها

اصل اول: ایده های جدید از عناصر قدیمی ساخته می شوند

اصل دوم: همه ایده های جدید هم سنگ نیستند

اصل سوم: خلاقیت با توانایی ارتباط برقرار کردن میان امور مختلف تقویت می شود

#### اصل اول: ایده های جدید از عناصر قدیمی ساخته می شوند

اصل اول: ایده های جدید از عناصر قدیمی ساخته می شوند

یک ایده جدید می تواند به نظریه جدید، یک محصول جدید، یک راه حل جدید برای یک مسئله یا یک مفهوم جدید برای یک اثر هنری باشد. ارائه یک چیز جدید، یعنی خلق یک چیز متمایز و خاص. نکته کاربردی اینجا این است که برای خلاق بودن باید آمادگی انحراف از سنت ها و روزمره گی ها را داشته باشیم. بسیاری از افراد به پیروی از راه کارها عادت کرده اند و از کشف و چالش با هر چیز جدیدی می ترسند. کشف چیزهای جدید، جسارت و روحیه ای جست و جوگر و کنجکاو می طلبد.

اما این ایده های جدید از کجا می آیند؟ جواب این است: ایده های جدید، در واقع همان ایده های قدیمی هستند که ترکیب و ترتیبی جدید یافته اند.

چگونه ما از ایده های قدیمی ایده های جدید می سازیم؟ واقعیت این است که ایده ها از عناصری تشکیل شده اند و ما دنبال



ترکیب های جدیدی می گردیم که با پیوند دادن ایده های مختلف به هم، حذف بعضی عناصر و

ص: ۲۱

جای گزین کردن آنها با عناصری دیگر به دست می آیند. برای مثال ایده تلفن همراه را در نظر بگیرید؛ این ایده از ترکیب ایده انتقال بی سیم اطلاعات و ایده تلفن حاصل شده است.

اصل اول، مفهوم تلویحی دیگری هم دارد و آن اینکه عناصر خلاقه به ذخیره اطلاعاتی ای بستگی دارد که برای «بازآرایی» در اختیار داریم. هرچه دامنه اطلاعاتی شما محدودتر باشد، منابع کمتری برای خلق ایده های جدید (عناصر کمتری برای ترکیب کردن) خواهید داشت. به همین دلیل است که کنجکاوی روشنگرانه و کسب دانش، به تقویت نیروی خلاقه کمک می کند. نیز از همین روست که برای حل مسائل مختلف، مشورت کردن با افراد مختلف با تخصص های متفاوت، مفید واقع می شود.

### **اصل دوم: همه ایده های جدید هم سنگ نیستند**

اصل دوم: همه ایده های جدید هم سنگ نیستند

خلاقیت، تنها خلق ایده های جدید نیست؛ خلاقیت ارزشمند، خلق ایده های جدید و مفید است.

خلاقیت را می توان به دو نوع کاربردی و هنری تقسیم کرد. خلاقیت هنری شامل خلاقیت در آثار هنری و بیان احساس هنرمند در قالب های مختلف هنری است. گرچه تفکر قضاوت کننده، با خلاقیت هنری متضاد نیست، اما تقویت تفکر قضاوت کننده، به طور قطع به تقویت تفکر خلاق هنری نمی انجامد. در حالی که تفکر قضاوت کننده، در فرآیند خلاقیت کاربردی ضروری است.

خلاقیت کاربردی، مانند طراحی یک محصول یا ارائه یک نظریه علمی، دو مرحله دارد. نخست ایده سازی، دوم ایده سنجی. تفکر قضاوت کننده در اینجا به ما کمک می کند، بسنجیم که هر یک از این ایده های جدید تا چه حد عملی و سودمند هستند.

بعضی معتقدند که میدان دادن به تفکر قضاوت کننده به تفکر خلاق آسیب می زند و آن را محدود می کند. در این مورد باید گفت که لازم نیست همیشه قضاوت کننده باشیم. در واقع باید دو مرحله ای عمل کنیم. نخست میدان را به تفکر خلاقه بدهیم و بدون ارزش یابی و محدودیت به طرح ایده های جدید پردازیم. سپس در مرحله دوم با در نظر گرفتن امکانات و محدودیت ها به ارزش یابی ایده ها پردازیم.

### **اصل سوم: خلاقیت با توانایی ارتباط برقرار کردن میان امور مختلف تقویت می شود**

اصل سوم: خلاقیت با توانایی ارتباط برقرار کردن میان امور مختلف تقویت می شود

ذخیره اطلاعاتی ما منبع عناصر سازنده ایده های جدید ما را تشکیل می دهد. با این حال نباید فراموش کرد که گاهی ایده های سودمند، از منابع غیرمنتظره می آیند. بنابراین، اگر می خواهیم خلاق باشیم، باید خود را برای کشف روابط میان امور مختلف و حتی شاید به ظاهر بی ربط آماده کنیم. این در درجه اول، یعنی اینکه باید دامنه اطلاعاتی خود را گسترش دهیم. افراد خلاق عموماً افرادی هستند که زیاد می خوانند، بسیار کنجکاوند و معمولاً به اکتشاف در موضوع هایی مصمم هستند که ممکن است بلافاصله نتیجه ندهند. در درجه دوم باید مطمئن شویم روند مطالعه ما به درک عمیق از ارتباط میان مفاهیم کلیدی می انجامد. مطالعه، تنها به معنی از برکردن قطعه هایی از اطلاعات بی ربط نیست. ما باید اطلاعاتی که داریم، از جنبه های مختلف و به گونه ای سازمان مند بررسی کنیم تا به شناخت عمیق تری از آنها دست پیدا کنیم.

## فصل دوم: خلاقیت در کودکان و نوجوانان

### اشاره

فصل دوم: خلاقیت در کودکان و نوجوانان

زیر فصل ها

۱. عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت

۲. اصول کلی پرورش خلاقیت

۳. دیگر روش های پرورش خلاقیت

۴. نقش معلم در پرورش خلاقیت

۵. عوامل باز دارنده خلاقیت

### ۱. عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت

۱. عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت

محیط مساعد برای ایجاد رفتارهای خلاق را می توان از راه های متفاوت به وجود آورد و باید آن را بر اساس اصولی که به رفتار خلاق منجر می شود و تحقیقات مختلف آن را تأیید کرده است، بنا کرد. محیط یا جوی که به تحقق چنین هدفی می انجامد، باید شامل سه عامل اصلی باشد که عبارتند از:

۱. عامل فیزیکی؛

۲. عامل عقلانی؛

۳. عامل عاطفی؛

برای رسیدن به این هدف، به موارد زیر باید توجه داشت:

(الف) تشویق کودک به داشتن نظریه های نو؛

(ب) تشویق حس کنجکاوی کودکان؛

(ج) توجه به خود شکوفایی؛

د) ایجاد اعتماد به نفس در کودک؛

ه-) آزادی روانی؛

و) عدم ارزش یابی فرد با معیارهای خارجی؛

ز) پذیرش بدون قید و شرط کودک.

ص: ۲۴

موانع رشد خلاقیت می تواند شامل موارد زیر باشد: عدم اعتماد به نفس؛ محافظه کاری؛ متعهد نبودن؛ وابستگی و جمود فکری؛ تمایل به هم زندگی و هم گونی؛ توانایی نداشتن در تحمل ابهام و تضاد؛ نداشتن پیچیدگی ذهنی لازم برای بررسی مسائل؛ استفاده نکردن از دو نیمه کره مغز؛ نداشتن تمرکز ذهنی؛ مقاوم نبودن؛ کم رویی و نداشتن انعطاف پذیری؛ اضطراب؛ تحقیر و خفقان که در ذیل به سه مورد زیر پرداخته شده است.

الف) اضطراب: هیچ چیز مثل اضطراب خلاقیت کش نیست. اضطراب، روند فکری را مختل می کند؛ جریان فکر را به یک نقطه ثابت می دوزد و از حرکت باز می دارد، به گونه ای که جریان فکری تمرکز خود را از دست می دهد. در سنین کودکی، بچه ها اضطراب پذیرند. اضطراب به تدریج در کودکان شروع می شود و در دوره های بعدی و میان سالی، یکی از عوامل آزاردهنده انسان به حساب می آید.

ب) تحقیر: مربیان و والدین این نکته را مد نظر داشته باشند که اگر کودک تحقیر شود، نمی تواند از خود خلاقیت نشان دهد. تحقیر کردن یعنی جلوی پرواز را گرفتن. تحقیر سبب می شود که جرئت و جسارت از کودک گرفته شود. تحقیر کردن، به معنای کشتن شخصیت کودک است و در مجموع، تحقیر یکی از عوامل بازدارنده خلاقیت کودکان به شمار می آید.

ج) خفقان: ترس و خفقان، عاملی برای جلوگیری از تفکر و محرومیت کودک از تخیل و محرومیت او از خلاقیت است. مربیان و والدین باید در موقعیت هایی که به دست می آورند، کودک را به دور از محیط خفقان آور، مورد آموزش و تربیت قرار دهند؛ زیرا این امر فراهم آوردن زمینه های بروز خلاقیت در کودک است.

### اشاره

#### ۲. اصول کلی پرورش خلاقیت

همه روان شناسان پرورشی و متخصصان آموزشی معتقدند که توانایی های آفریننده و شیوه های فکری واگرا را می توان به افراد، به ویژه به کودکان و نوجوانان، آموزش داد. ما اینجا به طور خلاصه به چند اصل کلی برای پرورش خلاقیت اشاره می کنیم.

#### الف) محدود نکردن تجارب کودکان به موقعیت های خاص

الف) محدود نکردن تجارب کودکان به موقعیت های خاص

سؤالاتی بپرسید که با چرا و چگونه آغاز می شوند، نه کجا و چه کسی و چه وقت. سؤال هایی طرح کنید که جواب های متعدد داشته باشند. سؤال هایی که تنها یک جواب دارند، به تفکر هم گرا منجر می شوند. سؤال هایی که جواب های متعددی را در یادگیرنده بر می انگیزانند، شوق تفکر واگرا و آفرینندگی است.

#### ب) ارزش قائل شدن برای طرح سؤال ها و اندیشه های غیرمعمول

ب) ارزش قائل شدن برای طرح سؤال ها و اندیشه های غیرمعمول

از سؤال های غیرمعمول که از دانش آموزان طرح می کنند و شما از عهده جواب آنها بر نمی آید، نهراسید. به آنها کمک کنید و با همکاری یکدیگر به جست و جو برای یافتن جواب این سؤال ها بپردازید.

#### ج) قرار دادن فرصت هایی برای خود آموزی و یادگیری اکتشافی

#### د) احترام به تفاوت های فردی یادگیرندگان

گورتزل پس از بررسی شرایط پرورشی ۴۰۰ نفر از افراد برجسته قرن بیستم، تأثیر شرایط پرورشی آموزشگاه ها و روش آموزشی معلمان را بر رشد توانایی های خلاق در کودکان به گونه زیر بیان داشته است. «معلمانی که بیش از معلمان دیگر مورد احترام و علاقه افراد نخبه مورد مطالعه ما قرار داشتند، معلمانی بودند که به این افراد امکان می دادند تا متناسب با توانایی هایشان پیش بروند. فرصت فعالیت کردن در موضوع های

دل خواهشان را به آنها می دادند و آنها را به تفکر و کتاب های مهیج به آنها معرفی می کردند».

### **ه) سرمشق قراردادن رفتارهای آفریننده برای کودکان**

یلون و نیستاین در این مورد گفته اند: «دانش آموزان کلاس پنجم ابتدایی پس از مشاهده رفتارهای خلاق نشان داده شده در یک فیلم یا از سوی معلم، رفتارهای خلاق از خود نشان داده اند».

### **و) استفاده از روش ها و فنون ویژه بالا بردن سطح آفرینندگی**

معروف ترین این روش ها روش بارش مغزی است. در این روش معلم مسئله ای را به دانش آموزان می دهد و از آنها می خواهد تا هر چه راه حل برای مسئله به ذهنشان می رسد، بگویند. معلم دانش آموزان را برای دادن راه حل ها و اظهارنظرهای مختلف تقویت می کند، ولی پیش از ارائه تمامی راه حل ها از سوی دانش آموزان، درباره آنها هیچ گونه اظهار نظری نمی کند.

روش آموزش دیگری که به بالا- بردن سطح فعالیت های خلاق یادگیرندگان منجر می شود، آموزش مهارت های پژوهشی است. آموزش مهارت های پژوهشی به طرح و آزمودن فرضیه از سوی یادگیرندگان کمک می کند. روش های درست طرح فرضیه و آزمون فرضیه به وسیله کودکان به ایجاد طرز تفکر آفریننده در آنها منجر می شود.

افزون بر روش های فوق، روش مطالعه آفریننده نیز روش مؤثری در آموزش خلاقیت است. تورنس و هارمون نشان داده اند که می توان به کودکان آموزش داد تا مطالب را به طور آفریننده بخوانند. آنها در این باره راهنمایی های زیر را در اختیار دانش آموزان قرار داده اند:

وقتی که به خواندن مطالب یک کتاب می پردازید، به مورد استفاده های مختلف اطلاعاتی که در آن کتاب به آنها برمی خورید، بیندیشید. خیلی اهمیت دارد به راه هایی که می توانید اطلاعات خوانده شده را در زندگی شخصی و حرفه ای خود به کار بیندید، فکر کنید.



تنها به این سؤال اکتفا نکنید که مؤلف چه می گوید؛ از خود بپرسید که چگونه می توانم آنچه را نویسنده نوشته است، مورد استفاده قرار دهم. تنها به یک مورد اکتفا نکنید، تا آن جا که می توانید موارد استفاده بیشتری را بیابید و بعضی از آنها را برای مصارف آینده خود یادداشت کنید. ممکن است مدتی وقت لازم باشد تا این نوع مطالعه کردن را بیاموزید. با این حال، مایوس نشوید. بعد از دو سه روز خواهید دید که می توانید این روش مطالعه را به راحتی به کار ببندید.

### ۳. دیگر روش های پرورش خلاقیت

#### اشاره

۳. دیگر روش های پرورش خلاقیت

زیر فصل ها

الف) تجربه

ب) بازی های فکری

ج) صنایع دستی

د) هنرهای زیبا

ه) مطالعه

و) نویسندگی

ز) حل خلاق مسائل روزمره

#### الف) تجربه

الف) تجربه

تجربه هایی که هر شخص از سر می گذرانند، مواد و مصالح ایده پردازی را تشکیل می دهند. سفر کردن و تماس های شخصی با افراد مختلف به خصوص کودکان، در این مورد بسیار مفید است.

#### ب) بازی های فکری

ب) بازی های فکری

حل معما، جدول و بازی های مختلف فکری، ذهن ما را در جهت تفکر خلاق تمرین می دهد. در جریان بازی های فکری هرچه از دستورات عمل ها و عادت ها پرهیز کنیم و برای رسیدن به هدف از روش های جدید و جسورانه استفاده کنیم، هم لذت بازی و هم کارآمدی آنها بیشتر می شود.

### **(ج) صنایع دستی**

(ج) صنایع دستی

کارهای دستی مثل: سبدسازی، تکه دوزی، تکه چسبانی، منبت کاری و مدل سازی، تمرین های مفیدی جهت تقویت نیروی خلاقه هستند، چنانچه طراحی کاردستی را نیز خودمان انجام دهیم سودمندتر خواهد بود.

### **(د) هنرهای زیبا**

(د) هنرهای زیبا

خلق اثری هنری، عین خلاقیت است: نقاشی کردن، آهنگ سازی، مجسمه سازی و نمایش، به صورت حرفه ای هم که نباشد برای تقویت نیروی خلاقه بسیار مفید است.

ص: ۲۸

مطالعه قدرت تصور را تغذیه می کند. برای آنکه از مطالعه حداکثر استفاده را ببریم، ضمن انتخاب مطلب مناسب باید بکوشیم با آن به صورت فعالانه برخورد کنیم و نه فقط به عنوان تماشاچی. داستان هایی که مقداری از مطالب را به تصور خواننده واگذار می کنند، برای چنین منظوری بسیار مناسب اند. همچنین خواندن بیوگرافی ها می تواند بسیار پربار باشد. مطالعه باید با تعمق همراه باشد. در این صورت، ایده ها - بیشتر به وسیله عبارت هایی که کاملاً با فکر خلاق حاصله نامربوط است - به خاطرمان سرازیر می شوند. نیز یادداشت برداری در ضمن مطالعه، به فرآیند ایده جویی کمک می کند.

### و) نویسندگی

و) نویسندگی

بر اساس آزمایش های علمی «روان بودن در نویسندگی»، شاخصی اساسی در سنجش استعداد خلاقیت ارزیابی شده است. یک تمرین ساده و مؤثر در این زمینه این است که تصاویری را از روزنامه ها و مجله ها دریاورید و سعی کنید بر اساس آنها متن خودتان را بنویسید. حتی زیرنویس نوشتن برای عکس های آلبوم های اینترنتی تان را می توانید به یک تمرین خلاقه تبدیل کنید.

از نتایج مثبت وبلاگ نویسی هم یکی همین تمرین خلاقیت از طریق نویسندگی است.

### ز) حل خلاق مسائل روزمره

ز) حل خلاق مسائل روزمره

بکوشید مسائلی را که در طول روز با آنها روبه رو می شوید، از طریق روش های خلاقه حل کنید. حتی با امور عادی و پیش پاافتاده ای مثل تمیز کردن اتاق و چیدن وسایل هم می توانید برخوردی خلاقانه داشته باشید.

#### ۴. نقش معلم در پرورش خلاقیت

بررسی و مطالعه زندگی انسان های خلاق، حاکی از آن است که هنگامی خلاقیت به شکوفایی می رسد که شخص بتواند بین آنچه در درون دارد و آنچه از محیط می آموزد، ارتباط برقرار کند. بدین معنا که طبیعت یا فطرت، با تربیت هماهنگ باشد. بنابراین، برای رشد و گسترش خلاقیت، باید مریبان تربیتی به نکته های زیر توجه کافی داشته باشند؛ سوالات بحث انگیز مطرح کنند؛ از وسایل کمک آموزشی بهره بگیرند؛ ارتباط مسائل درسی را با واقعیت های زندگی بیان کنند؛ از محرکات مختلف مثل تصاویر و نمودار استفاده کنند؛ به تخیلات دانش آموزان اهمیت دهند؛ اعتماد به نفس دانش آموزان را تقویت کنند؛ در دانش آموزان احساس آرامش ایجاد کنند، مطالب درسی را با مطلب قبلی و تجربه های دانش آموزان تنظیم کنند؛ به فعال بودن دانش آموزان در جریان درس توجه کنند؛ فرصت فکر کردن به دانش آموزان بدهند؛ تحقیق و جست و جو را تقویت کنند؛ به درک و فهمیدن بیش از حفظ کردن اهمیت دهند؛ به افکار و عقاید دانش آموزان احترام بگذارند؛ از پاسخ های عجیب و بی ربط دانش آموزان ناراحت نشوند و از استقبال کنند؛ به کیفیت یادگیری اهمیت بدهند؛ روش بحث و گفت و گو را انتخاب کنند؛ برخی مواقع از خود دانش آموزان بخواهند مسائلی را مطرح کنند؛ به راه ها و جواب های مختلف توجه کنند، نه اینکه فقط یک راه حل مشخص و معین را مدنظر داشته باشند و قدرت تجزیه و تحلیل و انتقادی بودن را در دانش آموزان رشد دهند.

روش تدریس معلم از نکته های مهم در امر پرورش خلاقیت است. بنابراین، روش تدریس او باید اکتشافی و فعال باشد، یعنی روش هایی را

به کار بندد که دانش آموزان را به فعالیت وادارد، جلسه های بحث و گفت و گو تشکیل دهد و آن را با مسائل روبه رو سازد. معلم باید دانش آموزان را به خطرپذیری معقول تشویق کند. منظور از خطرپذیری، به مخاطره انداختن زندگی نیست. دانشمندی همچون شکسپیر (نمایش نامه نویس) داستایوسکی (داستان نویس) و پیکاسو (نقاش) با خطرپذیری، به چنین موفقیت هایی دست یافتند. بنابراین شکیبایی و صبر در برابر شکست را باید به دانش آموزان آموخت.

دانشمندان، دنیا را فقط سیاه و سفید نمی بینند و فعالیت هایشان را به صورت «قانون همه یا هیچ» تنظیم نمی کنند. آنها بارها عقیده و سبک خود را تغییر می دهند و بارها آثارشان را بازبینی می کنند تا نتیجه مطلوبی بگیرند و هیچ گاه آن را تکمیل شده نمی پندارند.

به دانش آموزان باید فرصت آزمایش و خطا داد و نباید به خاطر اشتباه در شیوه تفکر، آنها را تنبیه و جریمه کرد. برخی مواقع پاسخ دانش آموزان فقط به خاطر آنکه مورد انتظار معلم نیست و با اندیشه او هم خوانی ندارد، اشتباه تلقی می شود. در صورتی که خطا، زمینه ساز چالش فکری و ابزاری برای تکوین اندیشه است. از این رو، به دانش آموزان باید اجازه داد از خطا کردن نهراسند؛ زیرا همه افراد خطا می کنند و بهتر است آنها شهامت، شجاعت، تهور و جوشش فکری برای ابداع و خلاقیت داشته باشند و هنگام اشتباه به جای تنبیه و سرزنش، هدایت و ارشاد شوند.

## ۵. عوامل باز دارنده خلاقیت

### ۵. عوامل باز دارنده خلاقیت

۱. تلاش های قبل از بلوغ برای حذف خیال بافی؛

۲. محدودیت های بازدارنده قوه تدبیر و کنجکاوی کودکان؛

۳. تأکید زیاد بر پیش گیری (نحوه پاسخ گویی کودکان به مسائلی که مستلزم چاره اندیشی فرد هنگام قرار گرفتن در وضعیتی بن بست است، نشان می دهد که تأکید بر پیش گیری قوه تصور، بسیاری از کودکان را از رشد بازداشته است؛

۴. القای ترس و کم رویی؛

۵. تأکید بر مهارت های کلامی.

خطری که استعداد خلاق فرد را تهدید می کند، قضاوت یا ارزیابی تجربه فرد نیست، بلکه پیش داوری است که به تبع آن، تجربه های بسیاری را در حوزه دریافت را نمی یابند. خطری که آموزش های معمول چه در خانه و چه در مراکز آموزشی در بردارند، این است که نظرات نو و احتمال وقوع اعمال جدید، خیلی زود و بیش از اندازه انتقاد می شوند.

ص: ۳۲

## فصل سوم: ویژگی ها، عوامل و موانع پرورش خلاقیت و نوآوری

### اشاره

فصل سوم: ویژگی ها، عوامل و موانع پرورش خلاقیت و نوآوری

زیر فصل ها

۱. ویژگی های خلاقیت

۲. ویژگی های افراد خلاق

۳. فرآیند خلاقیت و نوآوری

۴. شرایط ایجاد خلاقیت و نوآوری

۵. عوامل تشدیدکننده خلاقیت و نوآوری

۶. چگونگی بیدارسازی خلاقیت های خفته

۷. موانع خلاقیت

۸. روش هایی برای ایجاد خلاقیت و ایده های بزرگ در ذهن

۹. ویژگی های سازمان خلاق

۱۰. سازمان و تکنیک های توسعه خلاقیت گروهی

۱۱. نقش مدیر در پرورش خلاقیت

### ۱. ویژگی های خلاقیت

۱. ویژگی های خلاقیت

الف) خلاقیت می تواند خلق شکل ها یا صورت های جدیدی از ایده ها یا تولیدات پیشین باشد. در این صورت، به طور عمده، فکرها و ایده های گذشته اساس خلاقیت های تازه است.

ب) خلاقیت، امری است انحصاری و بیش تر حاصل تلاش فرد. بدین معنا، فرد ممکن است چیزی را خلق کند که قبلاً هیچ گونه سابقه ذهنی از آن نداشته است، اگر چه آن چیز را به صورت های مشابه یا کاملاً یکسان، شخص دیگری در موقعیت

خاصی کرده باشد.

ج) خلاقیت امری است توسعه پذیر و به عبارت دیگر، همه افراد توانایی خلاقیت را دارند.

د) خلاقیت از طریق آزمایش، تجربه و کنکاش رشد می کند.

ه-) خلاقیت از طریق حساسیت در درک مسائل، قابل توسعه است.

و) اندیشه تخیلی و اندیشه عمیق، موجب برانگیختگی قدرت خلاقیت می شود.

ز) خلاقیت با استقلال فکر و اعتماد به نفس همراه است. از این رو، برخورداری از اعتماد به نفس قوی برای رشد خلاقیت امری کاملاً ضروری است.

ص: ۳۳



ح) خلاقیت کنجکاوی و تمایل برای دانستن و تجربه امور تازه یا ناشناخته است، از این رو، به کنجکاوی افراد، به خصوص کودکان باید بها داد.

ط) اندیشه ها و پیشنهادهای خلاق کودکان و دانش آموزان باید تشویق شود و زمینه ظهور آن فراهم آید.

ی) برای ظهور خلاقیت، شرایط محیطی باید به گونه ای باشد که اشتباه کردن، تجربه کردن و ریسک کردن در آن مجاز باشد.

## ۲. ویژگی های افراد خلاق

### اشاره

#### ۲. ویژگی های افراد خلاق

پیش از ذکر ویژگی های افراد خلاق و نوآور باید گفت کسی که زندگی خلاق دارد، احساس توان مندی را در خود پرورش می دهد. با مهر و محبت، ناکامی ها را می پذیرد و نیروهایش را در راه تحقق اهدافی که دارد بسیج می کند. ایام گران بهای عمر را به بطالت تباه نمی کند. خوب می داند که بی کاری و وقت گذرانی و به فراغت پرداختن بیش از اندازه، اسباب آزردهی خاطر می شود. انسان خلاق، دل بسته مادیات نیست. اتومبیل های گران قیمت و لباس های فاخر و خانه های مجلل ممکن است خوب باشند، اما برای او اصل نیستند. انسان خلاق، سعادت را در لقب ها و زندگی در محله های مشهور و خوش آب و هوا جست و جو نمی کند. انسان خلاق، از سرگرمی های انفعالی فاصله می گیرد. از انگاره های انفعالی حذر می کند و علاقه مند و بانشاط در جهت هدف هایش گام برمی دارد. به قدری محو زندگی است که فرصتی برای خودخواهی پیدا نمی کند و جان کلام آنکه، مشتاق و هدف گراست. احساس جوانی دائم دارد؛ احساسی که همه به آن نیاز دارند و متأسفانه بیشترشان از آن محروم هستند. اگر چنین است، زمان برنامه ریزی است، زمان ایجاد تصویر ذهنی سالمی است که اساس زندگی خلاق است، زمان شروع و شروع هرگز دیر نیست.

افراد خلاق یک سری ویژگی‌ها دارند که این ویژگی‌ها را می‌توان با درجه‌های متفاوت در همه افراد جامعه شاهد بود. خلاقیت به اثر سستی و کم‌کاری، راکد می‌ماند، ولی هیچ‌گاه از بین نمی‌رود. بنابراین، باید سعی شود این ویژگی‌ها پرورش داده شوند تا خلاقیت دچار رکود نشود.

## **الف) سلامت فکر و روان**

الف) سلامت فکر و روان

افراد خلاق، افرادی هستند که از سلامت روانی برخوردارند. این افراد قادرند فکر، اندیشه و حرف‌های تازه را پشت سر هم مطرح کنند، بدون اینکه دچار رکود شوند.

بهره‌مندی از ذهنی سالم، باز و گشوده این امکان را برای قوه خلاقه فراهم می‌کند تا از آنچه می‌خواهد تصویر روشنی بیافریند. سرانجام، عملی منشأ موفقیت و پیروزی است که در ورای آن اندیشه‌ای سالم نهفته باشد، همان‌گونه که ورزش عضلات را قوی‌تر و سالم‌تر می‌کند، تفکر، مطالعه کتاب‌های خوب و مفید و نگارش تجربه‌ها، افکار و منش‌ها نیز سبب تقویت و سالم‌تر شدن روان و ذهن می‌شود و درنهایت، موجب باروری و شکوفایی خلاقیت می‌شوند.

## **ب) انعطاف پذیری**

ب) انعطاف پذیری

یعنی توانایی کنار گذاشتن چارچوب‌های ذهنی گذشته و توانایی دیدن اندیشه‌های جدید و بررسی افکار نو و پذیرش مناسب‌ترین و کارآمدترین باورها.

## **ج) ابتکار**

ج) ابتکار

یعنی به پشتوانه اندیشه سالم، ذهنی پویا و منعطف در هر زمان بتوان پیشنهاد تازه‌ای را یافت و ارائه داد. ارائه پیشنهاد جدید، خود، نوعی از خلاقیت و نوآوری است. انسان‌های خلاق، چشمه جوشانی از پیشنهاد‌های سازنده و مفید هستند.

ص: ۳۵

## **(د) ترجیح دادن پیچیدگی در برابر سادگی**

(د) ترجیح دادن پیچیدگی در برابر سادگی

افرادی که خلاقیت ندارند و تمایلی به بروز چنین امری را از خود نشان نمی دهند، هرگز سراغ سختی ها نمی روند و همواره در جست و جوی راه های بی دغدغه و آسان هستند، به گونه ای که معمولاً راه های پیموده شده را انتخاب می کنند و علاقه ای به خطر کردن و پذیرش وظایف سنگین را ندارند. این افراد خواهان سایبان امنیتی ساخته شده به دست دیگران هستند، در حالی که افراد خلاق و مبتکر همواره در تلاش و تکاپو هستند و به هر کور سویی رضایت نمی دهند و در جست و جوی منشأ نور می باشند.

بنابراین، پیچیدگی ها را انتخاب می کنند و به دنبال یافتن راه حلی ساده برای آنها هستند، ولی افرادی که تمایل به خلاقیت ندارند، به جای پرداختن به ریشه، خود را با برگ ها و شاخه ها سرگرم می کنند و با رفتن به سراغ مسائل ساده خود را قانع و ارضا می کنند.

## **(ه) استقلال رأی و داوری**

(ه) استقلال رأی و داوری

افراد خلاق بر خلاف افرادی که تمایلی به خلاقیت ندارند، انسان هایی پیرو و دنباله رو نیستند و به دنبال تکیه گاهی در عالم بیرون نیستند تا به او چنگ بزنند، بلکه این افراد، صاحب فکر، اندیشه، سبک و روشی خاص هستند. آنها همواره مطیع بی چون و چرای مسئول بالا-تر و افراد بانفوذ نیستند از جمع پیروی نمی کنند، بلکه بر اساس باورها و الگوی ذهنی خود و بر اساس منطق حاکم بر امور، استقلال رأی و قضاوت دارند.

## **(و) تمرکز نیروی ذهنی بر والاترین هدفی که دارند**

(و) تمرکز نیروی ذهنی بر والاترین هدفی که دارند

افراد خلاق همیشه و در هر شرایطی ذهن و نیروی خود را بر یک موضوع ویژه متمرکز می کنند و به دنبال دست یابی به هدفی والا و بلندمرتبه هستند و با این عمل، بر قله رستگاری و موفقیت تکیه می زنند. همانند متمرکز شدن نور توسط ذره بین در یک نقطه و یا تمرکز لیزر در

یک نقطه که حتی در فولاد هم نفوذ می کند. اما انسان هایی که از خلاقیت کمتر برخوردارند، اهداف و مسئولیت های متعددی را برمی گزینند و در هیچ زمینه ای به طور کامل توفیق حاصل نمی کنند.

شاید با اندک تفکر مثال هایی از مدیران و مسئولان در محیط اطراف خود بیابیم که با قبول چندین مسئولیت و توانایی نداشتن در تمرکز روی یک نقطه، مدیر موفقی نبوده اند و یا برعکس. باید بدانیم که دست یابی به اهداف همواره در فضای ذهنی روشن و متمرکز و با ایستادگی و پشتکار میسر می شود.

## **(ز) کنجکاو**

### (ز) کنجکاو

افراد خلاق حتی اگر به درجه های بالایی علمی برسند، در درون خود آرام و قرار نداشته و در جست و جوی دانستنی های بیشتری هستند. اگر راهی را که انتخاب کرده اند به نتیجه نرسد یا پی آمد خوشایندی نداشته باشد، به جای آنکه دست از فعالیت بردارند و افسوس بخورند، بیشتر می کوشند تا آن را به نتیجه مطلوب برسانند. افراد خلاق بیشتر یادگیرنده هستند تا یاددهنده و در همه حال کنجکاو.

## **(ح) اعتماد به نفس**

### (ح) اعتماد به نفس

افراد خلاق انگیزه فراوانی برای رشد و پیشرفت و موفقیت دارند. از خودشان راضی هستند و به خود اعتماد لازم را دارند. آنها گرچه در زندگی با مسائل و مشکلات روبه رو هستند، به حل آنها ایمان دارند. افراد خلاق از خود تنفر ندارند و از هر لحظه زندگی لذت می برند.

## **(ط) داشتن هدف در زندگی**

### (ط) داشتن هدف در زندگی

افراد خلاق در زندگی خود احساس پوچی، بی هدفی و خلأ ندارند. آنها احساس می کنند که به دنیا آمده اند تا رسالتی بزرگ را به انجام برسانند، از این رو، وقت خود را تلف نمی کنند. افراد خلاق زندگی را دوست دارند.

## ی) زندگی کردن با توجه به حال

ی) زندگی کردن با توجه به حال

افراد خلاق به جای آنکه زندگی را در گذشته و آینده جست و جو کنند، به حال توجه دارند و از آن لذت می برند. این افراد همیشه و در همه حال از زندگی لذت می برند؛ زیرا انتظار برای لذت بردن در آینده نابخردانه است.

## ک) احتیاج نداشتن به تأیید دیگران

ک) احتیاج نداشتن به تأیید دیگران

این افراد به تأیید دیگران نیازی ندارند. برعکس، بیشتر مردم که در پی کسب افتخارات هستند، آنها به این مسئله که عملکردشان به تأیید و پسند دیگران برسد یا اینکه همه اعمال آنها تحسین شود یا خیر، توجهی ندارند.

## ل) انرژی فراوان

ل) انرژی فراوان

افراد خلاق انرژی و نیروی فراوانی دارند؛ زیرا نسبت به کار خود و به طور کلی زندگی هیجان خاصی دارند. البته توان و نیروی مافوق طبیعی ندارند، بلکه انرژی آنان حاصل عشق به زندگی است.

## م) تنوع طلب بودن

م) تنوع طلب بودن

افراد خلاق از یکسان بودن و تغییرناپذیر بودن گریزانند. آنها دوست دارند در زندگی تغییر و تنوع ایجاد کنند و از یک رنگ بودن راضی نیستند.

## ن) نگرشی مثبت داشتن

ن) نگرشی مثبت داشتن

افراد خلاق مثبت و سازنده هستند. تظاهر نمی کنند و دروغ گو نیستند. آنها واقع بین هستند و از مکر و ریا در زندگی بیزارند. همیشه نیمه پر لیوان را می بینند و کمتر به نقاط منفی می نگرند. آنان به آینده امید دارند.

## س) برخورد صحیح با مشکلات

س) برخورد صحیح با مشکلات

افراد خلاق با مسائل و مشکلات به درستی برخورد می کنند. آنها قهرمان پرست نیستند. آن قدر مشغول فعالیت و سازندگی در زندگی خود هستند که وقت خود را بیهوده صرف سرزنش و ملامت دیگران

ص: ۳۸

نمی‌کنند. در مقابل مشکلات ناله و شکوه سر نمی‌دهند، بلکه برمی‌خیزند و به زندگی می‌پردازند. لحظات زندگی را صرف سازندگی و شکوفایی می‌کنند و مشکلات را از طریق عقل و منطق حل می‌کنند.

### ۳. فرآیند خلاقیت و نوآوری

#### ۳. فرآیند خلاقیت و نوآوری

مراحل خلاقیت ممکن است به فعالیت قوه درک و خرد انسان یا مراحل مجزا ولی به هم پیوسته تعریف شود که انسان را به ره یافت‌هایی هدایت کند. نویسندگان و صاحب‌نظران، این مراحل را به گونه‌های مختلف مطرح کرده‌اند. فرآیند خلاقیت، به ترتیب در برگیرنده مراحل روبه‌رو شدن با ایده یا مشکل، شدت روبه‌رو شدن و رابطه روبه‌رو شدن با محیط است که فرد خلاق را دربر گرفته است. یکی از صاحب‌نظران مدیریت، فرآیند خلاقیت را از اندیشه تا عمل به سه مرحله: به وجود آوردن اندیشه، پرورش اندیشه و به کارگیری اندیشه تقسیم کرده است. وی مراحل خلاقیت عملی و اجرایی تری را که از پنج مرحله تشکیل شده است، پیشنهاد می‌کند. این مراحل به ترتیب عبارتند از: جذب اطلاعات؛ الهام؛ آزمون؛ پالایش و عرضه.

آلبرشت معتقد است که شخص خلاق، اطلاعات پیرامون خود را جذب می‌کند و برای بررسی مسائل، ره یافت‌های مختلفی را بررسی می‌کند. زمانی که ذهن فرد خلاق از اطلاعات خام انباشته شد، به طور محسوس ناشدنی شروع به کار می‌کند و پس از تجزیه و تحلیل و ترکیب اطلاعات، ره یافتی برای مسئله ارائه می‌کند.

### ۴. شرایط ایجاد خلاقیت و نوآوری

#### اشاره

#### ۴. شرایط ایجاد خلاقیت و نوآوری

نویسندگان مختلف، شرایط و زمینه‌های متفاوتی را برای بروز خلاقیت در نظر دارند. به هر حال، راه‌های عمده‌ای که می‌تواند محرک خلاقیت باشد، عبارتند از:

## الف) فضای خلاق

### الف) فضای خلاق

یکی از راه های مهم ظهور نوآوری، به وجود آوردن فضای محرک خلاقیت است. بدین معنی که مدیریت باید همیشه آماده شنیدن ایده های جدید از هر کس در سازمان باشد. در واقع، سازمان باید در جست و جوی این گون--ه فکرها باشد و تنها منتظر-ارائه اندیشه جدید نماند. به کارگیری سیستم مدیریت استعداد ابزار مؤثری در سازمان به شمار می رود. مدیران با-ه کارگیری این ابزار می توانند، مهارت های کارکنان مستعد را به گونه ای درست گسترش دهند. ممکن است شما با افراد مستعد زیادی برخورد کنید که در سازمانی مشغول به کارند، ولی نمی توانند نتایج قابل توجهی تولید کنند. این به خاطر فقدان سیستم مدیریت استعداد مناسب روی می دهد. سیستم مدیریت استعداد، چهار عنصر دارد: جذب استعدادها؛ حفظ استعدادها؛ اداره و مدیریت استعدادها و کشف کردن استعدادها.

## ب) دادن وقت برای خلاقیت

### ب) دادن وقت برای خلاقیت

مؤسسه ها برای این منظور می توانند دفتر مخصوصی را به هر یک از کارکنانی که شایستگی لازم را دارند، اختصاص دهند.

## ج) برقراری سیستم پیشنهادات

### ج) برقراری سیستم پیشنهادات

یکی از روش های ترغیب خلاقیت، برقراری سیستم دریافت پیشنهداست. بدین ترتیب، روشی برای ارائه پیشنهداها فراهم می شود.

## د) ایجاد واحد مخصوص خلاقیت

### د) ایجاد واحد مخصوص خلاقیت

گاهی گروه خاصی از کارکنان برای نوآوری و خلاقیت استخدام می شوند و در بعضی از سازمان ها این گروه را واحد تحقیق و توسعه می نامند. این گونه واحدها وقت شان را صرف یافتن ایده های جدید برای ارائه خدمات یا ساختن محصول و فن آوری می کنند و گاهی فقط تحقیق انجام می دهند. این گونه پژوهش ها برای پیشرفت دانش، بدون تلاش برای یافتن کاربرد فوری آن



صورت می گیرد. البته بعدها این اندیشه های محض می تواند جنبه کاربردی داشته باشد. ولی امروزه پژوهش های کاربردی بیشتر معمول و مورد توجه است.

## ۵. عوامل تشدیدکننده خلاقیت و نوآوری

### اشاره

۵. عوامل تشدیدکننده خلاقیت و نوآوری

حس درونی تفکر، انسان را قادر می سازد شرایطی را که وجود خارجی ندارند، در درون ذهن شبیه سازی کند و به وی این امکان را می دهد تا در امکانات یکسان با دیگران، برای خود فرصت های بهتری بیافریند. در واقع، امور خلاقیت شاید بیشتر اکتسابی باشد تا فطری و می توان با آموزش هایی این توانایی را در خود افزایش داد. مجموعه عواملی که سبب تشدید و ترغیب فرد به نوآوری می شوند به عوامل تشدیدکننده تعبیر می شوند که خود، به دو بخش کلی انگیزه ها و ابزارها تقسیم می شوند که در اینجا توضیح داده می شوند.

### الف) انگیزه ها

#### اشاره

الف) انگیزه ها

انگیزه های ترغیب کننده به نوآوری، می توانند به ویژگی ها و زندگی خصوصی افراد مربوط باشد یا اینکه به اجتماع محل سکونت فرد بستگی داشته باشد که ما در اینجا دلایل بروز هر یک را بررسی می کنیم.

#### یک - انگیزه های بیرونی

#### اشاره

یک - انگیزه های بیرونی

به همه انگیزه هایی که از جامعه به فرد القا می شوند گفته می شود که خود بر اثر موارد زیر ناشی می شوند:

#### اول - بحران های جامعه

اول - بحران های جامعه

می دانیم سرچشمه خلاقیت، نیاز است. بیشتر مواقع اگر نیازی در زندگی بشر مشاهده نشود، الزامی به خلاقیت وجود نخواهد داشت. نیازهای بشر معمولاً به طور یک نواخت بروز می یابند، مگر در شرایطی استثنایی، مانند بحران های مختلف از جمله بحران های طبیعی چون سیل و زلزله و آتشفشان و توفان و همچنین بلایایی که خود انسان مسبب آنهاست که بارزترین آنها جنگ است. نوع و دلیل بروز یک بحران در اینجا مدنظر

ص: ۴۱

نیست و آنچه حائز اهمیت است، هجوم سیل عظیمی از نیازها پس از وقوع بحران است که می تواند در جامعه سبب یک انقلاب فکری در نزد افراد گوناگون شود و به شکل نوآوری و خلاقیت بروز کند.

## **دوم – سطح توقعات جامعه**

دوم – سطح توقعات جامعه

جامعه ای که در آن سیر صعودی پیشرفت حاکم باشد، هر روز از طرف تک تک اعضای خود شاهد خلاقیت و نوآوری است. در این جامعه، نوآوری به قشر اندیشمند محدود نمی شود و همه مردم را در برمی گیرد، به گونه ای که حتی تبه کاران نیز در این جامعه هر روز به فکر خلق روشی نو در روند کاری خود هستند.

## **دو – انگیزه های درونی**

### **اشاره**

دو – انگیزه های درونی

انگیزه هایی را که از درون شخص منشا می گیرند، انگیزه های درونی می نامند که شامل موارد زیر است:

## **اول – استعداد ذاتی فرد**

اول – استعداد ذاتی فرد

این امر حتی بدون وجود هرگونه محرک خارجی ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه صورت گیرد و با داشتن هوشی متوسط و آموختن راه های افزایش تفکر خلاق، در همه نیازهای زندگی به دست آید.

## **دوم – نیازهای درونی**

دوم – نیازهای درونی

گاهی اوقات افراد در خود نیرویی احساس می کنند که همواره آنان را وا می دارد که در جهت کمک به دیگران و ارتقای سطح زندگی در جامعه، دست به نوآوری بزنند. این افراد از هر جنس و سن و شغلی می توانند باشند. به عنوان مثال، خانمی در امریکا که از آگهی های تجاری تلویزیون ناراضی بود، آنها را مطابق با ذوق خود دوباره می نوشت.

## **سوم – بحران های شخصی**

سوم – بحران های شخصی

بحران های شخصی نیز مانند بحران های جامعه، می توانند محرک بسیار قوی در امر نوآوری برای شخص باشند.

ص: ۴۲

## ب) ابزارها

ب) ابزارها

برخی فاکتورهای تعیین کننده برای دست یابی به تفکر خلاق وجود دارند که می توان از آنها به عنوان ابزارهای نوآوری یاد کرد. این ابزارها عبارتند از:

اراده؛ اعتماد به نفس؛ شبیه سازی؛ تغییر؛ مجاورت؛ تشابه؛ تباین؛ استمداد از دیگران و کمیت.

## ۶. چگونگی بیدارسازی خلاقیت های خفته

### اشاره

۶. چگونگی بیدارسازی خلاقیت های خفته

با علم و اعتقاد به آنچه که در پی می آید، با عمل به آنها و با مداومت در انجام آنها، هر انسانی حتی با کم ترین درجه خلاقیت قادر است جرقه مقدس را شعله ور سازد و خلاقیت خفته را بیدار کند.

## الف) قبول وجود ذخیره بی کران خلاقیت در درون انسان

الف) قبول وجود ذخیره بی کران خلاقیت در درون انسان

باید پذیرفت و باور داشت که این گوهر نفیس و گران بها در وجود همه ما از ابتدای خلقت تعبیه شده؛ زیرا خداوند ما را نمایندگان خود در روی زمین نامیده است. این فلسفه و این ایمان، منشأ بیداری اندیشه، فکر و پیدایش خلاقیت است.

## ب) شکستن مرزبندی کلیشه ای

ب) شکستن مرزبندی کلیشه ای

برای جلا دادن و غبارروبی گنجینه بی کران هوش، حکمت و خلاقیت، باید از دایره ای که ما را در بر گرفته است؛ خارج شد. باید مرزبندی های کلیشه ای و تجویز شده را شکست و پا به دنیای بیرون نهاد و از بیرون به خزانه عظیمی که خداوند در وجود خلیفه خود نهاده است، نگریست و از آن نهایت بهره را جست.

## ج) انجام کارهای جدید و مداومت در آنها

ج) انجام کارهای جدید و مداومت در آنها

باید همواره در فکر خلق ایده های جدید و تراوش اندیشه های نو بود. نباید با قانع شدن به آنچه هست، در جازد و موجبات رکود و افسردگی

ص: ۴۳

را فراهم ساخت. باید همواره در انجام کارهای نو ظهور و جدید پیش قدم بوده و مداومت کرد.

## **(د) تلاش در جهت ارتقای دانش و مهارت**

(د) تلاش در جهت ارتقای دانش و مهارت

بروز و ظهور خلاقیت، نیازمند آمادگی است و این آمادگی، در سایه تمرین و افزایش آگاهی و مهارت میسر می شود. هر چه دامنه دانش و مهارت گسترده تر باشد، احتمال بروز خلاقیت، ابتکار و نوآوری نیز افزایش پیدا می کند. بنابراین، هر روز با مطالعه، تحقیق، کار و تلاش باید موقعیتی را فراهم آورد تا بیشترین بهره از قوه خلاقه برده شود.

## **ه- آرامش فکر و مثبت اندیشی**

ه- آرامش فکر و مثبت اندیشی

مثبت اندیشی و آرامش، زمینه ساز رشد و شکوفایی خلاقیت انسان هاست. به گونه ای که آرامش و مثبت نگری، زمینه فعالیت نیم کره چپ مغز که مسئول کارکرد منطقی، آگاهانه و تجزیه و تحلیل است فراهم تر می کند. در حالی که استرس، منفی اندیشی و منفی نگری، ترس، دودلی و اضطراب، نیم کره چپ را از کار می اندازد و زمینه فعالیت نیم کره راست مغز را که مسئول احساسات و هیجانات است، مهیا می کند.

## **۷. موانع خلاقیت**

### **اشاره**

۷. موانع خلاقیت

عوامل و موانع را می توان به دو دسته کلی «فردی» (درونی) و «محیطی» (بیرونی) تقسیم کرد. منظور از موانع درونی، عواملی است که به ویژگی های شخصی فرد مربوط می شود و موانع محیطی، به موقعیت هایی اطلاق می شود که فرد در رابطه با دیگران دارد.

### **الف) موانع فردی**

الف) موانع فردی

یک - عادت: اگر فرد در حل مسائل روشی را انتخاب کند که فقط در یک چارچوب خاصی قرار گیرد و همیشه بخواهد طبق آن الگو مشکلات را حل کند، به آن عادت می کند و بدون تفکر و تعمق به حل

مسائل می پردازد. بنابراین، فکر را محدود می کند و به خلاقیت، که لازمه اش تفکر و تعقل است، نخواهد رسید.

دو - ترس از موفق نشدن: با توجه به این واقعیت که چنانچه نتایج به دست آمده از اعمال انسان ها موفقیت آمیز باشد، انسان تشویق می شود و در غیر این صورت، با تنبیه و توبیخ روبه رو می شود، انسان ها به دنبال اموری می روند که موفقیت به همراه داشته باشد. از این رو، از ریسک کردن که لازمه خلاقیت است، دوری می کنند که این، مانع خلاقیت و آزمایش راه های گوناگون است.

سه - انعطاف ناپذیری: یکی دیگر از موانع خلاقیت این است که افراد در چارچوب و قالب مشخصی فکر و عمل می کنند و به جنبه های مختلف توجه ندارند که این مسئله، سبب محدودیت فکری می شود. همچنین برخی مواقع، تعصب و پیش داوری، مانع ارزیابی صحیح می شود.

چهار - نداشتن اعتماد به نفس: در برخی مواقع، افراد از توانایی و استعداد بالایی برخوردارند، اما جرئت، شهامت و اعتماد به خود را ندارند و فکر می کنند نظر آنها اشتباه است و حتی از بیان آن خودداری می کنند. این نگرش سبب می شود خود را باور نکنند و احساس خود کم بینی، حقارت، کم رویی و به طور کلی، ویژگی های شخصیتی منفی پیدا کنند. نداشتن اعتماد به خویشتن، مانعی برای بروز خلاقیت است.

پنج - دوری از موقعیت های مبهم: در بسیاری موارد انسان ها از امور و موقعیت هایی که پیچیده و مبهم هستند، دوری می کنند و به دنبال روش ها و راه حل های مطمئن و بدون دردسر می گردند. ابهام و اشکال در امور را نمی پسندند و نمی خواهند ذهن خود را مغشوش سازند. حال آنکه توجه کردن به موقعیت های مبهم و پیچیده، از ویژگی های انسان های خلاق است.



(ب) موانع بیرونی

یک - آداب و رسوم: در بسیاری از موارد، آداب و رسوم و سنن اجتماعی افراد را مجبور می سازد که طبق الگوها و خواسته های فکری و رفتاری جامعه خود عمل کنند و به غیر از آن فکر نکنند. این جبر اجتماعی و ایجاد محدودیت و سنت پرستی که برخی مواقع حتی با انحراف ها همراه است، تعصب خاصی را ایجاد می کند که مانع خلاقیت است و جلوی ایجاد الگوی تازه را می گیرد.

دو - هم رنگی: در برخی موارد افراد از اینکه با دیگران متفاوت باشند، هراس دارند. از این رو، رأی و عقیده خود را با دیگران هماهنگ می کنند و راهی را برمی گیرند که دیگران در آن مسیر باشند. این عامل سبب می شود آنان در چارچوبی عمل کنند که دیگران عمل کرده اند. بنابراین، جلوی ابتکار و خلاقیت که لازمه آن، پاسخ های غیرمعمول است، گرفته می شود.

سه - قوانین و مقررات: گرچه رعایت قوانین و مقررات برای هر فرد واجب است تا نظم در جامعه حکم فرما باشد، برخی مواقع نداشتن انعطاف در قوانین، مانع رشد تفکر خلاق است. برای مثال، قوانین آموزشی در تعلیم و تربیت بدون توجه به تفاوت های فردی خود، مانعی برای بروز خلاقیت دانش آموز است.

چهار - شغل: برخی مواقع فعالیت های یک نواخت در شغل و حرفه سبب می شود که فرد به آن فکر نکند و از روی عادت به صورت مکانیکی بدون تعمق و تفکر، به امور زندگانی بپردازد. افزون بر آن، خستگی و کمبود وقت اجازه فکر کردن را به فرد نمی دهد. بنابراین، خلاقیت که از ویژگی های آن یکنواخت نبودن زندگی است، رعایت نشده و مسئولیت های اداری و شغلی جلوی خلاقیت فرد را می گیرد.

پنج - نگرانی و ترس از استقبال نشدن در اجتماع: امور خلاق که جنبه نوآوری دارد و تازه و جدید است، ممکن است نخست مورد توجه اجتماع قرار نگیرد و افراد از تحقیر و سرزنش ترس داشته باشند و دست از تفکر خلاق بردارند. تاریخ جهان بشر، چه بسیار دانشمندانی را به خود دیده است که بر تمسخر، تحقیر و توهین درآمده اند. بنابراین، ترس و نگرانی، مانعی برای خلاقیت است. این مسئله را در تعلیم و تربیت نیز می توان مشاهده کرد. تورنس می گوید:

در بیشتر کلاس ها دانش آموزی که یک ایده یا محصولی غیرعادی ارائه می دهد، در معرض یک خطر قرار می گیرد. بدین ترتیب، دانش آموز باید خیلی شجاع باشد تا بر ایده اش پافشاری کند؛ زیرا این چنین ایده هایی را اغلب مسخره و احمقانه و عجیب قلمداد می کنند.

## ۸. روش هایی برای ایجاد خلاقیت و ایده های بزرگ در ذهن

### اشاره

۸. روش هایی برای ایجاد خلاقیت و ایده های بزرگ در ذهن

خلاقیت، سبب بروز افکار بزرگ در انسان می شود. اما معمولاً سخت ترین مرحله، نقطه شروع است. افکار بزرگ ما را به سمت پیشرفت راهنمایی می کنند و فردایی روشن را برایمان به ارمغان می آورند. با به کارگیری اصول زیر می توان یک تجارت بزرگ و بی نقص راه انداخت. ما متأسفانه ذهن خود را به انجام این امور عادت نداده ایم. این امر سبب می شود تا توانایی خود را برای دامن دادن به تصورات و تخیلات از دست بدهیم و در نتیجه، قدرت تخیل خود را به کار نگیریم. به همین دلیل، فرصت های بی شماری را به آسانی از دست می دهیم. ایده های بزرگ، از محلی فرای باورهای شخصی نشئت می گیرند. باید به دوردست ها بنگرید و افکار متفاوت را آزمایش کنید تا به نتیجه مطلوب دست پیدا کنید.

ص: ۴۷

عده ای با به کار نگرفتن ذهن خود، آن را به طرز وحشتناکی بی حس و کرخت می کنند. چنین رفتاری سبب می شود درخت افکار شما هیچ گاه به بار ننشیند.

### **الف) زیاد مطالعه کنید**

الف) زیاد مطالعه کنید

ذهن شما همانند بدنتان برای اینکه رشد پیدا کند و پرورش یابد، نیازمند تمرین و تحرک است و چه تمرینی بهتر از کتاب خواندن. بکوشید با افکار و عقاید انسان های موفق در طول تاریخ، آشنا شوید. شرح حال و تاریخچه زندگی هر یک از آنها را مرور کنید و از آن درس بگیرید. با مطالعه این کتاب ها می توان حدس زد که چگونه این افراد بزرگ ذهن خود را برای رسیدن به بهترین ها پرورش داده بودند. همچنین می توانید مجله هایی مانند «تجارت» و یا «اقتصاد روز» را نیز مطالعه کنید. با آگاهی از پیشنهادهای دیگران پیرامون مسائل مختلف، شما سطحی نگری را کنار می گذارید و با دیدی عمیق، به موضوع های مختلف می نگرید.

### **ب) فرصت هایی را که در آن ذهن شما خلاق است، از دست ندهید**

ب) فرصت هایی را که در آن ذهن شما خلاق است، از دست ندهید

شاید بروز بسیاری از مسائل را به شانس واگذار می کنید. تصور شما نادرست است. شاید بعضی مواقع حس می کنید که مغزتان اصلاً کار نمی کند و هیچ واکنشی از خود نشان نمی دهد. اما مواقعی هم وجود دارد که ذهنتان به قدری فعال است که می خواهید انیشتن را به رقابت دعوت کنید. تنها مشکل موجود این است که این زمان های طلایی، مواقعی که شما به آن نیاز دارید، ظاهر نمی شود. زمانی که ذهن در حال فوران است، تا آنجا که می توانید، به افکار خود پرو و بال دهید. اجازه دهید افکارتان مثل آب آتش نشانی به بالاترین نقطه صعود کنند. هنگامی که برای پرواز کردن به ذهن خود فضا می دهید، او شما را به دوردست ها خواهد برد و نتایج شگفت انگیزی را به دست خواهد داد.

## ج) یک دفترچه یادداشت به همراه داشته باشید

ج) یک دفترچه یادداشت به همراه داشته باشید

هنگامی که افکار بی نظیر به ذهن شما خطور می کنند، از ذخیره کردن آنها اطمینان خاطر حاصل کنید. در این امر، به یادداشت های ذهنی اکتفا نکنید؛ زیرا ممکن است به دست فراموشی سپرده شوند. بکوشید همیشه یک دفترچه یادداشت و یا یک ضبط صوت به همراه داشته باشید. هنگامی که افکارتان در جایی ثبت شوند، شما به راحتی می توانید به آنها دست رسی پیدا کنید و آنها را به سرعت بکار ببندید. افکار بزرگ نیز مانند میوه ها فقط تا زمانی که تازه و شاداب باشند، قابل استفاده هستند.

## د) از افکار دیگران بهره بجوید

د) از افکار دیگران بهره بجوید

بهره جستن از افکار و عقاید دیگران نیز به نوبه خود، روشی مناسب برای گسترش ایده های شخصی شماست. افراد مختلف دیدگاه ها و چشم اندازهای متفاوتی دارند. توانایی های آنها مختلف است و پیشینه های متفاوتی دارند. کارکرد ذهن افراد منحصر به فرد است. با مطرح شدن یک بحث در میان جمع، آن قدر پیشنهادهاى مختلف شنیده می شود که نیمی از آنها هرگز به ذهن شما نمی رسیدند. از این راه، شما می توانید با کوله باری سرشار از افکار متفاوت در جاده تصمیم گیری گام بردارید.

نسبت به نظر هیچ کس بی توجهی نکنید. شاید در نگاه اول احمقانه به نظر برسند، ولی شاید مانند صدف هایی باشند که در خود گوهرهای گران قیمتی را جای داده اند. درست نیست که درباره نظر دیگران به قضاوت بنشینیم، بکوشید به جای قضاوت های بیهوده، آنها را سبک سنگین کنید و در امور روزمره خود به کار ببندید.

## ه) تغییراتی در محیط اطراف خود ایجاد کنید

ه) تغییراتی در محیط اطراف خود ایجاد کنید

گاهی اوقات تنها چیزی که سبب می شود ذهن خسته شما را دوباره به کار اندازد، تغییر وضع ظاهری محیط اطرافتان است. اگر چشم انداز

پیرامون شما تغییر کند، ذهن شما نیز به صورت ناخودآگاه به سمت یک دیدگاه جدید تغییر جهت می دهد. اگر تمام مدت در پشت میز خود بنشینید، ذهن خود را در آن شرایط محدود می کنید و هیچ فضایی برای برانگیختگی او باقی نمی گذارید.

بنابراین، می توانید پیاده روی کنید، به باشگاه ورزشی بروید، کنار آب رود بنشینید و در کل به یک مکان جدید گام بگذارید تا ذهن شما نیز بتواند آزادانه به تمرین و تکاپو پردازد.

### **(و) بر روی شکاف میان دو نسل خط بطلان بکشید**

(و) بر روی شکاف میان دو نسل خط بطلان بکشید

ذهن کودکان، تروتازه و شاداب است. آنها جسور هستند و احساساتشان از راه فشارهای اجتماعی سرکوب نشده است. به جهان، با شگفتی می نگرند و مانند بزرگ ترها پاکی و معصومیت خود را از دست نداده اند. با کودکان، پیرامون مسائل مختلف صحبت کنید تا با نقطه نظر ساده و بی آرایش آنها آشنا شوید. اگر می خواهید مشکلی را حل کنید، نظر آنها را نیز جویا شوید. عقاید آنها شما را به تعجب وا می دارند. آنها قصد اثرگذاری بر دیگران را ندارند و همه چیز را تنها با اتکا بر پاکی و صداقت بیان می کنند.

از سوی دیگر، با افراد سال خورده و مسن نیز مشورت کنید. آنها مدت ها پیش، با تمام این مشکلات روبه رو شده اند و با آن دست و پنجه نرم کرده اند. تجربه هایشان آن قدر سودمند و بارز است که هیچ قیمتی را نمی توان بر روی آن گذاشت. پس آنها را دست کم نگیرید، با دیدگاه هایشان نسبت به زندگی آشنا شوید و از آنها درس بگیرید. به طور یقین، شما را به سوی جهت مناسب هدایت می کنند و از مشکلات در امان خواهید بود.

### **(ز) به رفیق خود مراجعه کنید**

(ز) به رفیق خود مراجعه کنید

همه ما دوستی داریم که به نظر می رسد توانایی پاسخ به تمام مسائل و مشکلات ما را دارد. پس چرا تنها درباره مشکلات شخصی از او کمک می خواهید؟ بد نیست گاهی درباره مسائل مهم تر نیز از او یاری بجوئید.

## ح) به توانایی هایی خود اتکا کنید و در حیطه کاری خود به فعالیت پردازید

ح) به توانایی هایی خود اتکا کنید و در حیطه کاری خود به فعالیت پردازید

خیلی خوب است که به ذهن خود اجازه دهید آزادانه به گردش پردازد. اما این گردش باید در حیطه دانش شما انجام پذیرد. اگر یک طراح هستید، لازم نیست راه حلی برای مشکلات اقتصادی پیدا کنید. افکار شما تنها در رشته ای که مهارت دارید، خوب کار می کنند و در دیگر رشته ها نتیجه ای مصیبت بار را به دنبال خواهند داشت. اگر به ورود به قلمرو دیگری نیاز دارید، بهتر است قبل از هر کار با یک متخصص مشورت کنید و اجازه انجام کلیه امور را به دست او بسپارید تا با استفاده از دانش و تخصص خود عمل کند.

## ط) به ذهن خود آزادی عمل دهید

ط) به ذهن خود آزادی عمل دهید

آیا با تمرین های رایج نویسندگان آشنایی دارید؟ آنها برای مبارزه با محدودیت ها یک روش بسیار جالب را برگزیده اند. فقط کافی است قلم را بر روی کاغذ بگذارید و هر آنچه را در ذهنتان است، بر روی کاغذ بیاورید. می توانید از مشکلات شروع کنید و به دنبال هیچ گونه ارتباطی در دست نوشته های خود نباشید. مهم نیست که تا چه حد عبث و نامعقول به نظر می رسند. بعدها می توانید مثل یک جدول تناوبی آنها را سازمان دهی کنید. در آخر نیز امکان دارد به چیزی دست پیدا کنید که بیهوده و بی ربط باشد. اما چیزی که در این مبحث حائز اهمیت است، این است که شما به ذهن خود اجازه غرق شدن در مسائل مختلف را داده اید و این خود، یک امتیاز محسوب می شود. هیچ کس نمی داند، شاید به نتیجه ای برسید که سال ها منتظر آن بوده اید.

## ی) ایده های گذشته را از نو بسازید

ی) ایده های گذشته را از نو بسازید

افکار شما مثل کامپیوتر هستند. هر چند وقت یک بار نیاز است که سخت افزار آن را ارتقا دهید. ایده های بزرگ گذشته را پیش روی خود بگذارید و بر روی آنها عملیات نوسازی انجام دهید. آنها را اصلاح کنید و برای بهبودی آنها تلاش کنید. ضمیمه های لازم را نیز برای تقویت

هرچه بیشتر به آنها بیفزایید. این کارها را می توان با نوشتن عقاید اولیه خود بر روی کاغذ و نظم دادن به آشفتگی ذهنتان انجام دهید. عالی به نظر می رسد، پس منتظر چه هستید؟ بهتر است در انجام آن بشتابید.

### **ک) از قدرت نهفته در درونتان یاری بخواهید**

ک) از قدرت نهفته در درونتان یاری بخواهید

آیا یک شیء، آهنگ، مکان یا یک شخص خاص وجود دارد که حضور یا تجسم او برای شما خوشایند باشد و به ذهنتان نیرویی برتر دهد. از هیچ تلاشی برای رسیدن به آن دریغ نکنید. تنها یک چنین چیزهایی هستند که شما را به سوی ابتکارهای نو رهنمون می سازند. از وجود آن بهره بجویید و اجازه دهید تا انوار طلایی آن به درون تان نفوذ کند و ذهن شما را در برگیرد.

### **۹. ویژگی های سازمان خلاق**

#### **اشاره**

۹. ویژگی های سازمان خلاق

زیر فصل ها

الف) رعایت کرامت انسانی و احترام به افراد

ب) فرهنگ ارتقای بهره وری

ج) مدیران همیشه در صحنه

د) رقابت کامل و فشرده

ه-) توجه به تمام و کمال به مشتری ها

و) امکان گردش شغلی

ز) فرهنگ کار تیمی

ح) امنیت شغلی

ط) ارزش تلقی شدن عامل تغییر

ی) فرهنگ خودارزیابی و خودکنترلی

ک) کار گروهی

ل) استقبال مدیران از عامل تغییر

### **الف) رعایت کرامت انسانی و احترام به افراد**

الف) رعایت کرامت انسانی و احترام به افراد

در این سازمان ها حفظ حرمت و شخصیت انسان ها از اصول اساسی شمرده می شود. در سازمان های خلاق، به کارکنان در مقام سرمایه های واقعی سازمان اعتماد و اطمینان می شود. اختیار لازم به آنها تفویض می شود و از نظرها و ایده های آنها در تصمیم گیری ها، برنامه ریزی ها، اجرا و ارزش یابی استفاده کامل می شود.

### **ب) فرهنگ ارتقای بهره وری**

ب) فرهنگ ارتقای بهره وری

سازمان خلاق، سازمانی است که در آن بستر لازم برای بهبود مداوم فعالیت ها مهیا است. کارکنان به درجه ای از رشد و تکامل رسیده اند که هر نقص و مشکلی را به عنوان فرصتی برای ارتقا می دانند و پیوسته در اندیشه و در عمل در حال بهبود مستمر فرآیندها هستند.

### **ج) مدیران همیشه در صحنه**

ج) مدیران همیشه در صحنه

در سازمان های خلاق، حصارهای ما میان مدیران و کارکنان شکسته شده و فاصله به حداقل رسیده است، به گونه ای که حضور و اثر مدیران را در جای جای سازمان می توان حس کرد. در این سازمان ها ارتباط افقی به

ص: ۵۲



حداکثر رسیده و نزدیکی بی پیرایه و صمیمانه مدیران و کارکنان یک ارزش سازمانی است.

### **(د) رقابت کامل و فشرده**

(د) رقابت کامل و فشرده

در سازمان های خلاق کارکنان و مدیران بخش های مختلفی در قالب تیم های کاری و ارتقا، به فعالیت مشغول هستند. برای بهبود امور سازمان ها همواره در حال رقابتی سالم، فشرده و کامل در جهت رسیدن به نقص صفر و دست یابی به مأموریت و رسالت سازمانی می کوشند.

### **(ه-) توجه به تمام و کمال به مشتری ها**

(ه-) توجه به تمام و کمال به مشتری ها

در سازمان های خلاق، همه بر این اعتقاد هستند که وجود سازمان به خاطر مشتری هاست. بنابراین، در همه عرصه های مدیریت و اجرا حداکثر بهره از مشتری ها برده می شود. در این سازمان ها، سازمان دهی و برنامه ریزی دقیقی به منظور رساندن صدای مشتری به درون سازمان انجام می پذیرد و همه ارکان سازمان با شناسایی نیازها و انتظارات مشتری ها در صدد جلب رضایت آنهاست.

### **(و) امکان گردش شغلی**

(و) امکان گردش شغلی

در این سازمان ها کارکنان، صاحب تخصص ویژه نیستند و با توجه به توانایی هایشان در جایگاه های مناسب (بر اساس اهداف سازمانی و بر اساس شرایط زمانی و مکانی) قرار گرفته اند و در خدمت سازمان هستند. در این سازمان ها همه در همه حال در خدمت سیستم همیشه در حال ارتقا هستند و گردش شغلی به عنوان ارزش تلقی می شود.

### **(ز) فرهنگ کار تیمی**

(ز) فرهنگ کار تیمی

در سازمان های خلاق، مشارکت جمعی، بهره گیری از پیشنهادهای کارکنان و هم فکری در چارچوب تیم های ارتقا به طور گسترده ای رایج است و جزو فرهنگ سازمانی به شمار می رود. در این سازمان ها خود گرایی و گروه گرایی جای خود را به نگرش نظام مند و فعالیت در قالب تیم های ارتقا برای بهبود فرآیندها داده است.

## ح) امنیت شغلی

ح) امنیت شغلی

در سازمان های خلاق، تعلق خاطر عمیقی میان اجزای سازمان وجود دارد. کارکنان تعهد خاصی به سازمان دارند و در مقابل، سازمان نیز چنین تعهدی را نشان می دهد. روابط دوسویه بسیار عمیق، ترس از دست دادن شغل را از میان برده است و مدیران و کارکنان به منظور بهبود مداوم کارها، لازم و ملزوم یکدیگر محسوب می شوند.

## ط) ارزش تلقی شدن عامل تغییر

ط) ارزش تلقی شدن عامل تغییر

سازمان های خلاق، سازمان هایی هستند که در آن مدیران و کارکنان نه تنها در مقابل تغییر مقاومت نشان نمی دهند و بی تفاوت نیستند، بلکه با آغوش باز به استقبال آن می روند، زیرا عامل تغییر را فرصتی برای ارتقا می پندارند و بر این باورند که تغییر عاملی در جهت بهبود سیستم و تعالی سازمان است.

## ی) فرهنگ خودارزیابی و خودکنترلی

ی) فرهنگ خودارزیابی و خودکنترلی

همزمان با رشد و توسعه کارکنان و مدیران و گسترش فرهنگ ارتقا و کار تیمی در سازمان، کنترل از درون یا خودکنترلی جای گزین کنترل از بیرون می شود. نظام بازرسی و کنترل سفت و سخت مدیریت، بسیار کم رنگ شده است و افراد آزادی عمل بیشتری دارند. با این حال، این امر به معنی هرج و مرج و بی بند و باری نیست. مسئولیت همراه با اختیار کارکنان، فضا را برای بروز خلاقیت بیشتر آنها آماده می کند، بدون اینکه بازرسی بر سیستم حاکم باشد.

## ک) کار گروهی

ک) کار گروهی

روابط همیشگی و بلند مدت کارکنان با این نوع سازمان ها و در نتیجه، بهره مندی آنها از امنیت شغلی، از دیگر ویژگی های این سازمان هاست.

## ل) استقبال مدیران از عامل تغییر

ل) استقبال مدیران از عامل تغییر

در این سازمان ها همه مدیران، مسئله تغییر را به عنوان تنها عامل ثابت و گریزناپذیر می دانند و با خشنودی آن را می پذیرند

و در برابر آن مقاومت نمی کنند. طبیعی است در چنین سازمانی ضرورت ندارد که مدیر بخش

ص: ۵۴

زیادی از وقت خود را برای جلوگیری بر خورد با تغییرات اختصاص دهد؛ زیرا همه به این باور رسیده اند که تغییر، یک ارزش مثبت است.

## ۱۰. سازمان و تکنیک های توسعه خلاقیت گروهی

### اشاره

۱۰. سازمان و تکنیک های توسعه خلاقیت گروهی

سازمان ها می توانند از انواع تکنیک های توسعه خلاقیت گروهی به شکل جدی و مستمر استفاده کنند. این تکنیک ها از این قرارند.

### الف) تکنیک تحرک مغزی (توفان فکری)

الف) تکنیک تحرک مغزی (توفان فکری)

یکی از تکنیک های رایج در ایجاد خلاقیت و فعال ساختن اندیشه ها به صورت گروهی، تکنیک تحرک مغزی است. در این تکنیک، مسئله ای به یک گروه کوچک ارائه و از آنان خواسته می شود، به سرعت به آن واکنش نشان دهند و برای آن پاسخی بیابند. پاسخ ها بر روی تابلویی نوشته می شوند، به گونه ای که همه اعضای جلسه می توانند آنها را ببینند. این امر سبب می شود تا ذهن اعضا به فعالیت بیشتری پردازد و جرقه ای از یک ذهن، سبب روشنی ذهن دیگری شود. نخستین دلیل اثربخشی تحرک مغزی، افزایش قدرت خلاقیت در گروه است. افراد در حالت گروهی، بیش از حالت انفرادی قدرت تصور خلاق بروز می دهند. رقابت نیز عامل دیگری است که در جلسات تحرک مغزی، سبب افزایش اثربخشی می شود. همچنین نبودن زمینه انتقاد یا ارزیابی های سریع موجب می شود تا اعضای جلسه با فراغت خاطر به اظهار نظر پردازند و محیطی مساعد برای خلاقیت ایجاد شود. نکته دیگر که در مؤثر بودن تحرک مغزی وجود دارد، بداهه بودن پیشنهادهاست.

### ب) تکنیک خلاقیت شش کلاه تفکر

ب) تکنیک خلاقیت شش کلاه تفکر

ادوارد دوبونو پدر تفکر خلاق، در کتاب شش کلاه تفکر یک روش خلاقانه ارائه می کند و از آن راه می کوشد نشست افراد به دور یکدیگر را به اقدامی ثمربخش و کارا تبدیل کند.

دوبونو می کوشد به کسانی که به دور هم جمع می شوند، بیاموزد که به تفکر خود نظم دهند و آن گاه در این میان، به راه های خلاقانه بیندیشند و با یک هماهنگی مدبرانه، نتایج را طبقه بندی و اولویت بندی کنند و در تصمیم گیری ها از آن استفاده کنند. فرآیند تکنیک شش کلاه تفکر به این شرح است:

تصور کنید به یک جلسه قدم گذاشته اید و شما مسئول نظم دهی، هدایت و نتیجه گیری از آن جلسه هستید. در اینجا کلاه آبی را بر سر شما خواهند گذاشت، زیرا هنگامی که کسی کلاه آبی را بر سر می گذارد باید به موارد زیر دقت کند:

رنگ آبی نماد آسمان آبی رنگ است که چتر آن بر همه جا گسترده شده است و کسی که کلاه آبی بر سر خود می گذارد باید بتواند افکار جاری در محیط جلسه را در ذهن خود به جریان درآورد و نظم و تمرکز دهد.

کلاه آبی همچون یک نرم افزار است که تلاش می کند به تفکر کردن جمع، جهت دهد و با برنامه ای مشخص آن را به سرانجام برساند و گویی همچون یک کارگردان تفکر ما را هدایت می کند.

با کلاه آبی اولویت ها و محدودیت ها تعیین می شود. اکنون بر روی صندلی خود بنشینید و موضوع و یا مشکل مورد بحث را بر روی تخته سیاه بنویسید. در نخستین اقدام و با هدایت شما همه اعضا باید کلاه سفید را بر سر بگذارند و در موضوع بیان شده بیاندهند.

هنگامی که کلاه سفید را بر سر می گذارید، نباید به چیزهایی که شامل الهامات، قضاوت های متکی به تجارب گذشته، عواطف، احساسات و عقاید است توجه کنید و تنها باید همچون یک رایانه، فقط اطلاعات ارائه کنید. حال شما باید اطلاعات به دست آمده از حاضرین در جلسه که به واسطه تفکر با کلاه سفید ارائه شده است را جمع بندی کنید و اعضای جلسه را وارد مرحله بعد کنید تا با گذاشتن کلاه قرمز بر سر، شروع به تفکر کنند.

هنگامی که حاضرین می خواهند با کلاه قرمز در مورد موضوع مورد نظر تفکر کنند باید به نکات زیر توجه کنند:

اجازه دهید احساسات و عواطف بر وجود شما حاکم شده و به زبان درآیند و هر کسی می تواند از الهامات و دریافت های ناگهانی خویش سخن گوید و دیگر نیازی به استدلال نیست. اگر به احساسات اجازه بروز ندهیم، بدون شک ناخواسته و بدون دقت نظر، در تصمیم گیری ها وارد شده و چه بسا سبب بروز مشکلاتی برای ما شوند.

پس از اینکه تمام نظرات اعضای جلسه ارائه شد، شما اقدام به جمع بندی تراوشات فکری حاضران کرده و آن گاه به مرحله بعد قدم بگذارید و اجازه دهید حاضران کلاه سیاه را بر سر بگذارند. با گذاشتن این کلاه بر سر نباید احساسات منفی بدون منطق بیان شوند، بلکه فرد باید دیدگاه های منفی خود را در خصوص مشکل یا موضوع مورد بحث به صورت منطقی بیان کند. بدون شک اگر از این کلاه به خوبی استفاده شود، می تواند ما را از مخاطراتی که در آینده از چشمان ما دور می ماند آگاه کند. تفکر منفی به گفته «دوبونو» جذاب است، زیرا دستاوردهای آن را می توان به فوریت مشاهده کرد. اثبات خطای دیگران برای ما رضایت در پی دارد و حمله کردن به یک دیدگاه در ما احساس برتری می بخشد و برعکس ستودن یک نظر سبب می شود در خود احساس کنیم با فرد برتری روبه رو شده ایم. نتایج بحث های ارائه شده توسط شما جمع بندی شده و در نهایت ثبت شود و آنگاه بار دیگر اجازه دهید حاضران کلاه زرد را بر سر خود بگذارند و شروع به تفکر کنند.

زرد نماد آفتاب است و آفتاب شروعی برای سازندگی، شادابی و خوش بینی است. گویی هر جا سراغ از خورشید گرفته می شود، گرمی زندگی و زایشی دیگر در میان است و تفکر مثبت باید به همراه کنجکاوی و شادمانی و سرور

و تلاش برای درست شدن کارها باشد. فرد با گذاشتن کلاه زرد تلاش می کند به نکات ارزشمند و مثبت موضوع بنگرد. اصولاً افکار سازنده به سوی مثبت گرایی تمایل دارند. یکی از تمریناتی که فرد با کلاه زرد می تواند انجام دهد، بهره گیری از تجربیات ارزشمند گذشته است. کلاه زرد در ابتدا در صدد کشف فواید موجود در موضوع مورد بحث است و هر آنچه می کاود، بیان می دارد.

اکنون بار دیگر به جمع بندی نظرات به دست آمده بر اثر کلاه زرد پردازید. اکنون حاضران باید کلاه سبز را بر سر بگذارند، باید به راه های نو بیاندیشند که می تواند در آن موضوع مورد نظر اثرگذار بوده و به تصمیم گیری های خلاقانه منجر شود. هنگامی که حاضران کلاه سبز را بر سر می گذارند، فرصتی می یابند که به جست و جوی چیزهای کشف نشده هدایت کنند. حال فرصتی به حاضران دهید تا ایده های نو ارائه کنند و آنگاه به ثبت این ایده ها پرداخته و به جمع بندی نظرات پردازید. بدون شک برای خلاقانه اندیشیدن باید فرهنگ خلاقیت را بر فضای جلسه حاکم کنید. اکنون شما باید تلاش کنید که با کلاه آبی که بر سر گذاشته اید به ارزیابی نتایج پرداخته و به یک جمع بندی مناسب برسید و در نهایت در جهت حل مشکل یا پی گیری مورد نظر تصمیم نهایی را بگیرید. بدون شک هر یک از اعضا می توانند کلاه آبی را به امانت گرفته و با آن به تفکر پردازند و در اتخاذ تصمیمات به شما کمک کنند. در پایان شما درمی یابید هنگامی که جلسه را این گونه مدیریت می کنید، دیگر تنها شاهد آن نخواهید بود که یک فرد تنها با کلاه سیاه به جلسه قدم بگذارد و یا فرد دیگری تنها با کلاه قرمز تفکر کند؛ بلکه همه مجبورند با شش کلاه مذکور تفکر کنند و اندیشه های ذهن خود را ارائه کنند.

### ج) گردش تخیلی

#### ج) گردش تخیلی

در سال ۱۶۹۱م. روان شناسی به نام گوردون نتایج پژوهش های ۱۰ ساله خود را درباره افراد خلاق منتشر کرد و ضمن آن اعلام داشت که ذهن

آدمی به هنگام ابراز خلاقیت و ابتکار، در یک حالت خاص روانی است که اگر بتوانیم آن حالت را ایجاد کنیم، خلاقیت، امکان وجود می یابد. او در گروه های ایجاد خلاقیت، اعضای گروه را از راه به کارگیری یک جریان تمثیلی و استعاره ای به گردش تخیلی ترغیب می کرد و در این حالت، ایده ها و نظرات بدیعی را کشف می کرد. ذهن افراد در این گردش خیالی، با دستاویز استعاره ها به نکاتی نو که هدف جلسه خلاقیت بود، می رسید و روابط تازه ای را میان پدیده ها پیدا می کرد. آنان پدیده هایی را که چندان تجانسی با هم نداشتند، ترکیب می کردند و به ایده های نوینی دست می یافتند. در جلسات خلاقیت، به کمک استعاره و تخیل کار ترکیب در ذهن افراد انجام می گرفت. از این رو، روش گوردون را شیوه تلفیق نامتجانس ها نیز نامیده اند.

### **(د) تهییج ذهنی یا تکنیک گوردون**

(د) تهییج ذهنی یا تکنیک گوردون

روشی است بسیار مناسب جهت یافتن راه حل های جدید برای مسئله و نیز برای اکتشافات علمی و فنی. این روش، فرآیندی خاص و منحصر به فرد و در عین حال مؤثر دارد. فرایند به کارگیری این رویکرد، عبارت است از: الف) شناسایی و تجزیه و تحلیل مشکل به منظور رسیدن به ماهیت و جوهره آن؛ ب) کشف راه حل هایی برای آن جوهره از راه دیدگاه غیرمرتبط با موضوع؛ ج) تلاش برای تبدیل راه حل های به دست آمده به راه حل نهایی. در جلسه هایی که از این روش استفاده می شود، فقط رهبر گروه از اصل موضوع آگاهی دارد و موضوعی که مطرح می شود، دقیقاً اصل موضوع نیست، بلکه موضوعی نزدیک به آن است.

### **(ه) تفکر موازی**

(ه) تفکر موازی

واضع این شیوه ادوارد دوبونو، روش معمول تفکر را همانند حفر گودالی توصیف می کند که با افزایش اطلاعات فرد، همان گودال را عمیق تر



می سازد و از دیدن جاهای دیگر برای حفر کردن باز می ماند. درحالی که تفکر موازی، نگاه فرد را به نقاط جدید معطوف می سازد و اطلاعات و تجربه های جدید تنها به اندیشه های قبلی افزوده نمی شود، بلکه آنها را تغییر می دهد و الگو و ساختار جدیدی را ایجاد می کند. یکی از راه های تحقق تفکر موازی، ایجاد یک اندیشه واسطه غیرممکن است. این اندیشه سبب گسترده شدن فکر و ذهن می شود و با تعدیل آن می توان، به اندیشه نو و عملی دست یافت. راه دیگر در تفکر موازی، پیوند تصادفی است. فرض کنید کتاب فرهنگ لغت را می گشایید و لغاتی را می خوانید و می کوشید تا آن را با موضوع مورد نظر پیوند دهید و به نتیجه ای برسید. در این کار، شما از روش پیوند تصادفی استفاده کرده اید.

## **(و) ارتباط اجباری**

(و) ارتباط اجباری

یکی دیگر از شیوه های آشکار ساختن خلاقیت ها و ظاهر ساختن توانایی آفرینندگی موجود در افراد، شیوه ارتباط اجباری است. در این شیوه همان گونه که از نام آن استفاده می شود، باید میان دو گروه از پدیده ها ارتباطی اجباری ایجاد کرد.

## **۱۱. نقش مدیر در پرورش خلاقیت**

۱۱. نقش مدیر در پرورش خلاقیت

نقش مدیریت در مجموعه هایی که خلاقیت و نوآوری از ضرورت ها و عامل اصلی است، بسیار مهم و حساس است؛ زیرا مدیریت می تواند توانایی و استعداد خلاقیت و نوآوری را در افراد ایجاد، ترویج و تشویق کند یا رفتار و عملکرد آنها می تواند از این امر حیاتی مانع شود. هنر مدیر خلاق، عبارت است از استفاده از خلاقیت دیگران و پیدا کردن ذهن های خلاق. مدیر خلاق باید فضایی بیافریند که خود بتواند خلاق باشد و افراد سازمان را نیز برای خلاقیت تحریک کند و این فضا، فضایی است که از کار روزمره به دور است و به نوعی تفویض اختیار می کند تا

ص: ۶۰

هر کسی خود، مشکل خود را حل کند. برای اینکه افراد در سازمان به تفکر پردازند، باید محیطی ایجاد شود که در آن به پیشنهادها و اندیشه‌ها امکان بروز داده شود. یکی از شیوه‌های بسیار مهم و پرجاذبه، پرورش شخصیت انسان‌ها و نیز خلاقیت و نوآوری و حتی رشد اجتماعی، مشورت است و بدون تردید، افرادی که اهل مشورت هستند، از عقل و فکر بیشتری بهره‌مندند و آنان که اهل آن نیستند، از این امتیاز بهره‌ای ندارند.

مدیر خلاق، کسی است که کارها را به دست همه کارکنان به انجام می‌رساند. مدیران خلاق، ویژگی‌های متعددی دارند که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. ایجاد هم‌سوایی بین اهداف فردی و اهداف سازمانی؛

۲. رایج کردن نظام آموزشی مستمر و همگانی؛

۳. ترویج کار تیمی و برقراری ارتباطات همه‌جانبه؛

۴. تمرکز روی فرآیندها و ترویج تفکر نظام‌مند به جای تمرکز روی افراد و گروه‌ها؛

۵. ریسک‌پذیری و فرصت‌تلقی کردن اشتباه‌ها و از بین بردن ترس از پی‌آمدهای اشتباه‌ها؛

۶. به حداقل رساندن کنترل از بیرون و ترویج خودارزیابی؛

۷. محدود نکردن کارکنان با کاهش تقسیم کار و دادن حداکثر آزادی عمل به آنها؛

۸. تمرکز روی مشتری و ترویج فرهنگ مشتری‌مداری در سازمان؛

۹. تحمل راه‌ها و پیشنهادهای غیرعملی و حتی دور از ذهن؛

۱۰. تحمل تضاد در آرا و عقاید کارکنان و فرصت‌تلقی کردن آنها (هماهنگی و توافق کامل بین کارکنان و واحدها، لزوماً به عملکرد موفق منجر نمی‌شود).

شب چنین با روز اندر اعتناق

مختلف در صورت اما اتفاق

روز و شب این هر دو ضد و دشمن اند

لیک هر یک بر حقیقت می تنند

هر یکی خواهان دیگر همچو خویش

از پی تکمیل فعل و کار خویش

مولوی

ص: ۶۲

## بخش دوم: نوآوری در بستر تولید علم و توسعه علمی (عوامل، موانع و راه کارها)

### اشاره

بخش دوم: نوآوری در بستر تولید علم و توسعه علمی (عوامل، موانع و راه کارها)

زیر فصل ها

ص: ۶۳



جنبش نرم افزاری که خواست حضرت امام رحمه الله و رهبر فرزانه انقلاب است، افق جدیدی را برای حوزه و دانشگاه گشود. بعد از پایان جنگ تحمیلی، حضرت امام خطاب به نیروهای بسیجی فرمود که من فرزندان بسیجی ام را به یک جهاد علمی دعوت می کنم و در سال ۱۳۷۵ نیز مقام معظم رهبری در دانشگاه «امیرکبیر» برای نخستین بار بحث جنبش نرم افزاری را مطرح کرد. در سال ۱۳۸۱ نیز ایشان در پاسخ جمعی از فضلاء حوزه علمیه درباره جنبش نرم افزاری، پاسخی ارائه داد که از آن، به عنوان منشور فرزاندگی یاد می شود. امروز این دعوت ها آثار خود را تا حدودی نمایانده است. در سالیان اخیر کشورمان توسعه علم و شاخص های مربوط به وضع دانش را شاهد است که رشد فزاینده ای یافته اند. آمار کتاب های منتشر شده، آمار مقاله های نمایه زده شده در آی.اس.آی و دیگر مجامع بین المللی، آمار دانشجویان، رتبه های علمی اعضای هیئت علمی در دانشگاه ها و نیز افزایش دانشیاران و استادان و پژوهشگران، همه نشان دهنده رشد و بالندگی علمی کشور است. در سال ۱۳۵۷ به ازای هر یک میلیون نفر، ۴۶ پژوهش گر وجود داشت و امروز این آمار به هفتصد پژوهشگر در هر میلیون نفر افزایش یافته است. در حوزه علمیه دگرگونی های بسیار خوبی رخ داده و با پیدایش نسل جدید در حوزه ها و دانشگاه ها و همچنین آشنایی آنان با آموزه های دینی و با علوم روز؛

وجود نهادهای تلفیقی در حوزه و دانشگاه، نشانگر تحول علمی در کشور است. در این مراکز تولید علم و ابتکار و خلاقیت، به ارزش عمومی تبدیل شده و موفقیت جوانان دانشجو و دانش آموز در المپیادهای بین المللی و نیز توجه به نظم و نسق دادن، به نظام آموزشی در کشور، به گونه ای که وابسته به پژوهش باشد، افزایش یافته است. با این حال، تا دست یابی به کمال راه درازی در پیش است. برای مثال درصد پژوهش گران در کشور ما در مقایسه با ژاپن که در هر یک میلیون نفر، ۴۹۰۰ نفر است، بسیار کمتر است. بنابراین، شایسته است درباره موانع و فرصت های این جنبش تحقیق شود تا با دیدی روشن و اراده ای استوار گام های ناپیموده برداشته شود.

ص: ۶۶

فصل اول: تولید علم و توسعه علمی

زیر فصل ها

۱. تولید علم

۲. فرهنگ و تولید علم

۳. ویژگی های فرهنگ علمی

۴. تولید و نوآوری بر اساس دو بال علم و ایمان

۵. ارتباط تولید علم و توسعه علمی

۶. ضرورت پرچمداری تولید علم در جهان اسلام

۷. عوامل بازدارنده پیشرفت و تعالی همه جانبه در ایران

۸. نگاه هدف مند و مولد به علم

۹. پایگاه توسعه علمی

۱۰. موانع توسعه علمی

۱۱. راه کارهای توسعه علمی

### ۱. تولید علم

۱. تولید علم

اصطلاح تولید علم، گفتمان جدید و متناسب با دگرگونی های اخیر در صحنه جامعه بشری است؛ زیرا در گذشته روند تدریجی افزایش و گسترش دامنه علوم به اندازه ای کند بود که مقوله تولید علم چندان مفهوم و اعتباری نداشت. حال آنکه در سه قرن گذشته، علم بیش از پیش در شکل گیری قدرت، ثروت، رفاه و دگرگونی های گوناگون فرهنگی و اجتماعی ایفای نقش کرده است. به گونه ای که به علم به صورت مستقل به عنوان عاملی تأثیرگذار در سطح بین المللی، توجه شده و به یکی از بحث های محوری در اقتدار ملی و استقلال، تولید، رفاه، امنیت و دفاع تبدیل شده است. بدین ترتیب، از جمله



شاخص‌ها و معیارهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و موقعیت و جایگاه بین‌المللی هر کشور؛ میزان تولید علم، نوآوری و نظریه پردازی و مطرح‌بودن در صحنه‌های علمی، پژوهشی و اختراع‌ها و میزان سرمایه‌گذاری ملی در این زمینه است.

در چنین دنیایی با شعار تنها و بدون پشتوانه فن‌آورانه و پژوهش‌ها نمی‌توان وارد میدان شد. حرکت و تغییر که زیربنای آن، تولید علم به شمار می‌آید، موضوع دنیای امروز است. زمانی کشوری که بیشترین منابع زیرزمینی را

ص: ۶۷

داشت، کشور ثروتمند قلمداد می شد، ولی امروزه ثروت در دنیا عبارت از علم و فن آوری است.

هر کشوری که بخواهد اقتصاد پرتوان و موفق داشته باشد، چاره ای جز حرکت به سوی علم و تولید آن و گسترش فن آوری ندارد. لازمه تولید علم نیز داشتن انگیزه و هدف از یک سو و بهره مندی از ارتباط، دانش فنی و ابتکار و نوآوری از سوی دیگر است. تولید علم، در حقیقت حاصل خردورزی عالم برای گستراندن افق شناخت و کشف ناشناخته ها است. به عبارتی در فرآیند تولید علم، محور، نیروی انسانی متعهد و کارآمد است که تربیت آن بیشتر بر عهده [مراکز علمی] است. باید توجه داشت که توان مندی، توسعه و انتقال واقعی کشورها نسبت مستقیم با توانایی آنها در تولید علم، توسعه علمی و پژوهشی دارد.

متأسفانه در حال حاضر بسیاری از مسلمانان، مصرف کننده و تماشاگر تولیدات علمی، نظریه پردازی ها و نوآوری های دیگران، نه تنها در علوم مادی و طبیعی، بلکه در علوم انسانی و اجتماعی است. حال آنکه خودشان روزی تغذیه کنندگان علمی جهان و غلبه کنندگان بر تمامی نظام های فرهنگی، حکومتی و دینی بوده اند. نتیجه چنین وضعی، وابستگی شدید اقتصادی - صنعتی، سلطه پذیری سیاسی - فرهنگی، انزوای علمی و پدید آمدن مشکلات اداری - اجتماعی در دو قرن اخیر بوده است، در حقیقت تا زمانی که زمینه های ظهور و بروز خلاقیت های فکری و تولید علم و پژوهش به وجود نیاید، هر چه وارد شود، مصرفی و موقتی و تحمیلی خواهد بود و به رشد و افزایش کمی و کیفی سطح زندگی مادی و معنوی آنان کمکی نخواهد کرد. آخرین و پیچیده ترین تکنیک که در اختیار کشوری قرار می گیرد، با گذشت زمان ارزش خود را از دست می دهد و

غیراقتصادی و در مواردی توجیه ناپذیر و زیان آور می شود. در نتیجه، فن و ابزار جدیدتری مورد نیاز است و این جریان و وابستگی ناشی از آن، همچنان ادامه دارد! مگر آنکه مدیریت و برنامه ریزی قوی و علمی ای بتواند، به رشد و گسترش همان فن آوری در زمینه های مختلف همت نماید و بهره گیری از آن را برای ابزارهای پیشرفته تر و کارآمدتر پی گیری کند.

در زمینه علوم انسانی و اجتماعی نیز مشابه چنین وضعی دیده می شود. زمانی نظریه ای را ارائه و تمامی رویکردها و جهت گیری را شکل می دهند و مدتی بعد نظریه ای جدید و باطل کننده نظریه پیش را عرضه و به کشورهای دیگر صادر می کنند! آنچه در طول دو قرن گذشته شاهد بوده ایم، ظهور نظریه های گوناگون همراه با مدهای رنگارنگ در هر زمینه مانند انواع خوردنی ها و پوشیدنی ها از اروپا و امریکا صادر می شد و صدور آنها به عنوان بهترین و مناسب ترین ایده و کالا به شمار می رفته و مصرف آنها بیشتر در کشورهای زیر سلطه بوده است.

امام علی بن ابی طالب (ع) در حدیثی فرمود:

لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَ وَلَدُكَ وَ لَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ وَ أَنْ يَعْظُمَ حِلْمُكَ. (۱)

خیر و خوشایند بودن، این نیست که ثروت و فرزند را زیاد کنی، بلکه خوشایندتر این است که بر دانشت بیفزایی و حلمت را زیاد کنی.

در این کلام، خیر در علم و بردباری خلاصه شده و نظیر چنین بیانی در آیه های متعددی از قرآن کریم از جمله «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» نیز آمده است؛ زیرا نادانی و ضعف، مقدمه اسارت است.

ملتی که مصرف کننده اندیشه ها، پژوهش ها و دست آوردهای علمی و فکری دیگران باشد و از خود، آفرینش، خودجوشی، تولید و خلاقیت

ص: ۶۹

نداشته باشد و منتظر است تا دیگران چه می گویند و چه می خواهند، چنین ملتی هیچ آینده ای جز اسارت و عقب ماندگی و خواری ندارد.

هنگامی که عقل و علم حاکم نباشد و اداره امور و برنامه ریزی ها با احساس کور، تعصب و بدون محاسبه همراه شود، رشد و پیشرفت روی نخواهد داد. بر پایه چنین برداشتی، اندیشیدن، خردورزی و پژوهش باید آن چنان گسترده و حاکم باشد که همه امور بر مبنای استدلال، محاسبه، برنامه و علت یابی و آینده نگری شکل گیرد و به اجرا درآید و از لوازم و ضرورت های نخستین و بنیادی حرکت فردی و جمعی به سوی هدف ها تعیین شده باشد.

یکی از شیوه های تمایز میان جهان صنعتی و جهان سوم این است که اولی، محاسبه و بهره برداری علمی از آن را در تمامی شئون زندگی اعمال کرده و دیگری در آن به درجه های مختلف ضعیف است. جهان صنعتی از راه «نهادینه کردن محاسبه»، بر جهان سوم مسلط شده است. هنگامی که محاسبه اصالت یافت، به طور منطقی روش اصالت می یابد. بنابراین، ذهن محاسبه گر، یک ذهن روش شناس است. محاسبه روش، کاربرد، افزایش تولید و در نتیجه قدرت و تسلط سیاسی، همه با تسلسل منطقی به دنبال هم و تشدیدکننده یکدیگر قرار گرفتند.

## ۲. فرهنگ و تولید علم

### ۲. فرهنگ و تولید علم

فرهنگ، عصاره زندگی اجتماعی است و در تمامی افکار، هدف ها، معیارها و ارزش گذاری ها، فعالیت های فردی و اجتماعی انسان منعکس می شود. بر اساس این تعریف، انسان با اتکای به فرهنگ، با جهان و جامعه برخورد می کند.

بنابراین، چگونگی تفسیر قضایای جهان و راه های تغییر شرایط در جهت هدف ها، بستگی به دیدگاه های فرهنگی دارد. انسان و فرهنگ بر روی یکدیگر تأثیر متقابل دارند. اوضاع و شرایط تا حدود زیادی معلول

عوامل فرهنگی است و از سوی دیگر، دگرگونی های فکری و فرهنگی، تابعی از شرایط اجتماعی و مادی است.

جنبه های مادی فرهنگ، سریع تر منتقل می شوند و جوامع را تحت تأثیر سخت افزاری قرار می دهد. اما این انتقال برای تأثیر، بر همه جنبه های فرهنگی، کافی نیست. افکار، عقاید، معیارها و خواسته ها در کوتاه مدت دگرگون نمی شوند. این فاصله زمانی میان دگرگونی های سخت افزاری و دگرگونی های فرهنگی و نرم افزاری را «عقب ماندگی فرهنگی» می گویند.

بسیاری از کشورها (از جمله شین نشین های حاشیه خلیج فارس) در کنار ابتدایی ترین شکل زندگی فرهنگی، از آخرین وسایل پیشرفته الکترونیکی و ساختمان های بسیار مجهز و گران استفاده می کنند. آنها در حالی مصرف کننده آخرین دست آوردهای مادی و صنعتی دیگران هستند که فرهنگی کاملاً متفاوت با جامعه و فرهنگ تولیدکنندگان کالاهای مزبور دارند.

با گسترش و شتاب یافتن ارتباطات و افزایش مبادله ها، نقش و قلمرو فرهنگ و جنبه های مختلف آن گسترش می یابد و تأثیرگذاری آن سریع تر می شود. در این میان، عده ای نیز می خواهند این امر به تدریج پدیده ای جهانی شود. وضع حال و آینده به گونه ای است که در بسیاری از دگرگونی های فرهنگ، تعیین کننده و سرنوشت ساز شده است.

اگر در گذشته دیدگاه ها و رویکردهایی مبنی بر روبنا بودن فرهنگ و تأثیرپذیری از دیگر جنبه های اجتماعی وجود داشت، رویکرد امروز، توجه ویژه به نقش، اهمیت و قلمرو فرهنگ و قدرت تولید علم و چگونگی تأثیرگذاری و نفوذ در ساختار حکومت ها و تأثیرپذیری و نیازهای آن است.

فرهنگ و قدرت تولید علم، در دگرگونی های مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش مهمی ایفا می کند و در کشورهای صنعتی، به عنوان

یکی از بزرگ ترین زمینه های رشد و توسعه و عامل تداوم و گسترش سلطه به شمار می رود.

فرهنگ عمومی در عرصه های علوم و فن آوری، ارتباطات و سیاست، مطرح می شود و نفوذ خود را نشان می دهد. سرمایه گذاری شرکت های نفتی در زمینه فرهنگ و تلویزیون های جهانی، مراکز علمی و پژوهشی، دانشگاه ها و مطبوعات، تولید وسایل و ابزارهای علمی و پژوهشی و به کارگیری آنها در بسیاری از زمینه های آموزشی، فرهنگی و تربیتی، به منظور تقویت و گسترش فرهنگی علمی؛ نشانه ای از نقش فرهنگ عمومی در رسیدن به هدف های سیاسی و اقتصادی است.

### ۳. ویژگی های فرهنگ علمی

#### اشاره

۳. ویژگی های فرهنگ علمی

تولید علم و فرهنگ علمی، ارتباط مستقیم با فرهنگ عمومی، دیدگاه ها و سیاست های حاکمیت دارد. فرهنگ علمی زمانی به صورت یک جریان عمومی و ملی در می آید که برای مردم و یا دست کم بیشتر آنان فهمیدنی و پذیرفتنی باشد. مهم ترین ویژگی های فرهنگ علمی، عبارتند از:

#### الف) ارزش بودن اندیشه علمی

الف) ارزش بودن اندیشه علمی

اندیشه علمی، داشتن توان درک پدیده های پیچیده، کشف روابط، قانون مندی ها و فرآیندهاست. شخصی که توان کافی در اندیشیدن برای شناخت پدیده ها، فرآیندها و سلسله علت ها و معلول ها را نداشته باشد، نمی تواند نظم علمی یا نظری را کشف و تولید علم یا نظریه پردازی کند. وجود افراد زیادی که چنین توانایی و همتی دارند، جامعه را قادر می سازد که به تدریج با اختراع ها، نوآوری و ابتکار، پیشرفت و توسعه را شتاب دهند.

امام صادق(ع) فرمود:

ص: ۷۲

إِنَّمَا يَهْلِكُ النَّاسُ لَأَنَّهُمْ لَا يَسْأَلُونَ. (۱)

مردم از این جهت، رو به تباهی و سقوط می روند که پژوهش، کنجکاوی و پرسش گری ندارند.

امام علی (ع) فرمود:

تَفَكَّرْكَ يُفِيدُكَ الْإِسْتِبْصَارَ وَ يَكْسِبُكَ الْإِعْتِبَارَ. (۲)

اندیشه تو، تولید کننده شناخت و بینش و اعتباردهنده به تو است.

### (ب) قدرت علمی

ب) قدرت علمی

تقویت توان علمی و نوآوری، نیازمند قدرت فکری و کشف پدیده ها و موضوع های جدید است. پژوهشگری که می خواهد افق های جدید و نظریه های دقیق ارائه کند، باید کار نظری بکند و عالمی که صاحب بینش باشد، می تواند در مسیر ایجاد قالب ها و چارچوب های نظری گام بگذارد و از درون آنها به طرف شناخت هایی پیچیده حرکت کند؛ زیرا تولید علم، نظریه پردازی و نوآوری، به عنوان مخرج مشترک همه علوم به ویژه علوم انسانی است. کسانی که در علوم انسانی توانسته اند تحول و دگرگونی به وجود آورند، پشتوانه نظری و فکری قوی و عمیق داشته اند.

امام خمینی رحمه الله توجه ویژه ای به پژوهش، کاوش و نوآوری داشت و با وجود موقعیت و شرایط ویژه کشور، در وصیت نامه خود، با درک و اهمیت موضوع و با هشپاری ستودنی نوشت:

لازم است علما و مدرسان محترم نگذارند در درس هایی که مربوط به فقاقت است و حوزه های فقهی و اصولی، از طریقه مشایخ معظم - که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است - منحرف شوند. (۳) و کوشش نمایند که هر روز دقت ها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیق ها افزوده شود و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق

ص: ۷۳

۱- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰.

۲- ابن تیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص ۵۸، ح ۵۷۶.

۳- امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۸۹.

است، محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه شود و البته در رشته های دیگر علوم، به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه هایی تهیه خواهد شد و رجالی در آن رشته تربیت باید بشود.

### ج) توان تولید فکر و نظریه

ج) توان تولید فکر و نظریه

پژوهش گر و دانش پژوهش توانا و موفق، کسی است که بتواند دانسته ها و تجربه های خود را جمع بندی کند و با استدلال، به نتیجه گیری جدید برسد. چنین فرهنگ و روحیه ای که از دریافت ها و اندیشه های خود، ترکیب و تحلیل جدیدی ارائه می کند، توان قیاس و استقرا دارد و تربیت چنین افرادی، نیازمند تلاش ویژه و نظام آموزشی خلاق است.

### د) شخصیت علمی

د) شخصیت علمی

پژوهش گر و عالم موفق، کسی است که اعتماد به نفس و پشتوانه شخصی و علمی، او را نیرومند و مقاوم کرده است، به گونه ای که به فرهنگ مخالفت و فرهنگ موافقت رسیده است و از چگونگی برخورد با اندیشه و آزادی اندیشه، نگرانی ندارد و به این جریان، آگاه و معتقد است.

شخصیت علمی، جدای از کار علمی و تحقیقی نیست و پژوهش گری که اعتماد به نفس بیشتری دارد، معمولاً اندیشه و توان و قدرت تولید علمی بیشتری دارد.

چنین شخصیتی، فروتنی اخلاقی و علمی را جزئی از شخصیت خود می داند و خود را و دیدگاه هایش را مطلق نمی داند و به آنها فخر نمی فروشد. همراهی علم و اخلاق، فقط جنبه تزینی، نمایشی، فردی و جزئی ندارد، بلکه ضرورت و شایستگی ایجاد می کند که برای افزایش علم، نقدپذیری، جامعه گرایی، جمع آوری دیدگاه ها، دوری گزیدن از ویژگی های تکبر، فرد گرایی و استبداد رأی؛ اخلاق و فرهنگ عمومی و گفتمان، چیره بشود.

آن روز که سهم «آزادی»، سهم «اخلاق» و سهم «منطق» همه یکجا و در کنار یکدیگر ادا شود، آغاز روند خلاقیت علمی و فرهنگی و اندیشه



بالنده دینی در این جامعه است و کلید جنبش تولید نرم افزار علمی و دینی، در کلیه علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی زده شده است».

#### ۴. تولید و نوآوری بر اساس دو بال علم و ایمان

۴. تولید و نوآوری بر اساس دو بال علم و ایمان

انسان، تنها موجودی است که به علت بهره مندی از عقل، قدرت اندیشیدن، استنتاج، کشف و نوآوری می تواند برای شناخت خود، جهان، جامعه و برقراری روابط با آنها بکوشد و موفقیت هایی به دست آورد. از سوی دیگر، لازمه چیرگی بر دشمن آراستگی به نیروی علم، تفکر، تدبیر و محاسبه است.

جامعه ای که به فرهنگ علمی و پشتیبانی حاکمیت از علم و پژوهش مجهز باشد، زمینه های رشد و بهبود و پیشرفت در وضع موجود را دارد و در صورتی که با ایمان به خدا و ارزش های الهی پیوند داشته باشد، می تواند در جهت انسانی و ارزش های متعالی و افزایش روند کیفی زندگی حرکت کند.

لازمه هر گونه توسعه و پیشرفتی، دگرگونی در باورها، فرهنگ عمومی و معیارهای مبتنی بر تولید علم و نظریه پردازی است. جنبش نرم افزاری در واقع حاصل رواج تفکر علم مداری، شایسته سالاری و حاکمیت قانون و ارزش هاست. ازاین رو، عقلانیت، برنامه ریزی و نظم و امنیت، از لوازم تحقق چنین حرکتی به شمار می روند.

نظام آموزشی و محتوای درس ها، جهت گیری ها و سیاست های اداری و فرهنگ عمومی، بالاترین و مهم ترین اثرگذاری و اثرپذیری را بر جریان تولید علم، جایگاه عالم و پژوهشگر و در نتیجه، دگرگونی های مثبت یا منفی جامعه و حکومت دارند. ازاین رو، شناخت جنبه های مثبت و منفی و چگونگی برخورد و اصلاح نظام آموزشی امری ناگزیر است.

در جهان آفرینش، انسان موجودی منحصر به فرد است که از جمله ویژگی های او کمال جویی، برتری طلبی و رشد و پویایی است.

بنابراین، برای حرکت در مسیر خواسته ذاتی، طبیعی و فطری خود، بهره گیری از عقل، اندیشه، خردورزی و تدبیر را ضروری و بهره گیری از علم، آگاهی و پژوهش لازمه این حرکت و نوآوری، کشف و اختراع را نتیجه می داند. ضمن آنکه رشد و پیشرفت در وضع کنونی خود را هدف قرار داده است.

از ویژگی های جهان بینی اسلام، واقع بینی و درک قوانین حاکم بر جهان و جوامع است. از این رو، «علم مدار»، «عقل گرا» و دوست دار «تفکر بنیاد» و دشمن «تحجر»، «تبعیت کورکورانه» و «تصلب در شکل و قالب ها» است.

با مطالعه تاریخ تمدن ها، ظهور و افول آنها، مشخص می شود که دو عامل، بیش از دیگر عوامل تعیین کننده و سرنوشت ساز بوده است. نخست موقعیت و ارزش علم، عالم، تعلیم و پژوهش و در نتیجه، نوآوری، ابداع و سرانجام قدرت ناشی از آن است و عامل دوم که بی ارتباط با آن نیست، ایمان، اخلاق و جهان بینی حاکم است. پس دو بال علم و ایمان، در درازمدت تعیین کننده وضع و چگونگی حرکت صعودی یا نزولی تمدن ها، دولت ها، انقلاب ها، و نظام های سیاسی - اجتماعی بوده است.

هیچ تحول مثبت، سازنده و بنیادی در جهت رشد و کمال انسان (تأکید بر رشد و کمال نه توسعه به معنای متعارف که نیازمند پژوهش مستقل است) شکل نمی گیرد و ریشه دار نمی شود، مگر اینکه جریان عمومی و ارزش گذاری فردی و اجتماعی، برنامه ریزی ها، قانون گذاری ها و سیاست گذاری بر مبنای علم و تحقیق و با تکیه بر نوآوری ها، تولید علم و یافته های جدید باشد.

امام خمینی رحمه الله در وصیت نامه سیاسی - الهی خود در این زمینه چنین می گوید:

... بدانید مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفته، دست خود را پیش دیگران دراز کنید و به در یوزگی عمر را بگذرانید، قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد و به خوبی و عینیت دیدید که در این مدت کوتاه پس از تحریم اقتصادی، همان ها که از ساختن هر چیز خود را عاجز می دیدند و از راه انداختن کارخانه ها آنان را مأیوس می نمودند، افکار خود را به کار بستند و بسیاری از احتیاجات ارتش و کارخانه ها را خود رفع نمودند و این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم. اکنون اگر دولت و ارتش کالاهای جهان خواران را خود تحریم کنند و به کوشش و سعی در راه ابتکار بیفزایند، امید است که کشور خودکفا شود و از در یوزگی دشمن نجات یابد. (۱)

## ۵. ارتباط تولید علم و توسعه علمی

### ۵. ارتباط تولید علم و توسعه علمی

پویایی شگرف علمی، در شناخت جهان هدف دار و قانونمند، با اتکا به خلاقیت های نهفته الهی و قوه فعال اندیشه و ارزش بخشیدن به مرتبه تفکر، تعلیم و تعلم، به نوآفرینی و پیشرفت فضای عمومی زندگی و تمدن بشری منجر شده است. این پیشرفت تمدن، حاصل برخورد و تلفیق فرهنگ ها و تمدن های گوناگون و نتیجه فرآیند رشدیابنده ای در جنبه های مختلف است که توان مندی، توسعه و استقلال واقعی کشورها را که نسبت مستقیم با توانایی آنها در تولید علم، توسعه علمی و پژوهشی دارد، در بر می گیرد.

جامعه ما در حال گذر از حساس ترین تحول تاریخی خود است، یعنی گذر از توسعه نیافتگی به توسعه. توسعه در جوامعی نظیر ما، از توسعه علمی آغاز می شود. اگر علم توسعه پیدا کند، سیاست و اقتصاد نیز توسعه می یابند. باید توجه داشت صرف توجه به فضایل علم و حتی پذیرش الزامی آن، توسعه علمی به دست نمی آید. توسعه علمی، به

ص: ۷۷

معنای اتکای جامعه به روش و دانش عقلانی و علمی برای حل مسائل زندگی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که با وجود وابسته بودن به مسائل اجرایی، زمینه های نظری و پایداری نیز دارد؟

برای بالا بردن شناخت و معرفت جامعه در همه زمینه ها، باید بیش از پیش نیازمند توسعه علمی بود و برای تحقق توسعه علمی، باید زمینه تولید علمی را فراهم کرد و توجه داشت که تولید علم، یکی از نشانه های مهم آفرینش فرهنگی و حیات امروز است که تنها در یک مجموعه و منظومه خلاق و مبتکر انجام می پذیرد.

مسئله تولید و توسعه علمی را بدون توجه به مسائل فرهنگی و جایگاه اجتماعی آن نمی توان حل و بیان کرد و باید دانست که پیشرفت هر کشوری در گرو تحول فکری و فرهنگی و نهادینه کردن خردورزی است. منظور از دگرگونی فرهنگی و علمی، منطقی کردن نظام باورها و ارتباطات اجتماعی و در نهایت، تولید علم برای حل مسائل جامعه است.

توسعه در جوامعی نظیر کشورهای در حال رشد، از توسعه علمی آغاز می شود. اگر علم توسعه پیدا کند، سیاست، اقتصاد و مدیریت نیز توسعه می یابد و لازمه توسعه علمی، تولید علم است؛ علمی که امروزه مبنای پیشرفت کشورها به شمار می آید.

## ۶. ضرورت پرچمداری تولید علم در جهان اسلام

۶. ضرورت پرچمداری تولید علم در جهان اسلام

کسانی که با متون دینی مسلمانان آشنا باشند، بدون شک به توجه اسلام به تحصیل دانش، تعلیم دانش و گسترش علم پی می برند و آنان که با تاریخ علم در جهان آشنا هستند، می دانند که نقش دانشمندان مسلمان در تولید علم کنونی تا چه اندازه برجسته بوده است.

در اینکه مسلمانان در روزگاران گذشته در پیدایش، گسترش و تولید علم نقش داشته اند شکی نیست، ولی این پرسش مطرح است که آیا

امروز نیز ضرورت دارد مسلمانان در این میدان فعال شوند یا نه؟ و آیا نمی توان تنها به استفاده از دست آورد دیگران در این زمینه ها بسنده کرد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت: در جهان کنونی به دلیل بیداری مسلمانان در قرن اخیر به واسطه انقلاب اسلامی ایران، نمی توانیم نظاره گر صرف پیشرفت علم باشیم و از دست آوردهای علمی دیگران استفاده کنیم، بلکه باید خودمان با جدیت فراوان وارد این میدان شویم و همان گونه که پرچمداری حدیث بیداری مسلمانان را در اختیار داریم، پرچمداری تولید علم را دست کم در دنیای اسلام در اختیار داشته باشیم. با کمترین توجه به جهان امروز و درک روابط بین المللی می توان به این ضرورت پی برد، ولی برای روشن تر شدن بحث، به بعضی از مواردی که این ضرورت را ایجاب می کند، اشاره می کنیم. جاودانی و جهانی بودن اسلام، جامع بودن و گسترش یافتن دین و رشد علوم از آن جمله اند.

درباره رشد علوم باید گفت: نیاز بشر به اختراع و اکتشاف، به قدمت تاریخ بشر می رسد. بر این اساس، رشد علم هرگز متوقف نشده است، بلکه هر چه زمان جلوتر آمده، بر سرعت آن افزوده شده است. با این تفاوت که محیط رشد و عوامل رشددهنده او متفاوت بوده اند. رشد علوم، گرچه با انگیزه رفع مشکلات بشر و ایجاد آسایش برای او ادامه یافته است، برای دین، هم آثار مثبت و هم آثار منفی داشته است. در کنار آثار مثبت فراوان آن، دست کم دو محور آثار منفی برای دین داران، نه برای دین، به دنبال داشته است که این دو عبارتند از:

۱. رشد علوم، در مواردی با متون دینی تعارض پیدا کرده است، به خصوص در قرون وسطا و دین مسیحیت که این امر، از خرافی بودن آن متون حکایت دارد، همانند عمر دنیا، آفرینش جهان رشد علوم تجربی در دوره رنسانس، نه تنها قداست کتاب مقدس را به تردید جدی دچار کرد

بلکه بسیاری از باورهای آنان را نیز مورد شک و تردید قرار داد و کلیسا را در مقابل دانشمندان و علم نهاد. برخورد کلیسایان، آثار بسیار منفی برای همه دین ها و دین داران در پی داشت که خود، قصه ای غم انگیز دارد.

۲. رشد علوم در مواردی احکام و عقاید دینی را به چالش کشیده است.

الف) درگیری کفر جهانی و محروم ماندن از امکانات جهانی: تقابل اندیشه توحیدی و کفر، تقابلی فکری و تاریخی است، ولی امروز این تقابل به درگیری فیزیکی کشیده شده است. با این تفاوت که جبهه کفر در کفرشان متحد، ولی جبهه مسلمانان در اسلام شان پراکنده هستند. در نتیجه، جبهه کفر نه تنها از تمام توانمندی های جهانی برای مبارزه با اسلام استفاده می کند، بلکه از امکانات کشورهای اسلامی نیز سود می جوید. با این تفاوت که در جبهه کفر، همه، مبارزه با اندیشه توحیدی را به عنوان یک اصل مسلم و استراتژی پذیرفته اند و تنها چهره های تبلیغاتی آن عوض می شود، مانند مبارزه با تروریسم و مبارزه برای حقوق بشر. در حالی که در جبهه مسلمانان، بسیاری از کسانی که جزو حاکمان کشورهای اسلامی هستند و باید در این میدان حضور فعال داشته باشند و ملت های اسلامی را آماده درگیری و رهبری کنند، خود یا از عوامل کفر جهانی هستند یا مرعوب کفر جهانی یا بی انگیزه نسبت به این رویارویی شده اند.

ب) ایجاد حکومت جهانی: گرچه مبارزه کفر با توحید، تاریخی است و در مقاطعی نیز پیروزی کفر را نشان داده است، این مبارزه یک روز باید به پایان برسد و در اندیشه توحیدی شیعی نیز روزی این درگیری (مبارزه کفر با توحید) به اوج خود خواهد رسید.

## ۷. عوامل بازدارنده پیشرفت و تعالی همه جانبه در ایران

### اشاره

۷. عوامل بازدارنده پیشرفت و تعالی همه جانبه در ایران

در صد سال اخیر کسانی که درباره موانع پیشرفت جامعه سخن گفته اند، معمولاً عواملی را که مانع پیشرفت جامعه شده اند، به دو بخش تقسیم کرده اند:

ص: ۸۰

۱. مداخله کشورهای خارجی، استعمار و انواع سلطه طلبی ها؛

۲. رژیم های سیاسی حاکم.

وجود این دو عامل انکارناشدنی است، ولی مسئله مهم تر از این دو عامل، وضع فرهنگی مردم است. به تعبیر دیگر، آسیب شناسی فرهنگی مردم ایران و اینکه به لحاظ فرهنگی، چه امور ناپسندی در ذهن و ضمیرشان رسوخ یافته است.

گاه وقتی گفته می شود که ما باید عوض شویم؛ یعنی تا ما رفتار اخلاقی سالمی نداشته باشیم، وضع مان بهبود پیدا نمی کند و این نکته گفته می شود که سود «سرانجام همه» در اخلاقی زیستن است. حال وضع فرهنگی و این اخلاقی زیستن، به یک سری نگرش های ذهنی نیز بستگی دارد که باید به آنها توجه کرد.

نگرش های ذهنی، اموری هستند که آگاهانه یا ناآگاهانه در ما راسخ شده اند و ما در همه کنش ها و واکنش ها تحت تأثیر این نگرش ها هستیم که لزوماً جنبه اخلاقی هم ندارد و برای تغییر آنها نباید رفتار اخلاقی ما تغییر کند. در مقابل، این نگرش ها هستند که اخلاق ما را به جهت ناسالمی می کشانند. آن بخش از مسائل فرهنگی که به نگرش ایرانیان مربوط می شود و با مسئله خلاقیت و تولید علم بی ارتباط نیست، به شرح زیر است:

## **الف) پیش داوری**

الف) پیش داوری

نخستین ویژگی که در ما وجود دارد، پیش داوری های فراوان درباره بسیاری از امور است. اگر هر کدام از ما به درون خودمان رجوع کنیم، پیش داوری های فراوان می بینیم. این پیش داوری ها در کنش و واکنش های اجتماعی ما تأثیرهای منفی زیادی دارد. منظور از پیش داوری، بیشتر پیش داوری منفی است. با این حال، ولی آثار ویرانگر آن به پیش داوری منفی منحصر نیست،

ص: ۸۱

بلکه پیش داوری های مثبت نیز آثار مخرب خود را دارد از جمله، خوش بینی های نابجا که درباره برخی افراد و گروه ها و لایه های اجتماعی داریم.

### **(ب) جزمیت و جمود**

(ب) جزمیت و جمود

نوعی جزمیت و جمود در ما ریشه کرده است. آنچه در ما وجود دارد و از آن به جزم و جمود تعبیر می شود، این مسئله است که باور ما یک زمینه دارد. برای مثال اگر ما معتقد باشیم که فلان گزاره درست است، این مشکل ساز نیست. حال اگر معتقد باشیم که فلان گزاره محال است که درست نباشد، این محال است و انسان را به انسان دیگری تبدیل می کند و کمتر پیش می آید که ما به چیزی معتقد باشیم و یک «محال است» به این اعتقادمان ضمیمه نشود.

به تعبیر دیگر وقتی ما یک عقیده داریم که فلان گزاره درست است، یک عقیده دوم داریم که گریزناپذیر است که فلان گزاره درست نباشد.

### **(ج) هم رنگی با جماعت**

(ج) هم رنگی با جماعت

به این معنا که ما هیچ گاه در برابر جمهوری ای که با آن سروکار داریم، نتوانستیم سخنی بگوییم که در مقابله با آن است و همیشه هم رنگ شدن با جماعت، برای ما مهم است.

### **(د) تلقین پذیری**

(د) تلقین پذیری

تلقین یعنی رأیی را بیان کردن و آرای مخالف را بیان نکردن و مخاطب را در معرض همین رأی قرار دادن. هر وقت شما در برابر هر عقیده ای نظر مخالفان آن را هم خواستید، نشان می دهد که تلقین پذیر نیستید. تلقین پذیری یعنی پذیرش تک آوایی.

### **ه- تقلید**

ه- تقلید

تقلید یعنی اینکه من آگاهانه یا ناآگاهانه از الگوی شخصی خاص پیروی کنم. به عبارت دیگر، من خودم را مانند تو می کنم و به تو شباهت می جویم و تقلید یعنی من تو را الگو گرفته ام.





## و) شخصیت پرستی

و) شخصیت پرستی

شخصیت پرستی به این معناست که خودمان را شکست خورده دیگران بدانیم و رفتار و باورهای آنان را مثبت و مطلق ارزیابی می‌کنیم. در نتیجه، اراده‌ای در جهت نقد و ارزیابی عقاید و افکارشان نداشته باشیم.

## ز) تعصب

ز) تعصب

تعصب هم‌افق با شخصیت پرستی است. تعصب به معنای چسبیدن به آنچه داریم و نگاه نکردن به چیزهای فراوانی که نداریم، به کار می‌رود. اگر من شیفته آنچه دارم شدم و فکر کردم که جای نداشته‌ها را هم برایم می‌گیرد، من به آن تعصب پیدا کرده‌ام و اینجاست که من در قبال کسانی که به آن مسئله وفاداری ندارند، دو دیدگاه پیدا می‌کنم. گروهی خودی می‌شوند و گروهی غیرخودی.

## ح) جدی نگرفتن زندگی

ح) جدی نگرفتن زندگی

انسان‌هایی که زندگی را جدی نمی‌گیرند، چیزهای مهم‌تر را برای چیزهای مهم رها می‌کنند. انسان‌هایی که در طول زندگی خطای تاکتیکی نمی‌کنند، اما خطای استراتژیک عظیم دارند، فراوانند. یعنی کل زندگی را می‌بازند، ولی در ریزه کاری‌ها وسواس دارند.

## ط) داشتن دیدگاه پست به کار

ط) داشتن دیدگاه پست به کار

ما کار را فقط برای درآمد می‌خواهیم. بنابراین، اگر درآمد را بتوانیم از راه بی‌کاری هم به دست آوریم، از کار استقبال نمی‌کنیم. در واقع ما کار کردن را ناگزیر می‌دانیم در حالی که باید دیدگاه مولوی را درباره کار داشته باشیم که معتقد بود «کار جوهر انسان است». پس دیدگاه ما به کار نباید پست و بی‌ارزش باشد.

## ی) مصرف زدگی

ی) مصرف زدگی

وقتی دیدگاهمان به کار چنین است، درباره مصرف نیز دیدگاهمان همان‌گونه می‌شود و به مصرف زدگی دچار می‌شویم.

وقتی ما بحث مصرف زدگی را

ص: ۸۳

مطرح می‌کنیم، چنین می‌گویند که شما از اوضاع جامعه و فقر خیر ندارید. حال آنکه مصرف‌زدگی، یک دیدگاه است، نه یک امکان. یعنی فرد فقیر هم آرزو می‌کند که ای کاش بیشتر داشتم و بیشتر مصرف می‌کردم. کدام یک از ما برای آرمان‌های خود حاضر است به قدر ضرورت بسنده کند. این مصرف‌زدگی ما را به پستی می‌کشاند. اگر فقط ما بودیم و امور ضروری زندگی، دیگر مجبور به کرنش کردن نبودیم.

### **ک) از دست رفتن قوه تمییز میان خوشایند و مصلحت**

ک) از دست رفتن قوه تمییز میان خوشایند و مصلحت

مردمی که منافع کوتاه مدت را ببینند و قدرت دیدن منافع درازمدت را نداشته باشند، در معرض فریب خوردگی هستند. دلیل موفقیت سیاست‌های «پوپولیستی» یا همان عوام‌فریبی، ندیدن منافع درازمدت است. وقتی منافع بلندمدت دیده نشود، منافع کوتاه مدت تأمین می‌شود؛ به قیمت نکبت و ادبار درازمدت.

### **۸. نگاه هدف مند و مولد به علم**

۸. نگاه هدف مند و مولد به علم

با توجه به ناکارآمدی حاکمان پیش از انقلاب، فاصله ما با کاروان علمی دنیا بسیار طولانی شده است. از این رو، عزم پولادین و استوار برای پیدا کردن و پیمودن راه‌های میان‌بر لازم است. با این حال، در این مسیر باید به کیفیت علم و دانش توجه و از بسنده کردن به ترجمه صرف پرهیز کرد. نگاه باید مولدانه باشد و تولید علم به سوی فرهنگ و نیازهای اجتماعی جامعه و بومی کردن علم و دانش گرایش داشته باشد. هدف، یک هدف کوتاه مثل نیاز به اعزام دانشجویان به خارج از کشور و برآورده کردن بی‌نیازی علمی جامعه کنونی نیست. باید به افق‌های دور نگریم و آن، بازسازی تمدن اسلامی در پرتو تولید علم است. امروزه نسبت بین تمدن و علم تا حدودی جابه‌جا شده است. در گذشته تمدنی پدید می‌آمد و در سایه آن علم شکوفا می‌شد. ولی امروزه شرط اساسی و نخستین پیدایش تمدن، تولید علم و

دانش و پاسخ‌گویی به چالش‌های فراروی علمی و فرهنگی است. از این رو، باید به گونه‌ای جدی گهرهای درخشان علوم اسلام‌شناسایی و فراروی جامعه انسانی نهاده شود. تولید علم و نوآوری، نیازمند زمینه مناسب است. باید شرایط و زمینه تولید علم را پدید آوریم. با دستور دادن نمی‌توان کسی را به تولید علم و نوآوری موظف کرد، بلکه علم با رشد بسترش توسعه می‌یابد و در این بستر است که نشاط و اقتدار جوانی می‌تواند شکوفا شود. اگر این زمینه آماده شود، آن می‌شود که معدل سنی جوانان ما که در مسئله چرخه سوخت هسته‌ای مشغول فعالیت اند، ۲۵ سال می‌شود و طرح‌های پیچیده جوانان رزمنده ما در صنایع دفاعی و عملیات نظامی، امروزه به عنوان مباحث کلاسیک دانشگاه‌های جنگ و دفاع تدریس می‌شود. مجامع علمی ما باید فضای آزاد را برای پرسش‌گری و نواندیشی فراهم آورند تا جوانان دیدگاه‌های خود را ابراز کنند و در بیان عقاید خود، به چیزهای ناشایست متهم نشوند. در کنار این فضای آزاداندیشی، مدیران موظف اند که معیشت اندیش‌وران را در حد لازم تأمین کنند و در کنار این فضا و شرایط، محقق باید آزادی معنوی داشته باشد، چنان که در روایتی معروف از حضرت علی (ع) آمده که: «لَا يُحْسِنُوا الْعِلْمَ إِلَّا بِخَمْسٍ؛ علم حاصل نمی‌شود مگر با پنج شرط:

بکثره الطلب: باید زیاد به دنبال علم برویم و در پرتو تلاش و مطالعه زیاد و تحقیق کنیم.

بکثره السؤال: کسی که سؤال نمی‌کند، رشد کافی نخواهد داشت.

بمعرفة الرجال: با انسان‌های اندیشمند باید رابطه داشته باشیم تا از دریای بی‌کران علم آنها بهره‌مند شویم.

بتطهير الاعمال: عملمان را پاک و پاکیزه کنیم. وقتی دل پاک شد، قابلیت بهره‌مندی از الطاف الهی را می‌یابد.

بتوفیق ذی الجلال: در کنار همه شرایط، خدا هم باید بخواهد. تولید علم در پرتو تزکیه و خواست الهی محقق خواهد شد. پس هیچ گاه نباید قدرت قاهره الهی و توکل و توسل به آن ذات لایزال را از یاد برد».

تکیه بر تقوا و دانش بر طریقت کافر است

رهرو ار صد هنر دارد توکل بایندش

## ۹. پایگاه توسعه علمی

### ۹. پایگاه توسعه علمی

امروزه توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، پیوند تنگاتنگی با فعالیت ها و عملکرد مراکز علمی و دانشگاهی دارد. از این رو، در برنامه سوم توسعه برای نخستین بار مقوله توسعه علمی در کنار توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قرار گرفت؛ زیرا توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بدون توسعه علمی ممکن نیست.

نیروی انسانی و نهادهای علمی، به عنوان اصلی ترین تولیدکنندگان دانش، چرخ پیشرفت را به جلو می رانند. رسالت اصلی و اساسی مراکز فرهنگی و نظام دانشگاهی، تولید و ترویج علم است و بار سنگین آن را بر دوش می کشند.

دانشگاه ها و مؤسسه های آموزش عالی و پژوهشی، به عنوان نهادهای علمی، پایگاه و خاستگاه توسعه علمی به شمار می روند. فرآیندهای تولید، انتقال، توزیع و ترویج دانش، بیشتر در دانشگاه ها و مؤسسه ها شکل می گیرند. از این نظر، دانشگاه به مفهوم اردوگاه علم جدید و کانون اصلی توسعه علمی باید شامل توجه دولت و حکومت قرار گیرد و زمینه های لازم برای استقلال این نهاد علمی فراهم شود.

اعضای هیئت علمی و دانشجویان، از عناصر اصلی نظام توسعه علمی کشور در بعد نیروی انسانی و به عنوان مهم ترین عاملان رشد کیفیت علمی و پژوهشی و محور همه فعالیت های دانشجویی، پژوهشی و

آموزشی هستند که باید با فراهم آوردن امکانات آزادانه تحقیق، کاوش، نشر و مبادله دست آوردهای علمی و پژوهشی برای آنها، امکان تحقق توسعه علمی را امکان پذیر ساخت.

از این رو، آیت الله خامنه ای در جمع رؤسای دانشگاه ها، اعضای هیئت علمی و استادان دانشگاه های استان خراسان رضوی، نقش و رسالت دانشگاه ها را در مسیر پیشرفت علمی کشور، تعیین کننده می دانند. امروز یکی از مهم ترین مسائل برای حفظ هویت، استقلال، عزت و آینده ملت ایران، جدی گرفتن تحقیق علمی و حرکت پی گیر و برنامه ریزی شده در جهت رشد علمی کشور، بدون اتلاف وقت است.

ایشان با اشاره به نقش عمده، حساس و حیاتی دانشگاه ها در حرکت شایسته علمی کشور می فرماید:

«در دنیای امروز مبنای مناسبت ها و تحرکات بین المللی قدرت است و قدرت هر کشور نیز ناشی از علم و توانمندی علمی آن کشور است»<sup>(۱)</sup>.

مقام معظم رهبری با بیان اینکه علم درون زا اقتداربخش خواهد بود، خاطر نشان می سازد:

علت اینکه در سال های اخیر بر مسئله تولید علم و لزوم شکستن مرزهای علمی تأکید شده، زمینه سازی برای علم درون زا و تولید بومی علم است. بنابراین، باید نگاه به دانشگاه، استاد و دانشجو بر مبنای چنین دیدگاهی باشد و تولید علم در سطح دانشجویان و دانشگاه ها جدی گرفته شود.<sup>(۲)</sup>

ایشان استفاده از استادان باتجربه در کنار زمینه سازی جدی برای رشد علمی دانشجویان جوان و مستعد دوره های تحصیلات تکمیلی را به منظور تربیت استادان آینده، ضروری می داند و می فرماید: «دانشگاه ها

ص: ۸۷

---

۱- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با استادان دانشگاه فردوسی مشهد.

۲- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با استادان دانشگاه فردوسی مشهد.

باید از لحاظ تدریس، به میدان پرتحرک علمی و مباحثه دائم و پژوهش تبدیل شوند»<sup>(۱)</sup>.

رهبر معظم انقلاب، تقویت روحیه پرسشگری و پژوهشگری پیوسته را میان دانشجویان، ازوظایف مهم مسئولان دانشگاه ها و استادان می داند و تأکید می کند:

پیشرفت علمی کشور نیازمند نقشه جامع حرکت علمی کشور و تعیین اولویت های علمی و ارتباط آنها با نیازهای جامعه است و این مهم، باید به مطالبه ای عمومی میان استادان و محققان دانشگاه ها تبدیل شود.

مقام معظم رهبری توجه بیش از پیش مدیران دانشگاه ها و استادان را به زمینه های رشد علمی دانشجویان، همچون کارگاه های آموزشی، اردوهای علمی و تشویق نوآوری های علمی، ضروری می داند و می افزاید:

ارتباط صنعت و دانشگاه ها نیز یکی از زمینه های مهم برای رشد علمی محققان جوان است که این نیاز جدی، خوش بختانه در دولت نهم برآورده شد و تأسیس معاونت علمی از برکات این دولت است که می تواند کارهای مهم و مفیدی انجام دهد.

ایشان با تأکید بر لزوم توجه بیش از پیش مسئولان به بودجه بخش پژوهش می گوید:

مسئولان به ویژه وزیر محترم علوم، تحقیقات و فن آوری باید پی گیر این مسئله در دولت باشند؛ زیرا امروز تحقیقات، موضوعی تجملاتی نیست، بلکه امری حیاتی است.

#### ۱۰. موانع توسعه علمی

۱۰. موانع توسعه علمی

موانع رشد علمی در کشور، از مدت ها پیش دغدغه خاطر دانشمندان فرهیخته و دل سوز ایرانی بوده است. آنها همواره این پرسش را در سر و

ص: ۸۸

---

۱- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با استادان دانشگاه فردوسی مشهد.



این غم را در دل داشته اند که چرا کشورشان که در گذشته، سالیان دراز مهد علم و تمدن بوده، امروزه در مقایسه با پیشرفت های علمی غرب، این چنین با رکود و پسرفت روبه رو شده است. آنها را سوزی بود در دل که نه در داخل اجازه بیان آن را داشتند و نه در خارج مایل به بیان آن بودند. (۱)

موانع رشد و توسعه علمی در ایران، بسیارند. گاه این موانع از سوی شخصیت های با نفوذ اجتماع که خود از علم بهره ای نبرده اند یا قوانین دست و پا گیر تصویب شده که افراد مغرض بر جامعه اداری و دانشگاهی تحمیل می کنند، به وجود می آیند. مواردی چون: کاربرد روش های دیوان سالارانه اداری، تمرکز قدرت تصمیم گیری، ساختارهای انعطاف ناپذیر، مدیریت اقتدار گرا و غیرمشارکتی در مؤسسه های آموزشی، از جمله عوامل بازدارنده توسعه علمی و کاهش نقش دانشگاه ها در پویایی علمی برای پاسخ گویی به نیازهای توسعه علمی و فن آوری کشور به شمار می آیند.

با این بیان، مهم ترین موانع توسعه علمی عبارتند از:

۱. حاکمیت فرهنگ طرد و مقابله با هرگونه خلاقیت، ابتکار و نوآوری؛
۲. ضعف ساختاری نظام آموزش عالی در پاسخ گویی به نیازهای واقعی کشور و نداشتن آمادگی مناسب و کافی هم زمان با دگرگونی های فن آوری؛
۳. درگیر بودن نخبگان و صاحبان اندیشه با مشکلات معیشتی و بهره مند نبودن از امکانات و تسهیلات رفاهی؛
۴. اهتمام به عالم پروری (تدریس محوری) و غفلت از توجه به روحیه علمی و جست و جو گری (پژوهش محوری)، در جهت گیری اصلی دانشگاه ها؛

ص: ۸۹

۵. کم توجهی به استقرار مدیریت علمی در بخش های مختلف اداره کشور؛

۶. سرمایه گذاری اندک در زمینه های پژوهشی و تبدیل پژوهش به ابزاری برای کسب منزلت اجتماعی و ارتقای شغلی؛

۷. نبودن سازوکار و ابزارهای حقوقی و ملی کارآمد در کشور برای تأمین و حفظ حقوق معنوی و مادی دانشمندان، محققان، مکتشفان و مخترعان؛

۸. اندک بودن سهم تحقیقات از تولید ناخالص ملی؛

۹. ناچیز بودن نقش بخش خصوصی در فعالیت های تحقیقاتی و تأمین هزینه های آن؛

۱۰. نبودن نیروی فنی و پشتیبانی امر تحقیقات از جایگاه شغلی لازم؛

۱۱. پایین بودن سهم کشور در تولید جهانی علم و نبود سازوکار لازم برای اطلاع رسانی در زمینه علم و فن آوری در کشور.

اینها دردها و دغدغه های مشترک همه کسانی است که با تعهد دینی و اجتماعی و با درک و تجربه کارشناسی به امروز و فردای اسلام، ایران و انقلاب اسلامی می اندیشند و در حقیقت، پیشبرد اصلاحات، دگرگونی های ساختاری و حفظ سرمایه های اجتماعی را فرصتی برای جبران عقب ماندگی های تاریخی می دانند. امیدواریم همه دست اندرکاران امور فرهنگی کشور به سهم خود با اهتمام به این دغدغه ها و دردها و تلاش برای پاسخ گویی به این چالش ها، فرصتی ارزنده برای توسعه علمی کشور فراهم سازند.

## ۱۱. راه کارهای توسعه علمی

۱۱. راه کارهای توسعه علمی

حل مسائل بسیار پیچیده در زمینه تولید و توسعه علم و ارائه راه کارهای مناسب آن، کار یک شخص بسیار اندیشمند و باتجربه نیست. این امر به همکاری تعداد زیادی از اندیشمندان نیاز دارد که بتوانند با یکدیگر به طور گروهی و هماهنگ - به دور از تضادها و حسادت ها - مخلصانه مسائل را بررسی و راه حل های مناسب و راه کارهای عملی برای توسعه علمی را ارائه کنند.

«نخست باید به فکر فراهم آوردن شرایط (یک نظام تفکر ساز) و ساختن افراد متفکر خداجوی، یعنی به فکر سازمان دهی کشور بود تا افراد متفکر، وطن دوست و متقی بتواند چاره جوی مسائل باشند»<sup>(۱)</sup>.

باید توجه داشت راه برون رفت از بحران های علمی و رسیدن به توسعه علمی، فراهم آوردن عوامل تحقق، آزاداندیشی و تحرک اجرایی به منظور دست یابی به خواسته هاست. توسعه همه جانبه، متوازن و پایدار کشور، تنها با توسعه علمی امکان پذیر است.<sup>(۲)</sup> و این امر ارائه راه کارهایی را می طلبد که با آن بتوان به توسعه علمی همه جانبه رسید.

بدین ترتیب، مهم ترین راه کارهای توسعه علمی را می توان چنین برشمرد:

۱. تحول فرهنگی و اخلاقی که سازندگی اجتماعی را به دنبال دارد، به عنوان یکی از عوامل مهم و بستر ساز نهضت توسعه علمی؛
۲. تقویت و توسعه علوم انسانی و رفع انزوا و مهجور ماندن آن و تبدیل آن به علوم زاینده و پاسخ گو به نیازهای دینی و اجتماعی، با توجه به محور بودن این گونه دانش ها در توسعه علمی؛
۳. توسعه مراکز تحقیقاتی و تقویت انجمن های علمی؛
۴. توجه به حاکمیت مدیریت علمی و فرهنگ آموزش در همه عرصه ها؛
۵. در امان ماندن نخبگان و پژوهش گران در خلال تغییر و دگرگونی های سیاسی؛
۶. بازبینی و تجدیدنظر در تشکیلات، روش ها، فرآیندها و ساختارهای درونی دانشگاه ها، برای تأمین بالاترین پویایی لازم در توسعه فعالیت های علمی دانشگاه ها؛
۷. مشارکت فعالانه دانشگاه ها در روشن کردن سیاست های علمی و فن آوری کشور.

ص: ۹۱

---

۱- رفیع پور، توسعه و تضاد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۵۷.  
۲- علی اشرف عیوضی، مقاله «نقش مجمع صنفی در تبیین حقوق مادی و معنوی دانشگاهیان»، خبرنامه تحقیقات و فن آوری، ش ۲۵، مرداد ۱۳۸۳، ص ۱۲.

فصل دوم: انگیزه های تولید علم

مقصود از تولید علم، مطلق علم در همه زمینه هایی است که به آسایش و سعادت مردم کمک کند که البته به علوم رایج در حوزه ها اختصاص ندارد و آنچه الهی بودن یا نبودن علم را مشخص می کند، انگیزه است. یعنی اگر علم توحید و معارف دینی هم با انگیزه غیرخدایی دنبال شود، این علم خدایی نیست و اگر علوم طبیعی با انگیزه خدایی دنبال شود، علمی الهی خواهد بود.

بنابراین، در اندیشه دینی، انگیزه تولید علم می تواند این امور باشد:

### ۱. حفظ عزت مسلمانان و نفی سلطه بیگانه؛ ۲. کشف حقیقت؛

۱. حفظ عزت مسلمانان و نفی سلطه بیگانه؛

### ۲. کشف حقیقت؛

### ۳. دفاع از اندیشه دینی.

۳. دفاع از اندیشه دینی.

همان گونه که پیش تر بیان شد، دشمنان دین برای نابودی اندیشه دینی همه تلاش خود را به کار می گیرند. از جمله این تلاش ها، ایجاد شبهه های فراروی اندیشه دینی است که در این میدان، عالمان دینی وظیفه ای خطیر دارند.

تلاش در این زمینه، جز با دانش و تولید علم ممکن نیست. بنا بر یک نمونه تاریخی، شیخ طوسی در مقدمه تهذیب الاحکام می گوید:

یکی از دوستان با من راجع به احادیث شیعه و اختلاف آنها مذاکره کرده است و می گفت احادیث به گونه ای است که هیچ حدیثی پیدا نمی کنی، مگر اینکه ضد آن حدیث هم پیدا می شود و مخالفان شیعه این اختلاف احادیث شیعه را دلیل بر بطلان مذهب شیعه دانسته اند و مدعی شده اند که بر اساس عقاید شیعی، نصب امام از طرف خداوند برای جلوگیری از اختلاف ملت می باشد و بر این اساس، شیعه نباید هیچ اختلافی داشته باشد. در حالی که اختلاف شیعه بیش از اختلاف اهل سنت است و این مسئله، حکایت از آن دارد که اندیشه شیعه باطل است. این شبهه را به گونه ای پخش کرده اند که عده ای به خاطر همین از تشیع برگشته اند... مشغول شدن به شرح کتابی که دربرگیرنده توجیه اخبار مختلف و متضاد باشد، از مهم ترین وظایف دینی و از بهترین وسایل برای تقرب به خداست.

بدین ترتیب، آنچه شیخ را به این اقدام وادار کرده است، پاسخ گویی به شبهه های مخالفان است، ولی محصول آن، ۱۰ جلد کتاب تهذیب الاحکام است و در سراسر این کتاب، شیخ به تولید نظریه در جمع روایت ها می پردازد.

#### ۴. انجام دادن تکلیف

#### ۴. انجام دادن تکلیف

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.

هنگامی که بین امت من بدعت ها آشکار شد، وظیفه عالم است که علمش را اظهار و بدعت را افشا کند، پس عالمی که چنین نکند، لعنت خدا بر او باد.

البته پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی دیگر می فرماید: «در هر برهه ای از زمان انسان های وظیفه شناس و دردمند پیدا خواهند شد که بار حفظ و نگهبانی از دین خدا را بر دوش خواهند کشید».

يُنْفُونَ عَنْهُ تَأْوِيلَ الْمُبْطِلِينَ وَ تَحْرِيفَ الْغَالِينَ وَ اتِّحَالَ الْجَاهِلِينَ. (۱)

تفسیرهای باطل اندیشان و تحریف های افراط گران را از ساحت احکام الهی دور می کنند.

ص: ۹۳

پیش از بیان نمونه تاریخی این عامل تذکر چند نکته لازم است:

الف) تولید علم و نظریه باجمود فکری امکان ندارد. آنان که اندیشه تولید علم دارند، باید جسارت داشته و آزاداندیش باشند و از هیاهوی متحجران نترسند؛ زیرا آزاداندیشی در اندیشه دینی چنین بیان شده است.

راوی می گوید به امام صادق(ع) عرض کردم، من در مسجد می نشینم، مردم از من مسئله می پرسند، اگر بشناسم که او از اهل سنت است، نظر اهل سنت را برایش می گویم و اگر نشناسم که او پیرو چه مذهبی است، هم نظر شما را بیان می کنم و هم نظر اهل سنت را تا خودش یکی را انتخاب کند و اگر بشناسم که شیعه است، نظر شما را برایش بیان می کنم. امام صادق(ع) فرمود: «خداوند تو را رحمت کند، به همین شیوه عمل کن».

ب) باید توجه داشت که هر اظهارنظر جدیدی را نمی توان بدعت دانست، بلکه می توان گفت بدعت از دو گروه سر می زند:

اول - اظهارنظر غیرمتخصص: کسی که صلاحیت اظهارنظر در مسائل شرعی و اندیشه های دینی را ندارد، وقتی اظهارنظر می کند و به بدعت کشیده می شود، برای اظهارنظر در هر مسئله ای باید تخصص داشته باشد.

کسی که قدم در راه تولید فکر می گذارد، باید درباره موضوع موردنظر اطلاعات و آگاهی های لازم را داشته باشد تا کالای فکری او جامع و مطلوب باشد در غیر این صورت، خسارت کالای غیر استاندارد، به مراتب بیش از استفاده آن خواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُهُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُهُ. (۱)

کسی که بدون داشتن دانش لازم و تخصصی برای مردم فتوا می دهد، فسادی که در دین به وجود می آورد، به مراتب بیشتر از اصلاحی است که به آن می پردازد.

ص: ۹۴

در آموزه های اسلامی، نخست انسان ها به دانش اندوزی و تکمیل دانسته ها می پردازند، پس نظر خویش را ارائه می کنند.

از نگاه اسلام، نظریه پردازی هایی که پشتوانه علمی ندارد و اسباب گمراهی دیگران را فراهم می آورد، گناهی بس سنگین دارد. برای نمونه رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بَغَيْرِ مَا عَلِمَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلْجَمًا بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ. (۱)

هرکس درباره معانی و مفاهیم قرآن، بدون اینکه دانش آن را آموخته باشد اظهار نظر کند، روز قیامت در حالی که دهانه ای آتشین بر دهان او زده اند، به صحنه محشر وارد خواهد شد.

دوم - اظهار نظر متخصص بی توجه

گرچه انسان متخصص حق دارد در حوزه تخصص خود اظهار نظر کند، ولی باید همیشه این دغدغه را داشته باشد که آیا روشی که او را به این نظریه رسانده درست بوده است یا نه؟ آیا ضابطه ها و قواعد را در استنباط حکم درست اعمال کرده است یا نه؟ زیرا اظهار نظر چنین تخصصی هم به بدعت کشیده می شود.

## ۵. تأمین نیازهای جامعه اسلامی

۵. تأمین نیازهای جامعه اسلامی

با توجه به اندیشه جامعیت دین، هیچ مسلمانی نمی تواند در برابر مشکلات و کاستی های جامعه اسلامی بی تفاوت باشد، تا چه رسد به محققان مسلمان.

بنابراین، در تولید علم اگر هیچ انگیزه ای جز رهایی از استعمار و فشارهای آنان وجود نداشته باشد، ارزش قدم گذاردن در این میدان را دارد؛ زیرا چپاول گران برای غارت منابع اقتصادی ملت ها، از هر وسیله ای استفاده می کنند. آنان برای رسیدن به هدف های خود به فشارهای مستقیم و غیرمستقیم متوسل می شوند و قوی ترین اهرم فشار آنان نیاز ملت ها به علم و فن آوری برای اداره جامعه و رفع مشکلات آن است. بنابراین، برای رهایی از این فشارها راهی جز تولید علم نداریم.

ص: ۹۵

### اشاره

فصل سوم: تولید علم، موانع و راه کارها

درباره ارزش و جایگاه والایی که اسلام برای علم قائل شده است، تردیدی نیست. خداوند می فرماید:

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ. (زمر: ۹)

علم، موهبتی است الهی و منشأ و منبعی ربانی دارد. بنابراین، تولید علم به معنای واقعی جز در پرتو ارتباط معنوی با منبع علم و دست یابی به حقیقت علم، جز به توفیق خاص فراهم نمی آید.

تولید علم، فرآیندی است که پیوسته در حال رخ دادن است. نه می توان جلوی تولید علم را گرفت و نه می توان تولید علم را در برخی زمینه ها متوقف کرد. آهنگ تولید علم تابع شرایط است. گاهی این تولید سرعت می گیرد و گاه از سرعتش کاسته می شود. سرعت گرفتن یا کند شدن آهنگ تولید علم، بسته به وضعی است که در مجموع بر فضای علمی و فکری جامعه حاکم است. برخی عواملی که می تواند علم را تولید کند عبارتند از:

### ۱. موانع تولید علم

#### اشاره

۱. موانع تولید علم

زیر فصل ها

الف) عظمت اندیشه بعضی از متفکران

ب) افراط و تفریط در حوزه تعقل

ج) تکریم نکردن عالمان و نخبگان

د) نداشتن مدیریت هوش و استعداد ملی

ه) عدم بومی سازی علوم غربی

و) تولید نکردن علم متناسب با نیازها

ز) دیگر موانع تولید علم



## الف) عظمت اندیشه بعضی از متفکران

الف) عظمت اندیشه بعضی از متفکران

یکی از بزرگ ترین موانع تولید علم، عظمت عالمان است. وقتی با یک اندیشه یا اندیش ورز بزرگی روبه رو می شویم و آن فکر یا متفکر در نظرمان بزرگ می نماید، جای تردید در هیچ یک از کلمات و اندیشه هایش نمی یابیم. و در واقع، امکان تولید علم از ما گرفته می شود. در گذشته این

ص: ۹۶

عظمت به حدی بود که کمتر کسی جرئت و فرصت انتقاد می یافت، ولی امروزه تا حدود زیادی این سنت شکسته شده است. البته نه اینکه نقد به معنای حرمت شکنی باشد، بلکه در عین حراست از حرمت ها، اندیشه ها نقد می شود.

به این منظور، باید نخست حرمت اندیشه و اندیشمند را پاس بداریم و این حرمت و احترام اقتضا می کند که نخست به درستی، اندیشه او را فهم کنیم و آن گاه با رعایت انصاف، به نقد عالمانه آن پردازیم. قضاوت ها باید دقیق و پس از فهم نظریه ها باشد و نقدی هم که انجام می شود، از سر فهم و درک عمیق است.

### **(ب) افراط و تفریط در حوزه تعقل**

(ب) افراط و تفریط در حوزه تعقل

مانع دیگری که ما در تولید علم به ویژه در تولید علم دینی با آن روبه رو هستیم، کوتاهی و زیاده روی در حوزه خردورزی است. بشر به طبیعت خود، همواره در جست و جوی این بوده که هر چیزی را با عقل و فهم خودش بفهمد و تحلیل کند. در این راه به دو گرایش برمی خوریم:

الف) گرایش افراطی عقل گرا که می خواهد همه مفاهیم دینی را با تعقل بررسی کند و هر چه را از دایره تعقل او خارج باشد، انکار می کند.

ب) دیدگاه متحجر نقل گرا که کاملاً عقل را کنار می زند و گمان می کند که می توان بدون عقل بر سر سفره نقل نشست و به فهم درست نقل پرداخت. در جایی که، ویژگی مکتب فکری ائمه اصرار بر تعقل در حوزه وحی و باور دینی است، آنان خردی را می پذیرند که با نور خدا منور باشد، نه عقل گرایی افراطی که در پی آن باشیم همه چیز را با دانش بسیار اندک خود محک بزنیم و راه قیاس را بیماییم و یا در اصل، خرد بشری را وانهم و بدون تعقل و تفکر به سوی متن و نقل برویم که این نیز اشتباه است و در واقع همان می شود که اخباری های شیعی و ظاهری های سنی گرفتار آن هستند.

ج) تکریم نکردن عالمان و نخبگان

بزرگ ترین عامل تولید علم، مولدان علوم اند. از این رو وضع تولید علم در جامعه ارتباط مستقیم با وضع عالم و جایگاه او در جامعه دارد. اگر عالم ارزش و قیمت واقعی خود را داشت، می توان توقع داشت که علم رشد کند و اگر خدای ناکرده عالمان در جامعه بی توجه و منزوی بمانند، باید تولید علم را در بوته فراموشی یافت. تکریم عالم، به این است که هر عالمی را در آن جایی که هست بپذیریم؛ نه فراتر و نه فروتر. اگر خواهان رشد علم در جامعه هستیم، باید زمینه را برای رشد و شکوفایی استعدادها بر جسته فراهم کنیم و امکانات بیشتری در اختیارشان قرار دهیم. تولید علم امر مادی و کمی نیست که بتوان با ازدحام جمعیت و افزودن تعداد، به آن دست یافت، بلکه پاسداری از مقام علم و عالمان و دانستن قدر استعدادهای نخبگان، در بستر حوزه و دانشگاه است. باید زمینه و امکان ارائه استعداد آنان را در ظرفی سالم فراهم آورد تا رونمای آنان در محک داوری منصفانه و عالمانه قرار گیرد. متأسفانه آن گونه که شایسته است به نخبگان بها داده نمی شود. بر این اساس، در کشور دانشجویانی تربیت، گزیده هایشان انتخاب و بعد در زمان بهره برداری جذب خارج از کشور می شوند.

یک - نظریه هایی درباره نخبگان و فرار مغزها

یک - نظریه هایی درباره نخبگان و فرار مغزها

امروزه ارتباط و تعامل انسان در گستره زمان، در حال تحول و گسترش است، به گونه ای که با گذر از ارتباط چهره به چهره و دست یافتن به ارتباط کتبی و صنعت چاپ و نشر، اکنون گستره دیگری از ارتباط پیش روی انسان است که او را ساکن یک دهکده جهانی می کند. در این دهکده، هر کسی می تواند در آن واحد با تمام دنیا ارتباط دیداری و شنیداری برقرار کند و به تبادل و تعامل دانسته ها، اندیشه ها و دست آوردهای علمی و

فرهنگی پیردازد. امروزه می توان در گوشه ای امن و آرام روبه روی رایانه ای نشست و سفری دور و دراز به پُرهیاهوترین مراکز علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جهان را داشت. در حقیقت، هر چه ابزارهای ارتباطی پیشرفته تر و پیچیده تر شده، به همان نسبت جهان نیز و کوچک تر شده و هر چه جهان کوچک تر شده، ارتباطات نزدیک تر شده است. دانشمندان کشورهای گوناگون می توانند در یک سالن نمادین دور هم گرد بیایند و با استفاده از دستگاه تله کنفرانس در منزل خود درباره آخرین یافته های علمی به بحث و تبادل نظر بپردازند.

در این میان، ناگفته پیداست که صورت واقعی دنیا، شکل دیگری است. جهانی که ما در آن به سر می بریم، دو سویه است، یک سو غول های ارتباطی که الگوهای فرهنگی - اقتصادی و اجتماعی خود را برای مصرف کننده ای اتفاقی و مشتریان همیشگی خود مخابره می کنند و سوی دیگر، کشورهایی که با ابزارهای کوچک و ناچیز خود توان مبادله با این انحصارگران رسانه ای را ندارند. از آن جا که امکانات و ابزار پیشرفت و توسعه انسانی در یک کشور در سطحی پایین تر از برخی دیگر از کشورهاست، همیشه عده ای هستند که رفتن را به ماندن ترجیح می دهند و همین رفتن ها از پایین محله به بالا محله دهکده جهانی، نشان گر این حقیقت است که ارتباط و پیوند بی گسست و متوازی میان کشورها حاکم نیست.

پرسش اصلی اینجاست که چرا بعضی از نخبگان در این دهکده جهانی جابه جا می شوند؟ آیا این مهاجرت آسیب زاست یا سود آور؟

دیدگاهی معتقد است که مهاجرت نخبگان نه تنها به ضرر کشور مبدأ نیست، بلکه سبب می شود اندوخته های ذهنی و توانمندی های علمی فرد در جهت شکوفایی علم و دانش بشری به کار گرفته شود؛ زیرا نیروی

پیش برنده جامعه علمی جهانی از منابع علمی سراسر دنیا سود می برند. این دیدگاه، دانشمندان و نخبگان را سرمایه های جهانی می داند که مرز در مورد آنان معنایی ندارد و باید دست آوردهای خود را در اختیار همه قرار دهد. از این منظر، دلیلی ندارد که ما جلوی مهاجرت نخبگان را بگیریم و علتی ندارد که دست آوردهای علمی آنان به سراسر جهان صادر نشود. این دسته معتقدند، در صورت فراهم بودن شرایط، نخبگان علمی و مهاجر پس از پرورش استعدادهای خود با باروری علمی و ذهنی و دستی پر به موطن خود باز می گردند.

نگرش گروهی دیگر تا این حد خوش بینانه نیست. این گروه فرار مغزها را بر اثر فریب، توطئه و اغواگری کشورهای مقصد می دانند و بدین جهت، این مهاجرت را نوعی اجبار به شمار می آورند. فریفتن نخبگان و جذب سرمایه های انسانی که از مهم ترین سرمایه های اقتصادی به شمار می روند، شیوه جدید استعمار علمی - فرهنگی است. این، دیدگاه گروهی است که کشورهای محروم را در معرض تهاجم دست آوردهای علمی و فرهنگی می دانند. استعمار نیز با قدرت رسانه ای، تصویر غیرواقعی و مثبت از خود ترسیم می کند و ناخودآگاه تحصیل کرده ها و مخاطبان را مجذوب و مفتون می سازد. بدین ترتیب، استعمارگر بدون کمترین هزینه صاحب اندیشمندانی می شود که پس از پرورش یافتن در کشور خود برای بهره وری رو سوی آنان می کنند.

## **دو - زمینه ها و عوامل گریز نخبگان**

دو - زمینه ها و عوامل گریز نخبگان

عده ای با نگاه به درون، ضعف برنامه ریزی و مشکل منابع انسانی را سبب گریز مغزها از داخل کشور می دانند و بر این باورند که اگر امکانات در پرتو برنامه ریزی و مدیریت درست به منظور پرورش و بهره وری و خلاقیت نخبگان موجود باشد، با پدیده ای به نام فرار مغزها

ص: ۱۰۰

روبه رو می شویم. پس جوانان به آینده امیدوار می شوند و هیچ کس رغبت نمی کند که موطن خود را ترک کند. این عوامل که به نوعی مغزها و نخبگان علمی - فرهنگی کشور را می تاراند، در برگیرنده طیفی است شامل بی کاری و فقر اقتصادی و سرکوب خواسته ها و آرزوهای قانونی، تا وجود مانع در دست یابی به شخصیت و احترام لازم.

فرار مغزها در واقع فرار سرمایه های نیروی انسانی است که با صرف هزینه به دست می آید و قرار است از علم، دانش، تخصص، مهارت، تجربه، توان، سلامتی، قابلیت ها و در نهایت نظم و انضباط که به وسیله آموزش و بهداشت در نیروی کار جامعه ذخیره می شود و سبب افزایش بهره وری نیروی کار در امر تولید می شود، استفاده شود. بدین ترتیب، اگر فرار مغزها را مهاجرت نیروی انسانی آموزش دیده و پرورده از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته بدانیم، این مفهوم نزد مردم کشورهای مهاجر فرست، بر نیروی دافعه این جوامع دلالت و نزد کشورهای مهاجرپذیر بر نیروی جاذبه آنها دلالت دارد. در حالت دیگر، بعضی شکل های عمده فرار مغزها در شرایط کنونی جهان عبارت از حالت ویژه ای است که در کشورهای در حال توسعه، دانش آموختگان مقاطع عالی دانشگاهی آنها ارتباط چندانی ندارد.

یکی دیگر از عوامل این است که در کشورهای در حال توسعه، تربیت نیروی انسانی بر اساس اطلاع دقیق از تقاضای نیروی انسانی در کشور صورت نمی گیرد. این امر از سویی جواب گوی نیروی انسانی برای برخی رشته ها نیست و از سوی دیگر، ممکن است بازار کار را با دو جریان نیروهای متخصص و یا هماهنگ نبودن شغل با رشته تحصیلی آنان روبه رو کند. بدین روی، بخش عمده ای از توان تخصصی صرف فعالیت های غیرتخصصی می شود. این کشورها به رشته هایی از تعلیم و

تربیت اولویت می دهند که نیازهای فوری آنها را برآورده نمی سازد. برای نمونه، در نیجریه، ۶۳ درصد دانشجویان در علوم اجتماعی تحصیل می کنند، در حالی که شرایط و منابع اقتصادی این کشور، تنها در حدود ۴۰ درصد به این رشته ها نیازمند است. کشورهای در حال توسعه در حالی که برای ترقی و رشد خود به شدت به افراد تحصیل کرده در حد متوسط نیاز دارند، بیشتر به علت وجود کنترل تعداد افراد متخصص و مؤسسه آموزشی، با مازاد متخصص در بعضی رشته ها روبه رو هستند. برای نمونه در دهه ۱۹۶۰م. هندوستان ۷۵ هزار مهندس بی کار و فیلپین نیز در دهه ۱۹۷۰م. ۳۵ هزار بیکار داشت. (۱) در این کشورها آموزش فنی و حرفه ای در عمل فراموش شده است. برای مثال در کشورهای عربی، آموزش آکادمیک بر آموزش فنی و حرفه ای ترجیح دارد و تنها ۱۱ درصد از مجموع کل دانشجویان عرب آموزش فنی و حرفه ای می بینند. در حالی که در آلمان فدرال دانشجویان فنی و حرفه ای ۴۵ درصد از مجموع دانشجویان آلمان را تشکیل می دهند. همین توجه نکردن به آموزش و تربیت کادرهای فنی لازم، سبب اختلال در عرضه و تقاضای بازار کار شده است. (۲)

هم سو با چنین اندیشه ای است که مؤسسه های آموزش عالی و برنامه ریزان می کوشند بدون توجه به واقعیت های اقتصادی و صنعتی و ساختار آن، تعداد دارندگان مدرک دانشگاهی را زیاد کنند، بدون اینکه پژوهش شود که امکان جذب متخصصان چه قدر است. همچنین در این کشورها در گزینش افراد برای مشاغل نه تنها شایستگی، هوش، مهارت و تجربه داوطلبان لحاظ نمی شود، بلکه بیشترین ارزش به مدرک داده می شود. در مجموع باید گفت که نقصان کیفی نظام آموزشی این

ص: ۱۰۲

---

۱- روزنامه کیهان، ۵/۴/۱۳۶۴.

۲- روزنامه کیهان، ۲۰/۷/۱۳۶۱.

کشورها، یعنی هماهنگ نبودن محتوای آموزش با نیازهای جامعه یا کاربردی نبودن آن، شناخت نداشتن برنامه ریزان مسائل آموزشی از واقعیت‌ها و نیازهای جامعه، وجود بعضی از ارزش‌ها و معیارها که اهمیت بیشتری را برای مدرک تحصیلی قائل می‌شوند، زمینه را بیش از پیش برای فرار مغزها فراهم می‌سازد. بنابراین، کشورهای در حال توسعه باید سیاست آموزش خود را به سمتی هدایت کنند که بیشترین شمار دانش‌آموختگان شان جذب بازار کار شوند. گاهی یک کشور در حال توسعه، بیش از آنچه بازار کار می‌تواند جذب کند، نیروی انسانی با تحصیلات بسیار بالا به وجود می‌آورد. نرخ پایین رشد اقتصادی در برخی از کشورها نشان می‌دهد که ظرفیت این کشورها برای جذب نیروی انسانی تحصیل کرده، کمتر از ظرفیت شان برای به وجود آوردن چنین افرادی در نظام آموزشی خود است که نتیجه چنین وضعی، بی‌شک مهاجرت است. همچنین در شرایط حاضر نمی‌توان از روند شتابان جهانی شدن در حوزه‌های اقتصاد، سیاست و فرهنگ غافل ماند؛ زیرا از بین رفتن مرزهای پیشین سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و شکل‌گیری فضای جدیدی که در آن ملیت کم‌رنگ شده و وفاداری افراد به ملیت معطوف نیست، سبب مهاجرت شده است.

حال اگر چه مسائل مادی و اقتصادی نمی‌تواند علت اصلی تمام مهاجرت‌ها باشد، باید اذعان کرد که به یقین، جاذبه شرایط مادی کشورهای توسعه یافته نقش اساسی در بسیاری از مهاجران را دارد.

### **سه - فرار مغزها از ایران**

سه - فرار مغزها از ایران

مهاجرت نخبگان در ایران تا پایان جنگ جهانی دوم، سرنوشت و ماجرای مشابه دیگر کشورهای جهان سوم دارد. ولی پس از جنگ جهانی دوم فرار مغزها با تأخیر نه چندانی زیاد در مقایسه با کشورهای کم‌توسعه آغاز شد. اوایل دهه ۵۰ میلادی را باید آغاز این دوره نامید که



پس از کودتای ۱۹۵۳ م. (۱۳۳۲) و تحکیم روابط ایران و امریکا وارد دور جدیدی شد. بدین ترتیب، اعزام محصل به کشورهای خارجی و امریکا به طور منظم و جدی آغاز شد و رشد اقتصادی یکی از هدف های خود را متوجه تربیت متخصصان کرد تا دوام و رشد برنامه های توسعه تضمین شود. در دهه ۶۰ میلادی نیز سیاست جذب متخصصان از سوی ایالات متحده ادامه یافت و این مسیر تا حدود ۱۵ ماه قبل از انقلاب اسلامی که روالی آرام داشت ادامه یافت. پس از این زمان، جریان تازه ای از مهاجرت صاحبان سرمایه و نخبگان سیاسی، اقتصادی و علمی به خارج از کشور پدید آمد، ولی با پیروزی انقلاب اسلامی که با درون مایه های عمیق فرهنگی صورت گرفت، این روند تا پس از جنگ تحمیلی کاهش محسوسی یافت. با این حال در سال های اخیر نیز دوباره شاهد شکل جدید و در عین حال وسیعی از پدیده های مهاجرت نخبگان هستیم. روند تاریخی این پدیده در کشور ما شامل سه دوره مشخص است.

دهه های ۴۰ و ۵۰ تا پیروزی انقلاب که مقارن باز شدن باب مراوده با غرب بود، این روند با شدت و ضعف ادامه داشت.

مقطع سال های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و ابتدای جنگ تحمیلی که به طور عمده، طیف ناراضیان از انقلاب، مهاجرت را ترجیح دادند.

دوره جدید مهاجرت که از سال ۱۳۶۷ آغاز شده و در پاره ای اوقات شدت هم گرفته است.

بر اساس اطلاعات به دست آمده، تمام ورودی های با رتبه دو رقمی (۹۹-۱) کنکور سراسری دانشگاه ها در سال دوم تحصیلی خود برای ادامه تحصیل پس از دوره لیسانس، از بهترین دانشگاه های دنیا با بهترین امکانات نامه دریافت می کنند و تعداد فراوانی از دانش آموزانی هم که در سال های گذشته در المپیادهای مختلف علمی صاحب مقام شده اند، در

یکی از بهترین دانشگاه های خارج از ایران مثل کانادا مشغول شده اند و امید به بازگشت آنان تنها ۳ درصد است. (۱)

در سال های اخیر، مهاجرت سه دسته از متخصصان ایرانی توجه مسئولان و مطبوعات را به خود جلب کرده است. بنا بر آمارهای غیررسمی، وزارت علوم و تحقیقات از برنگشتن برخی از دانشجویان بورسیه شده اظهار نگرانی کرده است. همچنین آمار خروجی اداره کل گذرنامه طی سال ۱۳۷۸ هر روز به طور متوسط ۱۵ کارشناس ارشد و ۳/۲ نفر صاحب مدرک دکترا از کشور خارج شده و در مجموع، ۵۴۷۵ کارشناس در سال ۱۳۷۸ از کشور مهاجرت کرده اند. (۲)

در گزارش دیگر که از سوی یکی از مسئولان وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری در تیر ماه ۱۳۷۸ ارائه شده، از سال ۱۳۶۹ تاکنون ۱۵۱ نفر عضو هیئت علمی به راه های مختلف به خارج از کشور عزیمت کرده و تاکنون برنگشته اند و با تأخیر نگران کننده روبه رو بوده ایم. (۳)

این مهاجرت ها ممکن است دلایل مختلفی همچون هماهنگ نبودن آنان با هنجارها و رفتارها و ارزش های حاکم بر سیاست جمهوری اسلامی یا تنها به دلیل جستجوی فضا و امکانات بهتر برای پیشرفت علمی و شغلی باشد.

#### **چهار - بسترسازی برای فعالیت نخبگان**

چهار - بسترسازی برای فعالیت نخبگان

استادان دانشگاه ها و پژوهشگران پر تجربه و با سابقه، سرمایه های خلاق و پر بازده، برای تولید دانش و فن آوری هستند. از آنجا که سن بیشتر این افراد بالاتر از ۳۵ سال است و عده زیادی از آنان تحصیلات خود را

ص: ۱۰۵

---

۱- علی وقوفی، فرار مغزها، صص ۵۲ - ۵۴.

۲- سعید پورزند، مقاله «فرار مغزها»، روزنامه ایران، ۱۳۷۹، ش ۱۵۸۱.

۳- فرار مغزها، ص ۸۷.

خارج از کشور گذرانده اند، آنچه بیشتر سبب مهاجرت آنان از کشور می شود، عوامل دافعه داخل کشور است نه عوامل جاذبه خارج کشور. چه بسا این افراد در دوران دانشجویی خود در خارج از کشور فرصت و شرایط مناسبی برای اقامت همیشگی در کشور محل تحصیل خود را داشته اند، ولی خدمت به کشور را حتی با امکانات کم ترجیح داده اند. ولی پس از قرار گرفتن در محیط کار داخل کشور با شرایطی روبه رو شدند که ناچار به تجدید نظر در تصمیم خود و مهاجرت شدند. برای حفظ این سرمایه ها در درجه اول باید مقام و منزلت استادان دانشگاه ها و دانشمندان و پژوهش گران بدون تنگ نظری های گروهی و سیاسی رعایت شود. در محیط های علمی و دانشگاهی باید به تخصص و تجربه علمی افراد بها داد و فارغ از سلیقه های شخصی و جناحی میدان را برای رشد آنان باز گذاشت.

بدیهی است یکی از راه های مهم حفظ مقام و منزلت استادان، وضع قوانین و مقررات اجرایی برای تأمین امنیت شغلی و اجتماعی متخصصان است. تا وقتی ذهن پژوهش گران و استادان دانشگاه ها با دغدغه معاش و مسکن و هزینه های جانبی درگیر باشد، هرگز نمی توانند در عرصه تدریس و تحقیق علمی به صورت فعال و خلاق ظاهر شوند. اگر می بینیم که نخبگان در بعضی از کشورها خوش می درخشند و با خلاقیت های بدیع و ره گشای خود، علم و دانش جهانی را گامی به جلو می برند، به این خاطر است که انرژی فکری، روانی و جسمی آنان با اضطراب و دغدغه تأمین هزینه های روزمره زندگی خنثی نمی شود. از سویی آموزه های دینی ما نیز بر حفظ شأن و منزلت اهل علم تأکید می کنند.

تاریخ کشور ما نشان می دهد، هر زمانی که فضای مناسب و به دور از دغدغه برای ایرانی فراهم شده است، او توانسته با آموختن علم و کسب تخصص، برای حل مشکلات بی شمار جامعه اش قد علم کند. حال به راستی چرا حدیث شکوفایی استعدادها و اندیشه او به خارج از مرزها کشیده شده است؟ ایرانیان متخصص که در سراسر جهان در عرصه های مختلف علوم سرآمد دیگران شده اند، چرا به ایران باز نمی گردند. و به راستی چه واقعه ای در کشور عامل فرار اندیشمندان ما می شود.

مشکل اصلی این است که متأسفانه دشمنان و عوامل آنان با توجه به بعضی از مشکلات در ایران اسلامی، روحیه خودکم بینی و ناامیدی را در جامعه ترویج می کنند. در حالی که باید کوشید هوشمندانه بر کاستی ها چیره شد و این باور را در جامعه تزریق کرد که «ما می توانیم...».

برخی از راه کارهای اجرایی برای بهسازی و اصلاح محیط علمی و پژوهشی برای جذب یا ثبت نخبگان عبارتند از:

- حفظ حریم دانشگاه ها و حوزه های علمیه و جلوگیری از دخالت غیرمسئولانه عوامل بیرونی در فرآیند فعالیت های جاری علمی این نهادها؛

- تشکیل و توسعه بانک اطلاعات متخصصان ایران؛

- نوسازی و تجهیز امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی؛

- ایجاد تسهیلات ویژه برای انجام فرصت مطالعاتی در داخل و شرکت در سمینارها؛

- کمک خواهی از نخبگان و متخصصان مقیم داخل و خارج برای شکل گیری قطب های فعال علمی؛

- سعی در تماس دائم با محصلان و دانشجویان خارج از کشور و اعمال نظارت در زمینه تحصیل آنان؛

ص: ۱۰۷

- ایجاد تمهیدات و تسهیلات لازم برای ترجمه و انتشار آثار مفید علمی نخبگان ایرانی مقیم خارج از کشور که متناسب با فرهنگ ملی و مذهبی ماست؛

- ایجاد امکانات برای احداث فضای تحقیقی و پژوهشی؛

- تقویت و گسترش دوره های تحصیلات تکمیلی و تخصصی؛

- فراهم کردن شرایط مناسب و تهیه وسایل و امکانات لازم برای تحصیل در داخل کشور؛

- جهت گیری برنامه های فرهنگی به سوی تقویت خودباوری و اعتماد به نفس در دانشجویان و التزام به ارزش ها و هویت اسلامی - ایرانی؛

- اصلاح نظام آموزشی مدارس، مبتنی بر تقویت خودباوری و احساس تعلق به هویت ملی و اسلامی؛

- مرتبط کردن هر چه بیشتر رشته های دانشگاهی با نیازهای بازار کار و ایجاد مراکزی به منظور استخدام قطعی فارغ التحصیلان و متخصصان ویژه؛

- تقویت حس وطن دوستی، با همت رسانه های جمعی و معرفی موارث فرهنگی ایرانی و اسلامی به مردم؛

- همکاری بیشتر بین سازمان های خصوصی و دولتی برای ایجاد ارتباط سالم و مبادله اطلاعات واقعی بین این سازمان ها و خارج از کشور؛

- ارتقای سطح تخصصی کادرهای آموزشی و پژوهشی در مراکز علمی؛

- رسیدگی به وضع خاص استعدادهای درخشان و سرمایه گذاری در این زمینه؛

- ایجاد بستر مناسب کاری، فراهم کردن امکانات فن آوری و ایجاد امنیت اقتصادی.

#### **(د) نداشتن مدیریت هوش و استعداد ملی**

(د) نداشتن مدیریت هوش و استعداد ملی

هوش ملی، یکی از مشکلات اساسی ماست. همچنان که منابع فراوان طبیعی ما یکی از مشکلات اساسی توسعه اقتصادی ما شده است، ما به

دلیل دارایی های زیاد نمی دانیم چگونه از آن استفاده کنیم و اگر این قدر دارایی نداشتیم، از سرمایه های طبیعی و سرمایه های انسانی مان دقیق تر استفاده می کردیم. بحران ما در واقع بحران مدیریت است، ولی این بحران مدیریت تنها با علم مدیریت یا با مدیران قوی حل نمی شود. مشکل بسیار عمیق تر است. اندیشه و فرهنگ حاکم بر جامعه و ارزش ها و هنجارهای موجود در جامعه باید تغییر کند تا ما این امکان را پیدا کنیم که از استعداد های فراوان انسانی و طبیعی خود به درستی استفاده کنیم. تا فرموده رهبر معظم انقلاب تحقق یابد که:

امسال باید فضای نوآوری، کشور را فرا گیرد و همه مسئولان خود را موظف بدانند با بهره گیری از امکانات مادی و معنوی، کارهای نو و ابتکاری و راه های میان بُر را در سایه مدیریت درست، دوراندیشی حکیمانه را در فعالیت کشور وارد کنند تا کام مردم از ثمره این تلاش ها، شیرین شود.

### ه- عدم بومی سازی علوم غربی

ه- عدم بومی سازی علوم غربی

فن آوری و علم مبتنی بر نیاز است. اکنون ما فن آوری هایی داریم که وارداتی و کاملاً نامناسب است. این فن آوری ها شیوه زندگی ما را مختل ساخته است. باید بدانیم که تنها علم غربی برای ما کافی نیست، بلکه باید با اخلاق، فرهنگ و نیازها، بومی سازی شود. علم غربی باید در یک چارچوب وسیع تری قرار گیرد. امروزه گستره علم کاهش یافته و هم افق با فن آوری معنا شده است. در نظریه های علمی و حتی در تعریف علم نیز کاملاً لایه های فرهنگی و تمدنی غرب رسوخ یافته است. در حالی که باید دید علم از نظر ما، با تعریف علمی آنان سنجیدنی است یا در کیفیت از هم جدایی دارند؟ باید بدانیم نگاه ساده انگارانه ما به علم مدرن سبب می شود که راه درمان را درست نشناسیم. آیا ما باید پایه پای علم مدرن به

همه ابعاد دیگر فرهنگی و تمدنی مان ساخت بدهیم، همچنان که ژاپن کرد. پس با این وضع، این کشور دیگر با فرهنگ و تمدن قوی خود نیست، بلکه یک غرب مدرن است که در آن ذوب شده است، ولی چگونه می توانیم ما از فرهنگ و تمدن، غافل شویم، در حالی که فرهنگ و تمدنی ریشه دارتر و عمیق تر داریم. باید به این نکته توجه داشته باشیم که تئوری ها و نظریه های علمی تجربی بر اساس دیدگاه مدرن، یعنی تقلیل حوزه معنای علم به علوم آزمون پذیر است که ریشه در لایه های دیگر و زیرساخت های نظری و فرهنگی غرب دارد. نه اصطلاح و فرهنگ مترقی ما. ما اگر بخواهیم طبق اصطلاح و فرهنگ خود سخن بگوییم، علم تجربی ریشه در لایه های عمیق تری از علم دارد، یعنی ریشه در علم عقلی و دانش نظری و ریشه در مشهود دارد. بنابراین، ما به شدت نیاز داریم که فن آوری علم مدرن را با نسب نامه و تبار نامه اش و با آن زیر ساخت های فرهنگی اش بشناسیم.

مسائل فرهنگی برخلاف مسائل فیزیکی جدای از انسان نیست که انسان آن را بگیرد، ببینید و لمس کند. انسان با فرهنگ فکر می کند، استشمام می کند و فهم و درک آن را با دشواری انجام می دهد.

البته نقد ما به فرهنگ غربی، حتی به لحاظ نظری به معنای روی گرداندن از دست آوردهای دانش غربی نیست. ولی نکته این است که مدیریت و برنامه ریزی در این عرصه بسیار مهم است. باید نظارت داشت که دانش غربی را به عنوان یک دانش و علم مطلق به ذهن نوآموزان، دانش آموزان و دانشجویان منتقل نکند، بلکه یک خودآگاهی داده شود تا ذهن از ابتدا فرصت فعالیت داشته باشد. متأسفانه ما در همه کتاب ها تعریف علم و معرفت دینی را از افق علم مدرن شروع و چنین

القا می کنیم که گزاره های علمی، گزاره های آزمون پذیر هستند و اگر گزاره ها این گونه نباشد، علمی نیستند. شاید در دهه های پیشین که بینش در «پوزیتویستی» بر محیط های علمی بیشتر مسلط بود، صحبت کردن از علوم فرهنگی یا علوم اسلامی به ویژه در غیر علوم انسانی ممکن نبود. مباحثی که در حوزه فلسفه علم مطرح شد و مسائلی که درباره هویت مستقل دانش پوزیتویستی مطرح شد، در غرب نخستین بار از سوی دانشمندانی بود که در حوزه علوم پایه کار می کردند و هیچ یک رشته اصلی شان علوم انسانی نبود. آنها ربط علم را با حوزه فرهنگی خود به اثر تأملات تئوریک یافتند، ولی در جامعه ما ربط علم و فرهنگ نخست در حوزه علوم انسانی خود را نشان می دهد و دلیل مسئله این است که علم در غرب، با فرهنگ خود سازگار است و از این جهت خود را نشان نمی دهد، ولی در کشورهای غیر غربی علم غربی ناسازگاری خود با فرهنگ بومی را پیش از همه در حوزه علوم انسانی نشان می دهد؛ زیرا تخریب فرهنگی در حوزه علوم انسانی بسیار جدی تر است؛ هم در حوزه مدیریت و هم در حوزه فرهنگ سازی.

متأسفانه با گرفتن علوم غربی در همان قدم اول، اثر تخریبی اش در حوزه فرهنگی ما نمایان می شود. علوم انسانی بسیاری از نیروهای انسانی ما را به خود مشغول می کند، ولی استفاده از علوم انسانی به تناسب حجمی که در مدارس و دانشگاه های ما تدریس می شود، کاربردی ندارد و تنها در حد اخذ مدرک است. این نوع وارد کردن علم تزلزل فرهنگی ایجاد می کند، یا اگر ایجاد نکند، زمینه های تزلزل را به وجود می آورد. ورود علوم غربی مراکز آکادمیک و دانشگاهی ما باید کاملاً برنامه ریزی شده باشد. علمی را که کاربرد و ضرورت ندارد، نباید بی هدف وارد



کنیم و علوم می هم که وارد می شود، نباید سطحی و بدون کارآیی باشند. از سوی دیگر، کسانی که در حوزه علوم انسانی وارد می شوند، باید به طور عمیق به لایه های معرفتی و فرهنگ بومی آشنا باشند تا با ورود در این عرصه ها منفعل نباشند و فعالانه گفت و گو کنند. اگر ما بر روی تعدادی اندک سرمایه گذاری جدی کنیم تا در حوزه های علوم انسانی عمق بگیرند و رشد کنند، کار سازتر است.

سوگمندان باید گفت نیروهای انسانی ما در عرصه های علمی، هرگز با علوم بومی خود که هویت فرهنگی بیشتری دارد، آشنا نمی شوند. یکی از مشکلات موجود در دو سده اخیر این است که علوم فرهنگی و بومی ما به علوم غیررسمی تنزل یافته و سازمان های رسمی علم با الگو گرفتن متن از غرب در حاشیه علوم مدرن شکل گرفتند. به همین دلیل، هیچ تعاملی بین دو حوزه علوم بومی و علوم مدرن واقع نشد. علوم پزشکی ما نیز هیچ گفت و گویی با نسل بعد نداشته و در حد یک نسل بیشتر دوام نداشت. برخی از علوم مثل فلسفه و عرفان که بسیار حیاتی هم هستند به صورت محدود خارج از سازمان های رسمی علم باقی ماندند. باید بتوانیم با یک جهت گیری برنامه ریزی شده نسلی را به طور عمیق و ریشه دار در علوم فرهنگی خود پرورش دهیم و وارد عرصه های علوم مدرن کنیم.

البته ناگفته پیداست که نمی توان انتظار داشت در سال نوآوری و شکوفایی همه این هدف ها محقق شود، بلکه باید زمینه ها و راهبردهای لازم برای دست یابی به این مهم را جامه عمل پوشاند. باید جوانان نخست با فرهنگ خود آشنایی عمیق بیابند و عمق و علقه لازم را بگیرند و آن گاه به سوی علوم غربی سوق داده شوند. باید درس فلسفه علم و جامعه شناسی علم اجباری شود، به ویژه برای رشته های علوم پایه، تا

جوانان ماهیت علوم و فن آوری را خوب درک کنند. ما باید ویژگی های فرهنگی، تاریخی، هویت ایرانی و زیست جهانی خود را به درستی درک کنیم. دانشجویان ما به خاطر فضای پوزیتیویستی دانشگاه ها و عقلانیت فردی حاکم بر دانشگاه که پشتوانه این نگاه پوزیتیویستی است. کم کم از باورهای عمیق و متافیزیکی جدا می شوند. بنابراین، باید با نگاه صدراپی پیش فرض های متافیزیکی خوبی در اختیار دانشجویان قرار داد ما باید با توجه به آموزه های دینی خود، فلسفه تعلیم و تربیت خویش را دنبال کنیم. آموزه های دینی می توانند در مقام فلسفه تعلیم و تربیت نقش آفرینی کنند. در کنار این نگاه، باید به عوامل پیشرفت و افول علمی و تمدنی خود توجه کنیم و شرایط نرم افزاری آنجا را بشناسیم و ببینیم که معرفت شناسی عالمانه آن زمان قطعاً معرفت شناسی تجربه گرا و حس گرا و ماتریالیستی نبوده، بلکه با یک معرفت هماهنگ، جهان را به سان یک کل می دید و برای جهان، مبدأ و غایتی قائل بود و به ضرورت ها و ملزومات این نوع نگاه نیز توجه داشت و تنها به فعالیت های عرفانی و فلسفی نمی پرداخت، بلکه تجربه و آزمایش می کرد البته به نتایجی هم می رسید.

نکته مهم دیگر اینکه برای رسیدن به هدف، نخست باید مدرسان و استادی تربیت شوند که خودشان «پوپرسیم» یا «پوزیتوسیم» را تبلیغ نکنند. همچنین درست است که تولید دانش و سرایت یافتن آن زمان و مکان نمی شناسد، ولی این دانش اشاعه ای را نمی توان تنها دانش دانست و به عنوان عام به آن نگاه کرد. علمی که امروزه در مراکز علمی ما تدریس می شود، عموماً مبنای پوزیتوسیتی و «سانتیسیتی» دارد. این مبنا به طور دقیق از جنبه های تئولوژی، آنتولوژی، اپیستمولوژی و مانند آن، مخالف با مبانی فرهنگی، تمدنی و فلسفی ماست.

پس چگونه می توان از دل این دانشگاه ها، علم بومی تولید کرد. بنابراین، باید درباره معرفت شناسی اسلامی و آنتولوژی اسلامی و هستی شناسی اسلامی کار کنیم. مبنایی که این سیستم بر آن قرار گرفته، با ذات فرهنگی و دینی ما در تقابل است و این تقابل هم، ذاتی است نه عرضی. پس بهتر است نخست معرفت شناسی اسلامی رشد و گسترش یابد بعد از راه این معرفت شناسی به روش شناسی اسلامی دست یابیم، پس از راه روش شناسی اسلامی می توانیم به علم عمومی و فرهنگ ایرانی - اسلامی برسیم و این کار، اصولی تر و زیربنایی تر از کار خاصی روی فلسفه علم یا جامعه شناسی است. آثار آن ریشه ای خواهد بود، در آن صورت، درمی یابیم که دانش غربی، یگانه دانش نیست و شاخص های آن، تنها راهبرد دست یابی به دانش مطلق نیست، بلکه علوم اسلامی هم از جهت محتوایی و هم روشی، بسیار غنی تر و متعالی تر از دانش وارداتی است. البته این مهم باید تدریجی انجام شود. باید عزم جدی و ملی در این زمینه صورت گیرد. البته امروزه بعضی از فیلسوفان و ریاضی دان ها و فیزیک دان های غرب نیز به خطایی که درباره جزء نگری و فراموش کردن بعضی از جنبه های انسانی و فدا کردن هستی شناسی مرتکب شده اند رسیده اند.

### **(و) تولید نکردن علم متناسب با نیازها**

(و) تولید نکردن علم متناسب با نیازها

در دانشگاه ها و مدارس ما، آنچه بیشتر بدان توجه می شود، حفظ کردن و افزودن اطلاعات است، نه خلاقیت و نوآوری، محور دانشگاه های ما بر جمع آوری اطلاعات است، نه تحلیل و فهم اطلاعات. ما موقتی و موضعی عمل می کنیم و برای دانش مان در همه رشته ها و فن آوری برنامه کلانی نداریم. متأسفانه هر روز در پی دانش های سطحی و وارداتی برمی آییم. یک روز نئوتکنولوژی، روزی اینفورمیشن تکنولوژی آی تی مد می شود و همه می خواهند در آن مشغول شوند، در حالی که همراه با

برنامه ریزی منظم و در جهت تأمین نیازهای ملی ما نیست. ما فن آوری مونتازی زیادی وارد می کنیم.

آنچه از نظر علمی در این سال های اخیر در کشور ما مطرح است، تعداد مقاله هایی است که به چاپ رسیده، به خصوص در مجله های خارجی. بنا بر آمار، تعداد این مقاله ها در سال جاری در مقایسه با سال گذشته ۴۰ درصد افزایش داشته است. ولی آیا واقعاً علم ما هم ۴۰ درصد نسبت به سال گذشته پیشرفت داشته است؟ البته اگر ما در جریان علم روز باشیم و مقاله تولید کنیم خوب است، ولی توجه نداریم علمی که تولید می کنیم چه نیازهایی را برطرف می کند! باید توجه داشت برنامه ریزی ها و تولید علم ما باید با توجه به اولویت ها و نیازها باشد. همچنین باید به فکر خودکفایی علمی باشیم. برای مثال وقتی ما در تولید نیروهای هسته ای می توانیم میله های اورانیوم تولید کنیم، نباید متکی به واردات باشیم. باید با اصلاح مدیریت ها و برنامه ریزی ها افرادی را که استعداد عظیمی دارند و به کارهای حقیر مشغولند، بازیابی کنیم و به کار اصلی خود مشغول سازیم. حال آنکه در علوم انسانی صرف نظر از رشته های فقه، فلسفه، عرفان و چند رشته دیگر که بومی هستند، دیگر رشته ها وارداتی اند و در علوم انسانی به یک خانه تکانی اساسی نیاز داریم، یعنی چیزهایی را که از غرب به ما رسیده باید در بوته نقد و بررسی قراردهیم؛ اگر حق است آن را بپذیریم و با سخن حق جدل نکنیم و اگر نادرست است، با استدلال آن را رد نکنیم. باید بدانیم که بشر با زمین و بر زمین زندگی می کند، ولی بی آسمان نمی تواند در این زمینه به سر برد. زیر آسمان و در سایه آن بر روی زمین زیست می کند و شأن و ساحت هر دو را به دیده می گیرد، ما هر دو جهان را داریم، هم جهان معنا و هم ماده، هم دنیا و هم آخرت، هم شهادت و هم غیب را و نمی توان هیچ کدام

را نادیده گرفت. برای داشتن کشور علمی - تکنیکی باید همواره به یک نکته بسیار توجه کنیم و آن اینکه بدانیم ما از کجا آمده ایم و به کجا خواهیم رفت و اینک به چه کاری می پردازیم. اگر بنیه معرفتی پشت نهضت تولید علم باشد، جهان را به گونه ای دیگر خواهیم دید و علم و تکنیک را هم.

### **(ز) دیگر موانع تولید علم**

(ز) دیگر موانع تولید علم

ما با چشمه های خشک معرفتی روبه رو نیستیم. به خلاف بعضی از مکتب های فکری که چشمه هایشان خشک است و حتی نوابغ هم نتوانستند از آن آب استخراج کنند، ما با مشکلات دیگری همچون مشکل سازمان دهی و مدیریت تحقیق، مشکل درک درست موقعیت روبه رو هستیم که در ظاهر مشکلات جانبی اند، ولی در واقع مهم و اساسی اند. ما صدها هزار نیروی فکری در حوزه و دانشگاه داریم، منتها مشکل ما این است که سازمان دهی نمی شوند، کانال کشی نشده ایم و این دو حوزه مهم علمی به هم متصل نشده اند. همچنین بحث های تولید علم، نظریه پردازی، مناظره و حلقه های نقد شکل نگرفته است. ما برای صدور انقلاب و تعمیق انقلاب علمی مان، به فکر کردن نیاز داریم. اگر اندیشه نوزیم و اگر در عرصه اقتصاد، سیاست، حقوق، هنر و فرهنگ نظریه دینی تولید نکنیم، ناتمام می مانیم. همیشه تغییرات از راه نظامی و سیاسی صورت نمی گیرد، بلکه کودتاهای بی صدا نیز داریم که کسی متوجه تغییر رژیم فرهنگی نمی شود؛ یعنی رژیم سیاسی سر جایش می ماند، ولی رژیم فرهنگی و اقتصادی کاملاً عوض می شود. از این رو، نهضت نرم افزاری بسیار مهم است و این پروژه چندین سال است که شروع شده است. با این حال، امسال رهبر فرزانه انقلاب با عنوان نوآوری، خواستار سرعت بخشیدن به روند اجرایی آن شده و از حوزه و دانشگاه خواسته است در

ساحت های اقتصاد، حقوق و سیاست و فرهنگ، نرم افزار دینی تولید کنند و این درخواست، قهرمانان خاص خود را در سنگر حوزه و دانشگاه می خواهد. آنان باید سامان دهی شوند و گره اصلی را که در علوم انسانی نهفته است باز کنیم. ما به تعدادی نابغه اصول گرا در رشته های مختلف علوم انسانی نیاز داریم. هنر ما باید این باشد که علوم انسانی غرب را که متفکرانش گاهی سر و ته می ایستند و وارونه به انسان نگاه می کنند، تغییر دهیم.

البته باید بدانیم که نواندیشی این نیست که ما قرآن و سنت را به تأویل فلسفه های شرق و غرب ببریم یا به تعطیل تفکر و تکرار امور مطرح شده و کلیشه سازی پردازیم. باید طرحی نو در افکنیم و نخست ضعف هایمان را با سازمان دهی دوباره، برطرف کنیم. ما مثل ماشینی هستیم که هر عضوش به یک سمت می روند. پس با این ماشین نمی توان به جایی رسید. مشکل ما این است که مدیریت آموزشی - پژوهشی ما در دانشگاه و حوزه به ترمیم و بازسازی نیاز دارد. البته انگیزه و منابع این کار فراهم است، ولی هماهنگی و سازمان دهی نشده است. بر این اساس، اصول گرایی به معنای تعطیل پژوهش و اندیشه و درجاذدن و تکرار امور از پیش اجرا شده نیست. در حوزه ها نباید تنها به طرح نظریه اندیش ورزان و رد آنها از سوی دیگران همت گماشت، بلکه در دانشگاه ها نیز باید به تولیدات ما با مبانی و روش های خودمان نزدیک شویم. اجتهاد و تولید علم دینی، یعنی اینکه مشکلات و موقعیت بشر و مسائل امروز را درست بشناسیم و از مبانی خود برای مشکلات و سؤال های جدید پاسخ بگیریم، نه پاسخ مشکلات دیروز را تکرار کنیم و نه پاسخ دیگران را به مشکلات امروز ترجمه لفظ به لفظ کنیم.

یکی دیگر از موانع، خودباختگی و غیرپرستی و شیفتگی در برابر نظریه ها و دیدگاه های غیرخودی است که به یک بیماری و آسیب و یک مانع فرهنگی

درونی تبدیل شده است و هر آنچه را از بیرون فرا می رسد، علمی و هر تحقیقی که به متون غیرفارسی و گاه غیرعربی ارجاع داشته باشد، علمی می پنداریم. شما اگر حتی بهترین مطلب را ارائه کرده باشید، ولی ارجاع انگلیسی نداشته باشد، علمی نیست و این یک آفت و مشکل است، یعنی اینکه اگر خود شما تولید کردید ارزش ندارد، ولی اگر تولیدات دیگران را وام گرفتید و عرضه کردید، این کار ارزش دارد و علمی است.

مانع دیگر، نبود اعتماد به نفس در افق ملی و نیز در همه افراد جامعه است.

همچنین، اسطوره شدن نوابغ و این توهم که فقط نابغه نوآور است، مانعی در این باره به شمار می رود. همه نابغه اند و باید نبوغ آنها کشف شود. ما دو شخصیت بزرگ متفکر و مولد علم در عصر خودمان داریم، شهید صدر و شهید مطهری. شهید صدر نابغه است، ولی شهید مطهری نابغه نیست. با این حال تولید شهید مطهری بیش از شهید صدر است. شهید صدر به استناد نبوغش متفاوت حرف می زند؛ ولی شهید مطهری غنی تر حرف می زد. پس این تصور که حتماً کسی باید نابغه باشد تا تولید علم کند، مانع بزرگی است و پیشاپیش، افراد را از کار باز می دارد.

مانع بعدی، حجابِ «هم عصر» بودن است. تا کسی زنده است به او توجه نمی شود، چون معاصر است. برای فردی که از دنیا رفت، بنیاد تأسیس می کنیم و هر چه با او فاصله می گیریم، تازه می فهمیم که چه کسی است.

از دیگر موانع، سنت زدگی، کهنه گرایی و میراث پرستی است. ضمن اینکه باید به میراث علمی خود پای بند باشیم. گرچه افراط در آن هم مانع است و البته هر آنچه داریم مقدس نیست.

همچنین، شخصیت زدگی و پیرپرستی نیز از موانع اساسی توسعه علم و نوآوری است. جوان ها گاهی حرف های دقیق تری می گویند و گاهی بعضی جوان ها حرف دارند، باید حرف های آنها را شنید.

مانع بعدی، فقر سنت و نقد و تبادل آراست.

مانع آخرهم، فراموش کردن رسم تکریم و از بین بردن روح قدرشناسی از صاحب نظر است که گاه به اندازه یک فوتبالیست نیز یک مبتکر قدر و جایگاه ندارد.

## ۲. راه کارهای عملیاتی کردن تولید علم

### اشاره

۲. راه کارهای عملیاتی کردن تولید علم

تولید علم و نظریه پردازی، یکی از مهم ترین گزینه ها برای خروج کشور از انفعال و به دست گیری ابتکار عمل است. کشور ما شایستگی دست یابی به درجات عالی تولید علمی و فن آوری را دارد، مشروط به اینکه به جای توقف بر روی شعار، به سوی عملیاتی کردن این آرمان بزرگ حرکت کنیم. حال ده گام زیر برای عملیاتی شدن این مهم پیشنهاد می شود:

### الف) شناخت ظرفیت ها

الف) شناخت ظرفیت ها

نخست باید دارایی ها و استعدادها بالقوه و بالفعل کشور برای تولید علم به دقت مطالعه شود؛ زیرا هر گونه برنامه ریزی بدون توجه به این امر، اجرای برنامه را با ناکامی روبه رو خواهد ساخت. افزون بر این، شناخت ظرفیت ها راه پیشرفت و توسعه آن در عرصه های مهم را روشن می کند.

### ب) آگاهی از نیازها

ب) آگاهی از نیازها

اینکه کشور ما برای دست یابی به نقطه مطلوب نیازمند چه دست آوردهایی است، موضوع مهمی است که در عمل، جریان تولید علم را با واقع بینی روبه رو خواهد کرد. در حال حاضر، برخی از نیازهای علمی و فن آوران کشور، ما را در عرصه بین الملل با انفعال و ضعف روبه رو کرده که لازم است پاسخ گویی به آنها در اولویت قرار گیرد.

### ج) شناسایی رقیب و رصد تولیدات جهانی

ج) شناسایی رقیب و رصد تولیدات جهانی

رقبای علمی ما چه کسانی هستند یا می توانند باشند؟ این پرسشی است که البته درباره رشته های مختلف علمی پاسخ های متفاوت دارد. شناسایی





وضع، عملکرد و برنامه های آینده رقیب نیز موضوع مهمی است که پس از پاسخ گویی به پرسش نخست دنبال خواهد شد. همچنین، رصد تولیدات علمی جهان از راه های شایسته، موجب می شود تا از هر نوع دوباره کاری و حرکت های بی ثمر جلوگیری شود و سطح آموزش و پژوهش را توسعه دهد.

#### **(د) اولویت گذاری**

(د) اولویت گذاری

در چه عرصه هایی باید تولید علمی صورت گیرد؟ آیا لازم است پتانسیل کشور را برای تولید علمی در تمامی رشته ها مصرف کنیم؟ پاسخ به این پرسش نیازمند هشیاری مضاعف است. با شناخت ظرفیت ها، نیازها و وضع رقیب روشن خواهد شد که لازم است ظرفیت و سرمایه کشور را در چند عرصه مهم و ضروری متمرکز کنیم و با ایجاد یک برنامه زمان بندی شده خود را به بالاترین سطح ممکن برسانیم.

#### **(ه) تقسیم کار**

(ه) تقسیم کار

پس از اولویت گذاری، باید میان دانشگاه ها و مراکز پژوهشی کشور تقسیم کار شود. تداخل، موازی کاری و ناهماهنگی برای جریان تولید علم، آفت بزرگی به شمار می رود. البته باید به گونه ای تقسیم کار شود که هر دستگاه و مرکز، مأموریتی کاملاً مشخص را بر عهده داشته باشد و به تدریج، با آن مأموریت شناخته شود.

#### **(و) ارتباط کشور با پژوهش**

(و) ارتباط کشور با پژوهش

بودجه و امکانات پژوهش در کشور باید هر سال افزایش یابد. اگر پژوهش به صورت طبیعی به همه عرصه های تولید و مدیریت مرتبط شود، خود به خود امکانات آن نیز رشد خواهد یافت. باید به گونه ای حرکت کرد که کشور، خود را واقعاً محتاج پژوهش و بهای آن را پردازد.

ص: ۱۲۰

## ز) هماهنگی آموزش با پژوهش

ز) هماهنگی آموزش با پژوهش

آموزش عالی کشور باید محقق پرور باشد. صدور چند هزار فارغ التحصیل که پس از اخذ مدرک، به توانایی پژوهش نرسیده اند یا حاضر به فعالیت پژوهشی نیستند، به راستی هدر دادن سرمایه ملی است. باید تمامی دانشگاه های ما متناسب با اولویت های تولید علم، به جذب استعدادها و پرورش آنها مبادرت کنند. بدیهی است برای تحقق این مهم، غنی سازی و بهینه کردن محتوا و روش های آموزشی، اهمیتی بسیار دارد.

## ح) ارتباط با مخازن بزرگ اطلاعاتی

ح) ارتباط با مخازن بزرگ اطلاعاتی

برای رونق یافتن تولید علم، باید به آسان ترین راه ممکن، منابع و ابزارهای پژوهش در اختیار پژوهش گران قرار گیرد. در حال حاضر، منابع و ابزارهای موجود پاسخ گوی نیازهای پژوهش گران نیست و کیفیت را با ضعف جدی روبه رو ساخته است. باید توجه داشت کتابخانه تخصصی و پایگاه های اطلاع رسانی و آزمایشگاه ها، قلب یک مرکز پژوهشی به شمار می روند.

## ط) رهبری پژوهش

ط) رهبری پژوهش

پژوهش در کشور ما نیازمند یک رهبر مقتدر و فهیم است تا در قالب یک برنامه جامع ملی، پژوهش کشور را با اشراف کامل هدایت و حمایت کند. در حال حاضر مشخص نیست سرپرست واقعی پژوهش کشور کیست و از چه دستگاهی باید انتظار برنامه ریزی جامع و ملی را داشت.

## ی) جذب و نگه داری نخبگان

ی) جذب و نگه داری نخبگان

هیچ گاه فکر کرده ایم فرار مغزها چه عوامل کم ارزشی دارد؟ ۱. رعایت احترام و شأن نخبگان؛ ۲. تأمین نیازهای معیشتی آنان؛ ۳. تأمین بودجه و امکانات پژوهشی؛ ۴. حراست از دست آوردهای علمی آنان از سرقت، چهار راه ساده برای جذب و حفظ نخبگان کشور است.



## بخش سوم: نوآوری و تولید علم از دیدگاه امام رحمه الله و رهبری

### اشاره

بخش سوم: نوآوری و تولید علم از دیدگاه امام رحمه الله و رهبری

زیر فصل ها

ص: ۱۲۳



اینک پس از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی، جامعه فرهیخته کشور در پی دعوت رهبر فرزانه انقلاب با ظرفیت جدیدی در عرصه تولید علم و نوآوری روبه روست و این باور تقویت شده است که وارثان دو تمدن اسلامی و ایرانی می توانند انقلابی دیگر، ولی این بار در عرصه فرهنگ و دانش بیافرینند. بر همه آشکار است که این توان مندی در نخبگان حوزوی، دانشگاهی، نظام اجرایی و آحاد مردم وجود دارد، ولی سازمان دهی این ظرفیت ها نقطه آغاز این حرکت عظیم علمی خواهد بود. رهبر معظم انقلاب در طلعه سال جدید فرمود:

ما نمی توانیم آرام و معمولی حرکت کنیم، بلکه باید با تلاشی مضاعف جدی تر و با نهایت شتاب، ولی حساب شده و منظم و منضبط به جلو برویم و در عرصه داخلی و همچنین عرصه پیچیده بین المللی از تمام ظرفیت ها برای دست یابی به پیشرفت های بزرگ استفاده کنیم.

انسان به عنوان نماینده خدا بر روی زمین، سرشار از استعدادها و توانایی است. این انسان قادر است کائنات را به اراده خود درآورد و در جهت ساختن و اصلاح جامعه ای پویا و موفق به کار گیرد. خلاقیت و نوآوری، سبب بروز افکار بزرگ در انسان می شود، ولی معمولاً سخت ترین مرحله، نقطه شروع است. افکار بزرگ ما را به سمت پیشرفت راهنمایی

می‌کند و فردایی روشن را برایمان به ارمغان می‌آورند. همچنین رسیدن به خودشکوفایی اگرچه امری ناممکن نیست، به آسانی نیز امکان‌پذیر نیست. خلاقیت، موهبتی است که در تمام انسان‌ها بالقوه موجود است. با این حال، ظهور و گسترش آن نیازمند شرایط مناسب است.

اساساً نهضت علمی و تولید علم و نوآوری در مجموعه علوم، با حوزه مدیریت نظام اسلامی مرتبط است. از این رو، اندیشوران و صاحب‌نظران در هر سه محور «حوزه، دانشگاه و حاکمیت» مخاطبان اصلی حضرت امام رحمه الله و مقام معظم رهبری هستند.

ص: ۱۲۶



فصل اول: تولید علم از دیدگاه امام رحمه الله

زیر فصل ها

۱. عرصه های نوآوری

۲. مخاطبان اصلی تولید علم و نوآوری

۳. تولید علم در خدمت جامعه و گریز از وابستگی

۴. راه کارهای بلند مدت در تولید علم و نوآوری (۱)

### ۱. عرصه های نوآوری

۱. عرصه های نوآوری

درک شایسته حضرت امام از خلأ موجود در حوزه معرفت شناسی، نرم افزار و سخت افزار جامعه، بیان گر نگاه ژرف ایشان به ضرورت یک خیزش بزرگ است و دعوت از دیگران به توجه عمیق در موضوع های نوآمد، استنباط احکام اجتماعی، ارتباط موضوع ها با یکدیگر و تأثیر و تأثر آنها، تغییر شرایط زمان و مکان، لزوم شناخت شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه، لزوم خودکفایی و رشد صنایع و ایجاد افق های جدید در معرفت دینی، علمی و صنایع؛ حاکی از توجه به هدف این حرکت علمی است. امام راحل بارها درباره تغییر شیوه های رایج در اداره و پیدایش صورت مسئله های نو و لزوم احکام جدید، می فرمود: «چه بسا شیوه های رایج اداره امور مردم، در سال های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند» (۲).

حضرت امام رحمه الله با گوشزد کردن ضرورت بسط معارف الهی در زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و توجه به امور مختلف جامعه، خواستار تلفیق دو فرهنگ حوزه و دانشگاه شده و فرمود:

ص: ۱۲۷

فرهنگ دانشگاه‌ها و مراکز غیرحوزوی به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت‌ها بیشتر عادت کرده است تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع‌تر گردد. (۱)

احیای تمدن الهی، راهی جز وحدت واقعی حوزه و دانشگاه به عنوان دو بال نظام کارشناسی و تصمیم‌سازی کشور ندارد. این دو باید الگوهای برگرفته از وحی را تولید و جای‌گزین الگوهای رایج وارداتی در زمینه‌های اقتصادی و غیر آن کنند. ایشان در رهنمودی می‌فرماید:

این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جای‌گزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرح‌ها و برنامه‌های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابره‌نه‌ها را ارائه دهند. (۲)

بی‌شک تا وحدت‌مبنایی در سه بعد علوم و حیانی، دانش‌های تجربی و برنامه‌های اجرایی صورت‌نگیرد، تغییر هیچ‌الگویی در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی امکان‌پذیر نخواهد بود.

امام راحل در باب دست‌یابی به فن‌آوری‌های جدید و پیشی گرفتن در همه رشته‌های علمی با به‌کارگیری ابتکار و اعتماد به نفس می‌فرماید:

مخترعین ما می‌توانند در سطح بالا اختراع بکنند. مبتکرین ما می‌توانند در سطح بالا ابتکار کنند، به شرط اینکه اعتماد به نفس خودشان را داشته باشند. (۳)

همچنین در کلامی دیگر فرمود:

ما باید روحیه خود را تقویت کرده و با تمام وجود این را بپذیریم که می‌توانیم روی پای خودمان بایستیم. این خیلی مهم است که متخصصین ما اتکا به تخصص خود کرده‌اند. (۴)

ص: ۱۲۸

---

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۹.

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۳۴۰.

۳- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۸۹.

۴- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۱۳.

۲. مخاطبان اصلی تولید علم و نوآوری

حوزه و دانشگاه به عنوان دو نهادی که بار اصلی تولید اطلاعات مورد نیاز جامعه بر دوش آنهاست و عهده دار تولید معارف و علوم لازم برای سرپرستی جامعه اند، در واقع مخاطب اصلی در عمل کردن این حرکت به شمار می روند.

طرح بحث نهضت علمی و فرهنگی و نوآوری، در حقیقت ورود به عرصه فرهنگ سازی و تسلیم نشدن در مقابل الگوهای وارداتی غرب است و بیانگر اراده جدی برای بسیج ظرفیت های موجود جامعه حول این محور و پاسخ گویی به نیازها و قطع وابستگی و خروج از انفعال و رسیدن پویایی در این زمینه است. طبیعی است در افق جدید، انتظار از فقه، ایجاد مسائل و موضوع هایی خواهد بود که بتواند جامعه را دچار دگرگونی کند و به سوی بندگی و رشد ایمان هدایت کند و نبض مدیریت تکامل اجتماعی را بر عهده گیرد. از این رو، رهبر انقلاب می فرماید:

کوشش کنید آقایان در تهذیب نفس، در تحکیم مبادی اسلام، در تحکیم فقه اسلام، در بسط فقه اسلام، این فقه غنی، در عالم مثل فقه شما چیزی نیست. این فقه غنی را بسطش دهید. (۱)

در واقع حضور فقه و اجتهاد در این افق تازه، قرار گرفتن دین در موضع سرپرستی اجتماعی، فهم جدید از متون توسعه معارف دینی، نیازمند روش های متناسب با خود است. موضوع ها و شرایط اجتماعی همواره در حال تحول است و بدیهی است که بدون شناخت روابط پیچیده حاکم بر موضوع های اجتماعی، امکان صدق و سازگاری عنوان های احکام بر نمونه ها فراهم نمی شود. به عبارت دیگر، شناخت تأثیر متقابل موضع های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در یکدیگر، یکی از

ص: ۱۲۹

مهم ترین ضرورت های مطرح شده در حوزه استنباط حکم از سوی فقهاست. امام راحل در رهنمودی می فرماید:

اما در مورد روش تحصیل و تحقیق حوزه ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست. زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می طلبد. (۱)

اصولاً کسی که متوجه روابط و پیچیدگی های حکومت و جامعه و تغییر روش های حکومت داری در جهان امروز و ایجاد هزاران مسئله جدید و خلأ نظری را در این زمینه احساس نکنند، نمی تواند دیدگاه حضرت امام رحمه الله را به خوبی درک کند. «حوزه ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه های رایج اداره امور مردم در سال های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کنند. علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند.» (۲)

حضرت امام رحمه الله دانشگاه را نیز همانند حوزه خطاب قرار می دهد. ایشان در رویارویی با مشکلات و خلأها و نیازمندی های فعلی و آینده اجتماعی، پاسخ گویی به آنها را از این نهاد فرهنگ ساز خواسته اند. ایشان

ص: ۱۳۰

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۴۸.

در این باره، به مسائلی همچون اسلامی شدن دانشگاه، (۱) لزوم دگرگونی های درست و بنیادی در دانشگاه، (۲) کنار گذاشتن نیروهای غرب زده، (۳) تلاش برای نفی وابستگی در زمینه های مختلف، (۴) تهذیب علم و مهار آن با معنویت، (۵) تولید علم و خودکفایی در علوم، (۶) تولید و آموزش علم متناسب با نیازمندی های جامعه خود، (۷) تربیت نیروهای متخصص و متعهد، (۸) توسعه معنویت (۹) و برنامه ریزی برای اداره نظام از راه تعامل با حوزه اشاره می کند.

### ۳. تولید علم در خدمت جامعه و گریز از وابستگی

#### ۳. تولید علم در خدمت جامعه و گریز از وابستگی

یکی از شاخصه های مطلوبیت علم در دیدگاه حضرت امام رحمه الله، سودمندی علم برای جامعه است. علمی که گرهی از مشکلات جامعه را ننگشاید و در خدمت اسلام و کشور نباشد، بلکه در جهت منافع بیگانگان باشد، نمی تواند علم سودمند خوانده شود. به فرموده امام راحل رحمه الله:

اسلام در رأس ادیانی است که از علم و تخصص تمجید و مردم را دعوت کرده است. حتی دعوت کرده است که هر جا یافتید علم را، از هر کافری یافتید، آن را بگیرید، اما باید بگیرید و در خدمت اسلام و کشور باشد، نه علم را بگیرید و بر ضد کشور خودتان استعمال کنید. (۱۰)

اصولاً روحیه مصرف گرایی سبب می شود که جامعه برای رفع نیازهای خود چشم به الگوهای وارداتی غرب داشته باشد، در حالی که آن

ص: ۱۳۱

- ۱- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۳۳۹.
- ۲- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۸۱.
- ۳- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۸۲.
- ۴- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۷۹.
- ۵- صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۳۵.
- ۶- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۴۳۵.
- ۷- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۳۴۱.
- ۸- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۴۳۶.
- ۹- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۴۸.
- ۱۰- صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۰۸.

الگوها بر اساس نظام نیازمندی های متفاوت و بر پایه فرهنگ، بینش و جهان بینی خاصی جوامع مادی تولید شده اند. و با نظام نیازها و ارزش های ما سنخیتی ندارند. از این رو، حضرت امام رحمه الله با درک این احساس خطربخش فعال فکری جامعه را به تلاش در جهت خودکفایی دعوت می کند و خطاب به آنان می فرماید:

باید کوشش در راه علم و به دست آوردن تخصص در رشته های مختلف، اساس فعالیت جوانان دانشجوی عزیز ما باشد که نیازمندی های میهن به دست خود آنها برآورده و کشور ما با کوشش شما خودکفا می شود. مع الأسف در دوران های گذشته اساس بر آن بود که ما را در هر چیز وابسته کنند و با ملت ما آن کنند که دستش برای هر چیز پیش دیگران دراز باشد. شما عزیزان کوشش کنید که از این وابستگی بیرون آید و احتیاجات کشور خودتان را برآورید و از نیروی انسانی و ایمانی خودتان غافل نباشید و از اتکا به اجانب پرهیزید و استقلال خود را در تمام ابعاد بیمه کنید. (۱)

#### ۴. راه کارهای بلند مدت در تولید علم و نوآوری ۱

##### اشاره

۴. راه کارهای بلند مدت در تولید علم و نوآوری (۲)

برای تأسیس یک بنای علمی فقط شناخت موانع کافی نیست، بلکه باید راه های برون رفت از مشکلات را هم شناخت، در این باره شایسته است به موارد زیر توجه شود:

#### الف) آشناسازی جامعه با جلوه های مختلف فرهنگ بیگانه

الف) آشناسازی جامعه با جلوه های مختلف فرهنگ بیگانه

جامعه اسلامی تا هنگامی که با جنبه های مخرب الگوهای زندگی غربی و سازگار نبودن آن با زندگی ایمانی آشنایی نداشته باشد، نباید هیچ گونه انتظاری داشت که یک حرکت جدی و اثرگذار در عرصه تحقق نهضت علمی و نوآوری روی دهد. امام راحل می فرمود:

آنچه می توان گفت، «ام الامراض» است. رواج روزافزون فرهنگ اجنبی استعماری است که در سال های بسی طولانی جوانان ما را با افکار مسموم

ص: ۱۳۲

۱- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۸۰.

۲- نهضت علمی و فرهنگی از نگاه امام خمینی رحمه الله، صص ۱۶۴ - ۱۷۰، با تلخیص و تغییر.

پرورش داده و عمال داخلی استعمار بر آن دامن زده اند و از یک فرهنگ فاسد استعماری جز کارمند و کارفرمای استعمار زده حاصل نمی شود. باید کوشش کنید مفاصد فرهنگ حاضر را بررسی کرده و به اطلاع ملت ها برسانید و با خواست خداوند متعال آن را عقب زده و به جای آن فرهنگ اسلامی - انسانی را جایگزین کنید تا نسل های آینده با روش آنکه انسان سازی و عدل پروری است تربیت شوند. (۱)

بدون شک، تمدن جدید غربی، ریشه در جهان بینی مادی دارد، این اندیشه با تجلیل کاملاً مادی از جهان، جامعه و انسان مدعی مدیریت بشر است و برنامه ریزی اجتماعی را بر پایه این شناخت سامان می دهد و هدفی جز توسعه رفاه و کشف لذت های ناشناخته مادی برای انسان و جامعه تعریف نمی کند. حضرت امام رحمه الله با شناخت از این جهت گیری می فرماید:

قانون های بشری انسان را به همان زندگی مادی دنیایی دعوت می کند و از زندگانی همیشگی ابدی غافل می کند و چنین قانونی برای انسان که دارای دو زندگانی است و ساز و برگ هر دو را نیازمند است، زیان های ناگفتنی دارد. (۲)

بدون تردید، برای شناخت این فرهنگ و جایگزینی فرهنگ اسلامی به جای آن، نیاز به سخت کوشی و تلاش فراوان است. همان گونه که حضرت امام رحمه الله در این باره نیز فرمود:

خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی ملی و انقلاب فرهنگی در تمام زمینه ها در سطح کشور، آنچنان محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن، سالیان دراز باید زحمت کشید و با نفوذ عمیق و ریشه دار غرب مبارزه کرد. (۳)

ص: ۱۳۳

---

۱- صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۶۱.

۲- کشف الاسرار، ص ۳۱۲.

۳- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۱۰.

بسیاری از علوم وارداتی، با نیازها و خواسته های جامعه متناسب نیست؛ زیرا از یک سو نیازهای دروغین و نامناسب، هنجارهای اجتماعی پدید می آورد و از سوی دیگر از راه مستشاران و متخصصان خودی یا وابسته به خویش در کشور هدف، با جلوگیری از نشر علوم و اطلاعات زمینه فرار مغزها به کشورهای توسعه یافته را فراهم می آورد. تمدن غرب همواره نیازمند شناسایی، جذب و سامان دهی عناصر علمی از سراسر جهان برای تقویت عقبه مدنیت است. متأسفانه امروزه بخش های زیادی از علوم متناسب با نیازهای داخل نبوده و در عمل، با مهاجرت بخشی از نخبگان جامعه از کشور روبه رو هستیم. در واقع ما به جای تربیت نیروی متخصص برای جامعه خود، نیروها را برای غرب آماده می کنیم و آنان نخست جوامع و نخبگان آن را به وسیله علوم خود تحقیر می کنند تا چنین بپندارند که دانش و علم به غرب منحصر بوده و جوامع دیگر در مقابل آن، حرفی برای گفتن ندارند و البته حاصل این تحقیر، چیزی جز شکست روحی و اعلام ناتوانی فکری و فرهنگی و به دنبال آن، خشکانیدن ریشه هرگونه خلاقیت و ابتکار و استعدادهای درخشان است. باید دانست که بعد از تحقیر، نوبت به شیفتگی به فرهنگ علوم غربی می رسد؛ چون آنان می کوشند با بزرگ جلوه دادن علوم، فرهنگ غربی و تمدن مادی و به دنبال آن احساس علاقه و شیفتگی به آن است و این انحلال در سطح نخبگان، به فرار مغزها و تبدیل شدن آنان به مهره ها و مجریان طرح و عقاید غلط آنان در سطح عمومی به صورت تقلید تمام عیار از مظاهر فرهنگ بیگانگان و مصرف فزاینده محصولات آن ظاهر می شود.

ناگفته نماند که امروزه این هدف شوم، در قالب روش ها و ابزارهای جدید و مخفی تر ظاهر شده است. اگر در گذشته، استعمار غرب با



نیروهای داخلی و اعزام مستشاران این روند را دنبال می کرد، امروز این برنامه را به وسیله شبکه جهانی اطلاعات و مانند آن انجام می دهد و با سرازیر کردن حجم عظیم و انبوهی از اطلاعات تخصصی و آماده مصرف، افکار کارشناسان و متخصصان کشورها را با هدف های خود هم سو می کند و به کار می گیرد. البته از آنجا که ارائه اطلاعات علمی همواره به صورت جداگانه و در بخش های مختلف صورت می گیرد، بیشتر وقت ها نظام مندی و ارتباط خاص آنان با یکدیگر و حاکمیت یک مبنا و روش واحد بر آنها احساس نمی شود. در این حال، بسیاری از اندیش وران خودی نیز متوجه ارتباطات درونی دانش ها و میزان تأثیر آنان بر یکدیگر نمی شوند. در نتیجه، حاکم شدن اخلاق و فرهنگ خاصی به وسیله شبکه پیچیده علوم در جامعه فراموش می شود.

### **(ب) شناخت و معرفی همه جانبه اسلام**

(ب) شناخت و معرفی همه جانبه اسلام

درگیری فکری و عملی با فرهنگ و مبانی تمدن غرب ما را متوجه مغایر بودن مبانی، هدف ها و راه کارهای علمی ارائه شده در علوم و الگوهای غربی با هدف ها و آرمان های اسلامی و انقلابی خواهد کرد و ضعف ها و کاستی های الگوی نابهنجار را در مدیریت جامعه الهی و توسعه اخلاق و معنویت آشکار می سازد. در نهایت، لزوم جایگزینی مجموعه احکام، معارف و الگوهای عملی اسلام را به جای مجموعه استعماری مشابه آشکار می کند.

این امر مسئولیت جدید را بر دوش نخبگان و فرهیختگان وفادار به اندیشه ها و مبانی اسلامی می گذارد. حضرت امام رحمه الله پس از شرح توطئه های دامنه دار دشمنان فرمود:

در این محیط باید به حسب فرهنگ الهی اسلامی، در مقابل این توطئه های دامنه دار استقامت کرد و از این فرصت الهی که به دست آمده، نویسندگان

متعهد و گویندگان و هنرمندان استفاده کنند و به مدد روحانیون آشنا به فقه اسلام و قرآن کریم، احکام الهی را که برای همه قرون است، با اجتهاد صحیح از قرآن کریم، سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اخبار سرشار از معارف الهی و فقه سنتی استخراج کرد و به عالم عرضه داشت. (۱)

باید دانست که مجموعه معارف و قوانین اسلام در درون خود، ظرفیت ایجاد تحول در پاسخ گویی به این نیازها را دارد و می تواند در عرصه نیازهای فردی، اجتماعی و تنظیم سیاست های اجتماعی، اقتصادی و تمام موضوع های حیاتی جامعه پاسخ گو باشد.

### ج) برانگیختن احساس مسئولیت خواص و عوام

ج) برانگیختن احساس مسئولیت خواص و عوام

نقد مبانی تمدن غرب و شبکه علمی آنان، افشای ناکارآمدی و زیان های آن در جامعه اسلامی، شناخت جنبه های جدید اسلام و تغییر نگاه به دین از نگرش حداقلی به حداکثر؛ مستلزم صرف وقت زیاد، تلاش و دقت فراوان و حرکتی منسجم و پیوسته همراه با صرف بودجه های کلان و به خدمت گرفتن افراد آشنا و متخصص است. این حرکت مقدس با ایجاد احساس مسئولیت، برانگیختن حساسیت اجتماعی و تبدیل این هدف به میل و خواست همگانی امکان پذیر است. امام رحمه الله در توصیه ای می فرمود:

ما می خوانیم آن قدری که می توانیم البته قدرت حاکم است، آن قدری که می توانیم این مملکت را از آن حال طاغوتی مبدلش کنیم به یک حال توحیدی اسلامی و این باید با کمک همه باشد. یکی نمی تواند این کارها را بکند، یک جمعیت نمی تواند. هر کس در هر کاری که مشغول است، باید آن کار را خوب انجام بدهد، آن کار را الهی اش کند و از طاغوتی بیرونش کند. (۲)

امروز شیوه های حکومتی و اداره نظام اجتماعی با گذشته بسیار تغییر کرده و اداره نظام به امری جمعی با مؤلفه های پیچیده و گوناگون تبدیل

ص: ۱۳۶

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۴۴۱.

۲- صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۵۸.

شده است. دیگر این گونه نیست که امور جامعه با دستور و به وسیله تعداد افرادی اندک و بدون مشارکت به سرانجام شایسته برسد. تحقق هدف های «نهضت علمی و فرهنگی» و رفع موانع آن، تنها در سایه یک حرکت عظیم اجتماعی و عزم ملی همراه با احساس مسئولیت آحاد جامعه ممکن خواهد بود. در واقع ایجاد احساس مسئولیت در برابر وظایف سبب ایجاد مشارکت در تولید و نوآوری می شود و نخبگان و فرهیختگان را به پاسخ گویی وادار می کند تا با اتکا به مکتب غنی اسلامی، به تولید علم و نوآوری دست بزنند. حضرت امام رحمه الله سفارش می فرمود:

ملت ایران با داشتن مکتبی مرقی چون اسلام، دلیلی ندارد که برای پیشرفت و تعالی خود از الگوهای غربی یا کشورهای کمونیست تقلید کند...<sup>(۱)</sup> شما این مفخرهای خودتان را از یاد نبرید، روشن فکرها را و نویسندگان ما، نویسندگان ما و تمام طبقه عالم و روشن فکر توجه به مفاخر خودشان داشته باشد، این قدر طرف غرب سجده نکنند. کتاب بنویسند، شما مطلب خودت داری، چه کار داری فلان کس چه گفته؟<sup>(۲)</sup>

#### **(د) نهادینه سازی فرهنگ تولید**

(د) نهادینه سازی فرهنگ تولید

از مهم ترین آسیب مصرف زدگی و وابستگی به دست آورد غرب، سلب روحیه کار و تولید و خودکفایی است. حضرت امام رحمه الله نیز همانند رهبر فرزانه انقلاب با حساسیت فراوانی در برابر وابستگی فکری، علمی و فرهنگی، همواره جامعه را به نفی وابستگی در این ابعاد و و کسب خودکفایی دعوت می کرد و به منظور تشویق و حمایت های مادی و معنوی از کسانی که به ظرفیت های خودباور داشته اند، تولید علم را به

ص: ۱۳۷

---

۱- صحیفه نور، ج ۴، ص ۵۰۷.

۲- صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۶۹.

شرق و غرب منحصر نمی‌داند و شجاعت مبارزه با جهل و نادانی و شهادت ورود به عرصه تولید علم و نظریه پردازی را در خود احساسی می‌کند. ایشان در سخنی می‌فرماید:

مهم‌ترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی، توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه‌جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصین است که شهادت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به در آمده و نشان داده‌اند که می‌توانند کشور را روی پا خود نگه‌دارند. ان‌شالله این استعدادها در پیچ و خم کوچه‌های اداره‌ها خسته و ناتوان نشوند(۱)... بر دولت‌ها و دست‌اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمک‌های مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کارهای مصرف‌ساز و خانه‌برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند، بسازند تا خود همه چیز را بسازند(۲).

ایشان درباره ضرورت خودکفایی علمی دانشگاه‌ها بر پایه نیازمندی‌های جامعه اسلامی می‌فرماید:

ما می‌خواهیم یک دانشگاهی ... و ... کشوری داشته باشیم که این وابستگی مغزی ما را که مقدم بر همه وابستگی‌ها و خطرناک‌تر از همه وابستگی‌هاست، نجات دهد. ما اساتید دانشگاهی را می‌خواهیم که آن اساتید بتوانند مغزهای جوان‌های ما را مستقل بار بیاورند. غربی نباشند، شرقی نباشند، رو به غرب نایستند، آتاتورک نباشند و تقی‌زاده هم نباشند ما می‌خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم که بعد از چند سال دیگر تمام حوایج خودمان را، خودمان تحصیل کنیم(۳).

ص: ۱۳۸

---

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۵۸.

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۱۷.

۳- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۶۰.

## ه- فعال سازی باورها و انگیزه های دینی جامعه

ه- فعال سازی باورها و انگیزه های دینی جامعه

موفقیت در عرصه تولید علم و انقلاب فرهنگی و تحقق هدف های آن، بدون تکیه بر حرکت جهادی در عرصه علمی ممکن نخواهد بود. اگر عموم مردم و نخبگان جامعه احساس کنند این حرکت، نوعی جهاد با دشمن است و آنها در نبردی فرهنگی حضور دارند که حاصل تلاش آنها نیرومند شدن نظام ولایت و توسعه این نظام در عرصه جهانی در مقابل نظام کفر است، این حرکت پرتوان تر و شتابنده تر به پیش خواهد رفت. اگر مردم دین دار متوجه شوند که دشمن از سنگر علم و با استفاده از معادله های کاربردی و الگوهای توسعه اجتماعی به مبارزه با مفاهیم قدسی و الهی پرداخته است و این حرکت به سبب دوری از معنویت و گسترش دنیاگرایی و ضعیف کننده دین است، بی گمان در این جهاد علمی و بازپس گرفتن این سنگر از دشمن لحظه ای درنگ نخواهند کرد و همین حرکت در نهایت، به فتح سنگرهای کلیدی در سراسر جهان منجر خواهد شد. حضرت امام راحل رحمه الله می فرمود:

من قبلاً نیز گفته ام همه توطئه های جهان خواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوئیم اسلام جواب گوی جامعه است و حتماً در مسائل و اقدامات خود از آنان محور بگیریم. ما نباید غفلت بکنیم. واقعاً به سمتی حرکت نماییم که ان شاءالله تمام رگه های وابستگی کشورمان از چنین دنیای متوحشی قطع شود. (۱)

ایشان با هدف تلاش برای جایگزینی فرهنگ تولید به جای مصرف و تکیه بر مؤلفه های دینی و انگیزه های ایمانی یادآور می شود:

ما در مرحله ای هستیم که تازه متولد شده ایم و من می گویم اگر ما گرسنه باشیم و پیاده راه برویم و منزوی باشیم و به طرف خود کفایی حرکت کنیم این بهتر از این است که وابسته و مرفه باشیم و مهم این است که اعتقاد به آن نیت و ارزش های اسلامی و استقلال اقتصادی پیدا کنیم. (۲)

ص: ۱۳۹

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۹۰.

۲- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۵۲۴.

فصل دوم: تولید علم و نوآوری از دیدگاه رهبری

رهبر فرزانه انقلاب در بهمن ماه سال هشتاد و یک در نشستی با اهل قلم، بر تولید علم و آزاداندیشی تأکید کرد. آنچه بر ضرورت این کار می افزاید، شرایط حاکم بر جهان و منطقه است. البته تولید دانش مانند هر کار دیگری به ایجاد انگیزه کاری نیاز دارد که این مهم، باید در آحاد جامعه اسلامی رخ دهد و در این میان، سهم نخبگان در تولید علم و فن آوری بیشتر است. در زمینه تولید علم باید باور علمی به یک باور عمومی تبدیل شود. در عرصه علوم حوزوی باید با برداشت و تفسیر درست آموزه های دینی درباره علم اندوزی، زمینه را برای رشد و تولید در همه بخش های علوم دینی فراهم آوریم. وظیفه اصلی در این بخش به عهده فرهیختگان حوزوی است. پس از ایجاد زمینه هایی در تغییر نگرش کلان به علوم دینی، همت همه حوزویان نباید تنها در علوم فقهی و اصولی صرف شود، بلکه در دیگر شاخه های علوم اسلامی نیز به همان اندازه باید تلاش و تولید صورت گیرد. نیز انجمن های علمی مختلف در بخش های علوم دینی ایجاد شود و در مجامع دانشگاهی با گرایش به جهان بینی اسلامی به تولید علم دست بزنند، نه با نگرش و جهان بینی سکولار. تأکید بر مسئله اعتماد به نفس و ایمان به سیاست راهبردی «ما

می‌توانیم» و جلوگیری از روحیه ترجمه محور بودن جامعه علمی کشور، نهادینه سازی روحیه نقد علمی، راه انداختن سنت تضارب آرا، تأکید بر جنبه پژوهش و جای‌گزینی نگرش پژوهش محوری به جای آموزش محوری، هماهنگ کردن نهادهای علمی با نیازهای اصلی جامعه، می‌تواند از مهم‌ترین برنامه‌های دانشگاهیان باشد. آنچه رهبر معظم انقلاب در نامه خود به فرهیختگان حوزوی به عنوان امور ضروری نهضت علمی و جنبش نرم‌افزاری برشمرد، بسیار مهم و اساسی است. ایشان امور زیر را در این حرکت لازم می‌داند: فراهم آوردن فرصت بیشتر برای نظریه‌پردازی و نقد و بررسی ایده‌های آنان را به وسیله اهل فن در محضر وجدان علمی جامعه، ایجاد تضارب آرا و گسترش فضای انتقادی سالم، گفت‌وگوی آزاد و برقراری امنیت لازم برای شجاعت در نظریه‌پردازی، تقدیر از نظریه‌سازان و نوآوران و تبدیل تولید نظریه و فکر به عنوان یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه، تدوین قواعد و روش‌های علمی و معقول برای گفت‌وگوی علمی و نظریه‌سازی در چارچوب‌ها و محدوده‌های آزادی و نظریه‌پردازی یعنی وفاداری به اصول، التزام به منطق و روش مندی علمی، رعایت اخلاق و ادب، استفاده از آزادی، رعایت حقوق مادی و معنوی دیگران.

نکته مهم این است که اگر دنیای مادی توانست پس از چند سده تمام علوم مورد نیاز خود را جهت ساخت جامعه و تمدن مادی تولید کند و به سمت ساخت جامعه جهانی بر محور ارزش‌ها و مفاهیم خود پیش رود، جامعه اسلامی هم باید بتواند علوم بومی و دینی خود را تولید کند تا از حالت انفعال و تسلیم محض در برابر علوم وارداتی بیرون آید و عرصه جهانی را به تسخیر اندیشه و فرهنگ ناب اسلامی درآورد. از همین رو، نهضت نرم‌افزاری را باید جزو مسائل راهبردی نظام اسلامی

به شمار آورد که هرگونه برخورد نامناسب یا سهل انگاری در خصوص آن نظام را با بحران هویت و کارآمدی در سطح ملی و بین المللی روبه رو می کند. بر اساس همین حساسیت، مقام معظم رهبری افزون بر مطالبه جدی این مهم از نهادهای مولد فکر در جامعه، جنبه های مختلف این موضوع را در مجامع گوناگون فرهنگی و علمی مطرح کرد.

## ۱. تولید علم

### ۱. تولید علم

مقام معظم رهبری معتقد است که با همت عالی و آرمانی و اندیشه و روش نوین می توان از بن بست تقلید از دنیای غرب خارج شد. ایشان می فرماید:

امروز همه همت ما این است که نه فقط علم بلکه فرآورده های علمی و تکنولوژی و خرده تکنولوژی را از آنها یاد بگیریم و از آنها تقلید کنیم، این کاری نیست که یک ملت باید به آن همت بگمارد. البته این کارها باید بشود و چاره ای نیست. وقتی انسان چیزی را ندارد، آن را از کسی که دارد، می گیرد. وقتی ساخت آن را بلد نیست، از کسی که بلد است، یاد می گیرد. در این شکی نیست، ولی باید راه نو و فکر نو و بن بست شکنی را وجهه همت خود قرار دهد. (۱)

همواره نیازهای خاص، اندیشمندان جامعه را به فکر تولید یک نظریه سوق می دهد. همچنین نیازها و دانش هایی که در یک بستر فرهنگی اجتماعی ویژه پدید می آیند، بار فرهنگی خاصی آن جامعه را به همراه دارند. بنابراین، معنا ندارد که تنها به ترجمه اکتفا کنیم. راه کار اصلی، اجتهاد و تولید علم است. حتی بومی سازی علوم هم برای دوران گذر خوب است. از این رو، رهبر معظم انقلاب می فرماید:

راه حل واقعی این است که یک ملت خودش باشد، با مغز خودش فکر کند، با چشم خودش ببیند، با اراده خودش انتخاب کند، آنچه را هم

ص: ۱۴۲

---

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری و افراد ممتاز آزمون های ۸۰ و ۸۱، ۳/۷/۱۳۸۱.



انتخاب می کند، آن چیزی باشد که برایش مفید است، ما باید با حفظ تمدن مان با دست و بازوی خود کار کنیم و فقط ترجمه، کار منحصر ما نباشد. (۱)

این بزرگوار معتقد است اجتهاد واقعی و تولید معرفت دینی جدید و کارآمد در حوزه، نه تکرار سخنان، بزرگان و نام آوران حوزه، که کشف و طرح دیدگاه های جدید است. از این رو، نباید گمان کرد که معنای تولید علم در حوزه صرف یک «تألیف جدید» از مطالب گذشته، بلکه رسالتی است به منظور تولید فکر تکاملی و ناظر به نیازهای امروز سراسر عالم. به فرموده ایشان:

اگر از کلام صحبت می کنیم، فوراً ذهن به نوشتن چهار کتاب کلامی نرود. کار حوزه انتشار کتاب های بیشتر نیست، بلکه تولید فکر تکاملی است. چنانچه تولید افزایش یافت، نوبت به نشر هم می رسد. نشر، مسئله دوم است. (۲)

رهبر معظم انقلاب همواره از صاحبان فکر و اندیشه در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، نوآوری و تولید علم را می خواهند. برای نمونه در پیام نوروزی ۱۳۸۷ خود، با اشاره به برخی دیدگاه ها درباره ممکن نبودن پیشرفت اقتصادی در کنار کاهش فاصله طبقاتی یادآوری کرد:

در این گونه موارد نباید نسخه های غرب به عنوان تنها راه حل تصور شوند، بلکه در چنین مسائلی تأکید بر نوآوری و استفاده از ایده ها و فکرهای نو است.

رهبر فرزانه انقلاب با نام گذاری سال ۱۳۸۷ به نام «نوآوری و شکوفایی»، انتظار دارد که در همه بخش ها به ویژه حوزه، دانشگاه و مراکز علمی و پژوهشی، از همه تجربه ها و اندیشه ها برای ابتکار، خلاقیت و نوآوری استفاده شود. ایشان بارها بر این امر تأکید کرده است:

ص: ۱۴۳

---

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در اجتماع جوانان استان گیلان، ۱۲/۲/۱۳۸۰.

۲- سخنان رهبر معظم انقلاب، روزنامه کیهان، ۱۶/۹/۱۳۷۴.

فضای عمومی کشور بایستی فضای ترویج، تولید، گسترش و تحقیق علم و پرورش عالم و محقق باشد. وقتی فضای عمومی این طور شد، معنایش این نیست که لزوماً در همه خانه ها یا در هر نقطه ای از جامعه بایستی علم به وجود بیاید، بلکه علم لازم است در نقطه مناسب خودش به وجود بیاید. (۱)

در اندیشه مقام معظم رهبری، ارائه الگوی زندگی در پرتو تولید علم و اندیشه بسیار ضروری است. از این رو، انتظار ایشان از دانشگاه ها، ارائه راه کارهای جدید بر پایه اصول دینی است:

باید مغز متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آنها در نظر بعضی مثل وحی و منزل است و درباره اش نمی شود اندکی تشکیک کرد، در کارگاه های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حلایجی کنند، روی آنها سؤال بگذارند. این جزمیت را بشکنند و راه های تازه ای را پیدا کنند که هم خودشان استفاده کنند و هم به بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است. امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است. دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم افزاری همه جانبه و عمیق در اختیار این کشور و ملت بگذارد تا آن کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالب ها و نوآوری های علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزش های اسلامی را بالا ببرند. امروز کشور ما از دانشگاه این را می خواهد. (۲)

## ۲. تولید نرم افزارهای علمی و معنوی

۲. تولید نرم افزارهای علمی و معنوی

ظهور ناکارآمدی تمدن مادی و یأس بشر از این تمدن، روند نهضت نرم افزاری را ضرورت می بخشد. تمدن ظاهر و فریب غرب نه تنها نتوانست سعادت، رفاه و کرامت را برای بشریت به ارمغان آورد، بلکه منشأ بروز مشکلات و نابسامانی های زیادی در جنبه های مختلف روحی، ذهنی و رفتاری در جوامع غربی و شرقی شده و اینک به تمدنی رو به

ص: ۱۴۴

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان نخبه، ۲۱/۱۱/۱۳۸۲.

۲- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۹/۱۲/۱۳۷۹.

زوال و ناتوان برای پاسخ گویی به نیازهای معنوی تبدیل شده است. رهبر معظم انقلاب می فرماید:

تمدن غربی بر پایه ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شد. این خطای بزرگ کسانی بود که تمدن و حرکت علمی و صنعتی را در اروپا شروع کردند، به علم اهمیت دادند. این خوب بود، اما با معنویت به جنگ برخاستند؛ این بد و انحراف بود. لذا این تمدن مادی و دور از معنویت هر چه پیشرفت کند، انحرافش بیشتر می شود. هم خود آنها و هم همه بشریت را با میوه های زهر آگین خود تلخ کام می کند، همچنان که تا امروز کرده است... ویران شدن کانون خانواده، سیلاب فساد جنسی و طغیان سرمایه داری افراطی، همه نتایج همان تفکیک است. قدرت های ستمگر عالم به خصوص در صد سال اخیر بر حذف معنویت و ارزش های والای انسانی در زندگی جوامع بشری پای فشرده اند و نتیجه آن، گسترش فسادهای اخلاقی و اعتیاد و بی بند و باری و ویرانی بنیان خانواده و نیز رشد استثمار و افزایش فاصله میان ملت های فقیر و غنی و دوری روز افزون از عدالت اجتماعی و بی اعتنایی به کرامت انسان و تولید سلاح های مرگ بار و افزایش کشتارهای دسته جمعی گردیده است. علم نیز مانند انسان، قربانی حذف معنویت و بی اعتنایی به ارزش های دینی شده است. (۱)

در شرایطی که دنیا، از تمدن بی معنویت غرب مأیوس شده، اگر نظام اسلامی بتواند الگویی جدید از حیات مبتنی بر معنویت و هدایت الهی را به بشریت تشنه امروز ارائه دهد، زمینه گرایش جهانی را فراهم می آورد. رهبر فرزانه انقلاب در کلامی دیگر می فرماید:

امروز نظام اسلامی، هویت، هدف و توانایی نظام غربی را مورد سؤال قرار داده است و برترین متفکران غربی به تدریج کسل کننده بودن نظام غربی را ابراز کنند و آن را بر زبان می آورند. بر همین اساس، تمدنی که با رنسانس آغاز شده امروز به نقطه پایانی خود نزدیک می شود. بشر امروز در پی یافتن یک جایگزین برای نظام غربی است و گرایش به سوی اسلام، در ایالت متحده امریکا، اروپا و آفریقا از همین امر ناشی می شود. (۲)

ص: ۱۴۵

۱- رهبر معظم انقلاب، حدیث ولایت، ج ۹، صص ۷۴ و ۷۵، ۷/۱۰/۱۳۷۰.

۲- رهبر معظم انقلاب، روزنامه جمهوری اسلامی، ۳/۵/۱۳۷۴.

۳. هدف های نهضت تولید علم

مهم ترین هدف های نهضت نرم افزاری از منظر رهبر فرزانه انقلاب، ساخت تمدن اسلامی با گستره جهانی با پرچم داری انقلاب اسلامی ایران، تولید و ارائه الگوی اداره اسلامی، آزاداندیشی و خارج شدن متفکران جهان اسلام از سلطه علمی و فکری جهان غرب و در نهایت، حفظ عزت اسلامی است. ایشان می فرماید:

سرنوشت حتمی، عبارت از این است که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا پرتو خود را بگستراند. خطی که نظام اسلامی ترسیم می کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است. (۱)

معظم له در سخنان دیگری می فرماید:

این کشور باید ساخته بشود. این کشور باید پیش برود. این ملت بزرگ بایست استعدادهایش شکوفا بشود، بایستی در دنیا بدرخشد و بالاخره آن تمدن عظیم اسلامی را در مقابل چشم جهانیان بگذارد و نشان بدهد... (۲)

البته در سایه بازسازی تمدن عظیم اسلامی ما قادر خواهیم بود که به یک قدرت برتر جهانی تبدیل شویم و این مهم، در پرتو تولید علم امکان می پذیرد:

برای ایجاد یک تمدن اسلامی مانند هر تمدن دیگر، دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است، یک اقیانوس است... سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن، که از کتاب و سنت همه اینها استفاده می شود، کاری است که همگان باید بکنند. کاری است که در طول زمان باید انجام بگیرد. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان، از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است. (۳)

ص: ۱۴۶

- ۱- رهبر معظم انقلاب، روزنامه جمهوری اسلامی، ۳/۵/۱۳۷۴.
- ۲- سخنان رهبر معظم انقلاب به مناسبت عید سعید غدیر، ۲۷/۱/۱۳۷۷.
- ۳- سخنان رهبر معظم انقلاب در اجتماع طلاب مدرسه فیضیه، ۱۴/۷/۱۳۷۹.

هرچند پس از انقلاب اسلامی بر اساس نیاز و ضرورت بعضی از الگوها را پذیرفتیم، ولی ناگفته پیداست که این الگوها هم سو با آرمان‌ها و محتوای دینی ما نیست و به اصلاح و بازنگری نیاز دارند تا الگوهای جامع و کامل بر پایه ارزش‌های دینی طرح ریزی شود. به منظور تأمین این هدف است که رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

اسلام، یعنی بنای یک نظام اجتماعی و یک زندگی عمومی برای یک ملت، بر پایه‌های مستحکمی که می‌تواند سعادت دنیا و آخرت را تأمین کند، می‌تواند علم و پیشرفت و صنعت و ثروت و رفاه و عزت بین‌المللی و همه چیز را برای آنها فراهم کند. مردم دنبال این بودند.

همچنین حفظ و توسعه عزت اسلامی در کنار استقلال سیاسی و اقتصادی، به استقلال علمی و فرهنگی نیز وابسته است. بنابراین، رهبر انقلاب در توصیه‌ای می‌فرماید:

امروز وظیفه شماست که تلاش کنید و هدف این تلاش هم، عبارت است از عزت بخشیدن به اسلام و استقلال بخشیدن به ایران اسلامی. کشورتان را از همه جهت مستقل کنید. البته مستقل بودن به معنای این نیست که در استفاده از خارج از مرزها را ببندیم؛ اینکه معقول نیست، هیچ‌کسی هم به این کار دعوت نمی‌کند. در طول تاریخ افراد بشر از هم استفاده کرده‌اند، ولی فرق است بین تبادل فکر و اندیشه و دارایی‌های میان دو موجود همسان و هم وزن و هم قدر، [با] در یوزگی یک موجود از موجود دیگر از راه التماس و اعطای به او همراه با تحقیر. این، آن چیزی است که کم و بیش تا قبل از انقلاب بوده است.

رهبر فرزانه انقلاب در پیام نوروزی سال ۱۳۸۷ نیز با تأکید بر حفظ عزت و اقتدار اسلامی تأکید فرمود:

علاج ملت ایران در کسب اقتدار است و امروز خوش بختانه مسئولان کشور عزت ملی را کاملاً در نظر دارند و در مقابل زورگویی و زورگیری دشمن ایستاده‌اند.

#### ۴. گستره تولید علم و نوآوری

تولید علم نباید به علم و دانش خاصی محدود شود، بلکه در تمام علوم اعم از حوزوی و دانشگاهی و علوم مربوط به فن آوری و تولیدات صنعتی، حتی در الگوهای اجرایی نیز باید به دنبال تولید و نوآوری باشیم. یعنی در علمی که با آنها همه شئون فردی و اجتماعی اداره می شوند و جامعه به سوی تکامل الهی هدایت می شود، ما نیازمند اجتهاد و نوآوری هستیم. رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی سال ۱۳۸۷ می فرماید:

ما نمی توانیم آرام و معمولی حرکت کنیم، بلکه باید با تلاشی مضاعف، جدی تر و با نهایت شتاب، ولی حساب شده، منظم و منضبط به جلو برویم و در عرصه داخلی و همچنین عرصه پیچیده بین المللی از تمام ظرفیت ها برای دست یابی به پیشرفت های بزرگ استفاده کنیم.

این ظرفیت ها در بین حوزه و دانشگاه و مراکز آموزش و پژوهشی و نخبگان کشور وجود دارد. از این رو، رهبر فرزانه انقلاب، مهم ترین وظایف حوزه ها را ارائه الگوهای اسلامی اداره نظام متناسب با نیازها می داند و می فرماید:

وظیفه عمومی حوزه ها و وظیفه یکایک افراد و فضلا در حوزه های علمیه و روحانیون آگاه روشن فکر و فاضل که در سراسر کشور هستند، وظیفه شان امروز این است که فکر اساسی و نظریه بنیادی مربوط به جمهوری اسلامی را که همان نظریه حاکمیت اسلام در همه امور زندگی و حیات بشری است، با استدلال و منطق و با ملاحظه جوانب گوناگون این مسئله تبیین کنند.<sup>(۱)</sup>

همچنین از عرصه های دیگر تحقق نهضت تولید علم، دانشگاه است. علوم دانشگاهی به خاطر ارتباط با علوم انسانی و ارتباط با علوم

ص: ۱۴۸

---

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در آغاز درس خارج فقه، ۱۹/۶/۱۳۸۰.

کاربردی پر اهمیت است. با این حال، متأسفانه بسیاری از علوم دانشگاهی از غرب گرفته شده است. از این رو، هماهنگی با ارزش‌ها و معارف دینی ما نیست و کارآیی لازم برای اداره نظام را ندارد. بدین ترتیب، رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

ما به خصوص در زمینه علوم انسانی، برخلاف آنچه انتظار می‌رفت و توقع بود حرکت متناسب و خوبی نکرده ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم حالا چه در زمینه اقتصاد و چه در زمینه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست را به شکل وحی مُنزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته ایم و به صورت فرمول‌های تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده ایم و بر اساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه خودمان را تنظیم کنیم. گاهی که این فرمول‌ها جواب نمی‌دهد و خراب در می‌آید، خودمان را ملامت می‌کنیم که ما درست به کار نگرفته ایم! در حالی که این روش، روش غلطی است. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم که به معنای حقیقی کلمه، مواد و مفاهیم اساسی‌ای که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فن‌آوری کرد. در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم، البته در این قسمت حوزه و استادان مؤمن و معتقد به اسلام می‌توانند با جست‌وجو و تفحص نقش ایفا کنند؛ اینجا از آن جاهایی است که ما باید به تولید علم برسیم. (۱)

باید توجه داشت که پایه و مبنای علوم انسانی موجود بر معرفت غیردینی و حتی ضددینی بنا شده است. پس این علوم کارآیی محدودی در نظام اسلامی دارند و لازم است تغییر کنند؛ همان‌گونه که رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

پایه و مبنای علوم انسانی که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه‌شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته‌های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضددینی و غیردینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت

ص: ۱۴۹

والا- و توحیدی اسلامی رسیده باشند. ما در این زمینه باید کار کنیم، در زمینه علوم تجربی باید کار و تلاش کنیم. قدرت پیشرفت علمی و باز کردن راه های نو و گشودن افق های جدید را باید در خودمان به وجود بیاوریم؛ همت ما باید این باشد، توقع این است. (۱)

از دیگر عرصه های مهم و اثرگذار در باب تولید علم و نوآوری، تولید دانش های ناظر به اجراست.

این عرصه، از حساس ترین قلمروهای تولید دانش است؛ زیرا تمام تنظیم ها و کنترل های اجتماعی در زمینه های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر پایه این الگوهای اجرایی صورت می گیرد. تولید علم، ممکن است در عرصه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن صورت گیرد، ولی باید توجه داشت که الگوی توسعه نظام اسلامی، با فرهنگ دینی و بومی این ملت گره بخورد، و گرنه صرف توسعه اقتصادی بودن، تحکیم ارزش ها پیشرفتی را نصیب نظام اسلامی نخواهد کرد.

به فرموده رهبر بزرگوار انقلاب نیز:

هر اقدامی در راه توسعه اقتصادی و آبادسازی کشور در صورتی با توفیق همراه خواهد بود که از تفکر و اصول اسلامی مایه بگیرد و در جهت تحکیم آرمان ها و ارزش ها و شعارهای انقلاب اسلامی باشد. در این صورت است که حرکت سازندگی، حرکت حقیقی و تضمین شده خواهد بود و کشور به توهم سازندگی در ورطه وابستگی و فساد مالی و سیاسی و اخلاقی نخواهد غلتید. (۲)

در زمینه دگرگونی نظام اقتصادی، نقش نظریه پردازان مسلمان علم اقتصاد نیز انکارناپذیر است؛ کسانی که از یک سو با مبانی و مفاهیم اقتصاد آشنایند و از دیگر سو بر پایه دغدغه دینی، اصلاح ساختار نظام اقتصادی را جست و جو می کنند:

ص: ۱۵۰

---

۱- سخنان هبر معظم انقلاب در دیدار با اساتید دانشگاه ها، ۲۶/۹/۱۳۸۳.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب، روزنامه همشهری، ۱۳/۳/۱۳۷۵.



دولت به متفکرین دانشگاهی تکیه کند و اقتصاددان های مملکت نیز آنچه را با کشور ما، با عقاید ما و با خصوصیات کشور ما متناسب است، پیدا کنند.<sup>(۱)</sup>

البته در هر حال، رسالت اصلی بر عهده حوزه های مقدس علمیه است که وظیفه تبیین مبانی و تدوین مواضع اسلامی را در همه عرصه ها بر عهده دارند، هر چند بخش عمده ای از طراحی این ساختار هم با کمک دانشگاه یا سازمان مدیریت و برنامه ریزی و مانند آن شکل خواهد گرفت.

## ۵. موانع تولید علم

### اشاره

#### ۵. موانع تولید علم

از منظر رهبر فرزانه انقلاب، یأس و نومیدی، افکار التقاطی، عقب ماندگی، هرج و مرج علمی، مانع تراشی دشمنان خارجی؛ برخورد متعصبانه و غیرمنطقی با اندیشه ها، نفوذ مخالفان اسلام و انقلاب در مراکز علمی و سیاسی کاری مسئولان مراکز علمی، از جمله موانع تحقق تولید علم و نوآوری به شمار می روند. برای رفع موانع در این زمینه ها، لازم است به نکات زیر توجه شود:

### الف) یأس و ناامیدی

#### الف) یأس و ناامیدی

صاحبان اندیشه با امید به تحقق تولید علم، از ناامیدی و بی انگیزه گی بپرهیزند و بدون شتاب زدگی به پایه گذاری این بنای علمی بپردازند. رهبر معظم انقلاب می فرماید:

از شما و هم فکراتان در حوزه و دانشگاه می خواهیم که این ایده ها را تا لحظه عملی شدن و ثمر دادن - هرچند دراز مدت - تعقیب کنید؛ نه مأیوس و نه شتاب زده، ولی باید این راه را که راه شکوفایی و خلاقیت است، به هر قیمت پیمود. این انقلاب باید بماند و برنامه تاریخی و جهانی خویش را به بار رساند.<sup>(۲)</sup>

ص: ۱۵۱

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب، ۶/۱/۱۳۷۳، نهضت نرم افزاری از نگاه مقام معظم رهبری، گروه مؤلفان، ص ۱۰۵.

۲- پاسخ رهبر معظم انقلاب به نامه دانش آموختگان حوزه و دانشگاه، ۱۸/۱۱/۱۳۸۱.

## ب) وجود افکار التقاطی

ب) وجود افکار التقاطی

وجود افکار التقاطی، چه در حوزه علوم دینی و چه در حوزه علوم دانشگاهی، رهنمون است. کسانی که درصددند با تلفیق نظریه های مطرح شده در دانش بیگانه با فرهنگ ناب، مشکل گشایی کنند، به بیراهه می روند:

یک عده تحت تأثیر جادبه های افکار نوی وارداتی، مجذوب اینها می شدند و سعی می کردند اسلام و فکر اسلامی و دین را با اینها تطبیق کنند. منتی هم بر سر دین می گذاشتند که ما اسلام را جوان پسند و مردمی و قابل قبول کرده ایم!

گاهی اوقات کاسه ای از آش داغ تر هم می شدند و چند قدم هم جلوتر از صاحبان این فکرها پیش می رفتند، برای اینکه مبادا متهم به مرتجع بودن و این حرف ها شوند که این کار را هم ما در مواردی دیدیم. نبوت و توحید و معاد و مباحث امامت و مباحث فقهی و مباحث اجتماعی و سیاسی اسلام را به سمت مشابهات خودش در مکاتب بیگانه از اسلام و احیاناً الحادی و به کلی بیگانه از دین کشاندند و منت هم سر اسلام می گذاشتند که ما آمدیم اسلام را همه کس فهم، همه کس پسند و در چشم ها شیرین کردیم. (۱)

## ج) تحجر علمی

ج) تحجر علمی

تحجر علمی نیز مانع بزرگی است و آن اینکه یک عالم و دانشور، دانسته ها و علمی که به آنها رسیده، در نظرش خدشه ناپذیر جلوه کند.

از این رو، در خود جرئت طرح دیدگاه جدید را ندارد و دیدگاه های نوی دیگران را هم نمی پذیرد. رهبر معظم انقلاب در نفی چنین رویه ای می فرماید:

تحجر این است که کسی که می خواهد کار بزرگی با این عظمت را انجام بدهد، نتواند نیازهای زمان و لوازم هر لحظه لحظه زندگی یک ملت را از قرآن بشناسد و بخواهد در یک وضعیت ایستا و بدون انعطاف، حکم نماید و کار کند و پیش برود، این امکان پذیر نیست. معنای تحجر آن است که کسی که می خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا کند و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف

ص: ۱۵۲

اسلامی را در آن جایی که قابل کشش است درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور که نیاز لحظه به لحظه است، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد؛ این بلای بزرگی است... (۱).

#### (د) هرج و مرج علمی

(د) هرج و مرج علمی

بی شک برخی از مفاهیم به مرور زمان کارآیی خود را از دست می دهند و نیاز به بازسازی دارند. همچنین، مفاهیم تهی از اخلاق غرب نیاز به باروری اخلاقی دارند. البته این ضرورت ها نباید سبب گرافه گویی های علمی و به تعبیری هرج و مرج علمی بشود، چنان که رهبر انقلاب در هشدار می فرماید:

البته اشتباه نشود، من کسی را به آنارشیزم علمی و به مهمل گویی علمی توصیه نمی کنم. در هر زمینه ای آن کسانی که از دانشی برخوردار نیستند، اگر بخواهند به خیال خودشان نوآوری بکنند، به مهمل گویی می افتند. ما در زمینه برخی از علوم انسانی و معارف دینی داریم این را می بینیم. آدم های ناوارد بدون اینکه از ذخیره و سواد کافی برخوردار باشند، وارد میدان می شوند و حرف می زنند و به خیال خودشان نوآوری می کنند که در واقع نوآوری نیست، مهمل گویی است. (۲).

#### (ه) نگرشی انحصاری به مفاهیم وارداتی

(ه) نگرشی انحصاری به مفاهیم وارداتی

مانع مهم دیگر در روند تولید علم، مطلق انگاری دانش های وارداتی است. متأسفانه دنیای مادی نیز از اندیشه خام سود می برد و نظام گرایش ها و الگوهای رفتاری ملت ها را متناسب با مبانی و هدف های خود هماهنگ می کند... رهبر فرزانه انقلاب می فرماید:

درباره تفکر و فرهنگ وارداتی غرب بارها صحبت کرده ام. بعضی ممکن است این را حمل بر نوعی تعصب و لجبازی کنند؛ نه این تعصب و لجبازی نیست، برای به زنجیر کشیدن یک ملت، هیچ چیز ممکن تر و سهل تر از این

ص: ۱۵۳

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در اجتماع با شکوه زائران حرم مطهر حضرت امام خمینی رحمه الله، ۱۴/۳/۱۳۷۶.

۲- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۹/۱۲/۱۳۷۹.

نیست که قدرت مندان عالم بتوانند باورهای آن ملت و آن کشور را بر طبق نیازهای خودشان شکل بدهند. هر باوری که یک ملت را به اتکای به خود، اعتماد به نفس حرکت به جلو و تلاش برای استقلال و آزادی وادار کند، دشمن خونی آن، کسانی هستند که می خواهند با قدرت متمرکز، همه دنیا را در اختیار بگیرند و به نفع خودشان همه بشریت را استثمار کنند. لذا با آن فکر مبارزه می کنند. در نقطه مقابلش سعی می کنند با راه ها و شیوه های مختلف، افکار و باورها و جهت گیری هایی را در میان آن ملت ترویج کنند که به گونه ای بیندیشند که آنها می خواهند. وقتی آن طور اندیشیدند، آن گونه هم عمل و حرکت خواهند کرد. این ابزار خیلی رایج است. تئوری سازی استعمار، این نظام و این حرکت عظیم مردمی آمده و این سلطه و اتوریته تحکم آمیز غربی را در این کشور شکسته است. (۱)

### (و) برخورد متعصبانه با افکار دیگران

(و) برخورد متعصبانه با افکار دیگران

از موانع جدی بر سر راه عرصه علوم و تضارب آراء، برخورد متعصبانه با افکار دیگران است. باید جامعه علمی کشور بتواند فضایی سالم برای ارائه اندیشه ها و دیدگاه ها ایجاد کند تا در آن فضا، نقد و ارزیابی نظریه ها و افکار بدون هیچ گونه ملاحظه سیاسی و به دور از هر گونه حب و بغضی صورت پذیرد. رهبر معظم انقلاب در رهنمودی فرمود:

در دوره جدید که ارتباطات گسترش پیدا کرد، حرف های نو به نو با جاذبه هایی که به طور طبیعی دارد، مرتباً وارد فضای فکری جامعه شد و به یک مواجهه صحیح و علمی ایجاد نیاز کرد. ما در میدان بودیم و می دیدیم، بعضی از مواجهه هایی که آن وقت صورت می گرفت، علمی نبود؛ مقابله متعصبانه و از روی اعتقاد بود. اما نخوانده و نفهمیده، حرفی وارد می کردند. نمی دانستند چیست. گوشه ای از یک حرف وسیع را می گرفتند و آن را مشمول جنگ خودشان قرار می دادند و با آن در می افتادند و مقابله می کردند. این، تحجر و توقف و مقابله غیرعلمی را تداعی می کرد. (۲)

ص: ۱۵۴

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۹/۱۲/۱۳۷۹.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای کنگره حکمت مطهر، ۱۸/۱۲/۱۳۸۲.

## ز) سیاست زدگی و سیاست زدایی

ز) سیاست زدگی و سیاست زدایی

این نیز یکی از عوامل مهم در راه پیش گیری از تولید علم است. این روحیه جامعه را به التهاب های سیاسی بیهوده دچار می سازد و به تدریج، آن را از مسائل اساسی سیاست و فرهنگ غافل می کند. رهبر معظم انقلاب در پرهیز از این روحیه می فرماید:

اما متأسفانه گروهی به دنبال سیاست زدگی و گروهی به دنبال سیاست زدایی، دائماً تبدیل فضای فرهنگی کشور را به سکوت مرداب گونه یا تلاطم گرداب وار، می خواهند تا در این بلبشو، فقط صاحبان قدرت و ثروت و تریبون، بتوانند تأثیرگذار و جریان ساز باشند و سطح تفکر اجتماعی را پایین آورده و همه فرصت ملی را هدر دهند و اعصاب ملت را بفرسایند و درگیری غلط و منحط قبیله ای یا فرهنگ فساد بیگانه را رواج دهند و در نتیجه، صاحبان خرد و احساس، ساکت و مسکوت بمانند و صاحب دلان و خردمندان، برکنار و در حاشیه مانده و منزوی، خسته و فراموش شوند. در چنین فضایی، جامعه به جلو نخواهد رفت و دعوا، تکراری و ثابت و سطحی و نازل می گردد. هیچ فکری تولید نمی شود. عده ای مدام خود را تکرار می کنند و عده ای دیگر تنها غرب را ترجمه می کنند و جامعه و حکومت نیز که تابع نخبگان خویش هستند، دچار انفعال و عقب گرد می شوند.<sup>(۱)</sup>

## ح) غرب زدگی و مهره سازی

ح) غرب زدگی و مهره سازی

در سده اخیر دشمنان برای بهره وری مادی، دست به تحقیر شدید آحاد مختلف جامعه به ویژه سیاست مداران، نخبگان و اندیشمندان جامعه زده اند. وابستگان سیاسی و فکری آنها، نیروهای استقلال طلب و عزت جو را از صحنه سیاسی و علمی بیرون رانده و با ایجاد احساس ذلت و وابستگی سیاسی و علمی، روحیه و انگیزه نوآوری ها در سطوح مختلف علوم انسانی، تجربی، پایه و صنایع را از ما گرفته اند و ما را تولیدکننده

ص: ۱۵۵

---

۱- پاسخ رهبر معظم انقلاب به نامه جمعی از دانش آموختگان حوزه و دانشگاه، ۱۸/۱۱/۱۳۸۱.

بیگانگان می خواهند. البته نفوذ کردن افراد مخالف در مراکز علمی، مانع نوآوری شده است. این روحیه غرب زدگی و نگاه مطلق انگار به غرب و دانش های غربی، مانع بسیار بزرگی بر سر راه تولید علم و نوآوری شده است. رهبر معظم انقلاب در رهنمودی می فرماید:

ما که در آن دوران، سال های متمادی از عمرمان را گذرانیدیم، خوب می فهمیم که چه کارهایی برای بی اعتقاد کردن ملت ایران به توان ظرفیت علمی خود و ظرفیت فنی و استعدادهای خود و قدرت بالندگی و باروری خودش انجام می شد. در دوران تسلط استعمار در عمق جان مردم، این فکر را به وجود آوردند که ایرانی باید علم و تجربه را، حتی تولید و مصرف را از دیگران بیاموزد. نخواستند به ما یاد بدهند که دانسته های دیگران را چگونه هوشمندانه یاد بگیریم و خودمان آنها را به کار بیندازیم. (۱)

متأسفانه با وجود انقلاب اسلامی، بازهم این غرب زدگی و احساس حقارت در عده ای باقی مانده و هنوز هم نفوذ دامنه دار فرهنگ غرب در لایه های مختلف علمی، آموزشی و اقتصادی وجود دارد، به گونه ای که گروهی خواسته یا ناخواسته محل اجابت آمال خود را غرب قرار داده اند.

## ۶. راه کارهای تحقق تولید علم و نوآوری

### اشاره

۶. راه کارهای تحقق تولید علم و نوآوری

عوامل متعددی در سرعت بخشیدن به نوآوری و توسعه علم دخیل هستند که از میان آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

### الف) تشویق به حرکت جهادی در تولید علم

الف) تشویق به حرکت جهادی در تولید علم

اگر دنیای مادی توانست در یک مقطع تاریخی دویست تا سیصد ساله، به این حد از توسعه مادی برسد، به یقین نظام اسلامی هم می تواند با اتکا بر ایمان و با جهادی علمی، سیر تکامل الهی خود را در زمان کمتری ببیماید. همان گونه که رهبر فرزانه انقلاب می فرماید:

ص: ۱۵۶

---

۱- رهبر معظم انقلاب، حدیث ولایت، ج ۸، صص ۲۵۱ و ۲۵۲، ۱۲/۹/۱۳۷۰.

امروز اگر برتری علمی با غربی هاست، در آینده نه چندان دوری هم با اراده شما می توان کاری کرد که فردا آنها از شما یاد بگیرند. مرزهای دانش را بشکنید. اینکه من می گویم نهضت نرم افزاری، انتظار من از شما جوان ها و اساتید این است که تولید علم کنید، نه، سراغ مرزهای دانش بروید. فکر کنید کار کنید. با کار و تلاش می شود از مرزهایی که امروز دانش دارد، عبور کرد. در بعضی رشته ها زودتر و در بعضی از رشته ها دیرتر. فن آوری ها همین طور است. علم باید ناظر به فن آوری باشد. فن آوری هم مرحله بسیار مهم و بالایی است. در فن آوری هم می توانیم پیش برویم. همچنان که رفتیم. بنابر آنچه گفته شد، امروز فتح سنگرهای علمی نیازمند جهاد علمی است و جهاد هم خواهان ایثارگری است و ایمان به خداوند، همه نیروهای انسانی را به حرکت و پویایی وامی دارد. (۱)

## **(ب) ایجاد روحیه خودباوری**

(ب) ایجاد روحیه خودباوری

برای از بین بردن احساس خودباختگی به غرب، باید خودباوری در جامعه تقویت شود. متأسفانه در توان مندی علمی و فنی غربی ها و ناتوانی ایرانی ها چنان زیاده روی شده است که بسیاری از افراد، اعتماد و اطمینان خود به هویت ملی را از دست داده اند. رهبر فرزانه انقلاب می فرماید:

بدترین شکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند. ما باید امروز درصدد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که این ممکن است. در تبلیغات گذشته این کشور در خصوص ناتوانی ایرانی و توانایی غربی ها این قدر مبالغه شده که امروز اگر کسی بگوید ما کاری کنیم که غربی ها به علم ما احتیاج پیدا کنند، می بینید که در دل ها یک حالت ناباوری به وجود می آید. مگر چنین چیزی ممکن است؟ بله ... یک روز علم را غربی ها از مشرق و از همین ایران گرفتند. پایه گذار بسیاری از علوم که امروز در دنیا رایج است، ایرانی ها هستند؛ در ریاضی، فیزیک، پزشکی، نجوم و بسیاری از علوم دیگر، ایرانی ها پایه گذار بودند. اصلاً رنسانس

ص: ۱۵۷

---

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جوانان اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه های استان همدان، ۱۷/۴/۱۳۸۳.

اروپا بر اساس ترجمه‌هایی که در کشورها و مناطق اسلامی انجام گرفته بود، صورت گرفت. ما می‌توانیم این را تصور کنیم که یک روز ایران تولیدکننده خلاق علم شود.<sup>(۱)</sup>

### **ج) ایجاد تغییر در فرهنگ و باور اجتماعی و تبدیل تولید علم به ارزش عمومی**

ج) ایجاد تغییر در فرهنگ و باور اجتماعی و تبدیل تولید علم به ارزش عمومی

نهضت نرم‌افزاری آن‌گاه به یک خیزش اجتماعی و نهضت فراگیر تبدیل خواهد شد که به یک فرهنگ عمومی در تمامی مراکز فرهنگی و علمی کشور اعم از حوزه و دانشگاه تبدیل شود، چنان‌که رهبر انقلاب می‌فرماید:

فضای عمومی کشور بایستی فضای ترویج، تولید، گسترش و تحقیق علم و پرورش عالم محقق باشد. وقتی فضای عمومی این‌طور شد، معنایش این نیست که لزوماً در همه‌خانه‌ها یا در هر نقطه‌ای از جامعه بایستی علم به وجود بیاید نه، بلکه علم لازم است در نقطه مناسب خودش به وجود بیاید. فضا، فضای علمی خواهد بود، فضای تحقیقی خواهد بود. منتها بدیهی است که وقتی فضای علمی در کشور به وجود بیاید، این علم و تحقیق در نقطه مناسب و متناسب رشد خواهد کرد، مثلاً در دانشگاه‌ها، پژوهش‌گاه‌ها و از این قبیل مراکز.<sup>(۲)</sup>

لازم است با تبلیغات و راه‌های مختلف مانند تقدیر و تشویق از نوآوران، این مهم تحقق یابد. رهبر فرزانه انقلاب درباره نهادینه‌سازی این ارزش می‌فرماید:

باید تولید نظریه و فکر، تبدیل به یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه شود و در قلمروهای گوناگون عقل‌نظری و عملی از نظریه‌سازان تقدیر به عمل آید و به نوآوران، جایزه داده شود و سخنانشان شنیده شود، تا دیگران نیز به خلاقیت و اجتهاد تشویق شوند.<sup>(۳)</sup>

ص: ۱۵۸

---

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری، افراد ممتاز آزمون‌های سال ۸۰ و ۸۱، ۳/۷/۱۳۸۱.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با جوانان نخبه، ۲۱/۱۱/۱۳۸۲.

۳- پاسخ رهبر معظم انقلاب به دانش‌آموختگان حوزه، ۱۸/۱۱/۱۳۸۱.



## د) شکستن جزم گرایی و ابهت علوم غربی

د) شکستن جزم گرایی و ابهت علوم غربی

شکستن جزم اندیشی های علمی، می تواند یکی از راه کارهای اساسی در راه تولید فکر و اندیشه باشد. هنوز عده ای در جامعه علمی باور ندارند که تمدن مادی به انتهای خود رسیده است و باید به فکر جایگزین باشند. برای شکستن این جزمیت، باید این مفاهیم و علوم از لحاظ نظری و عملی بررسی و نقد شود و به توصیه رهبر فرزانه انقلاب عمل شود که:

باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آنها در نظر بعضی مثل وحی منزل است و نمی شود درباره اش اندک تشکیکی کرد، در کارگاه های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حلایجی کنند. روی آنها سؤال بگذارند. این جزمیت ها را بشکنند و راه های تازه ای پیدا کنند، هم خودشان استفاده کنند و هم به بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است. امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است. دانشگاه باید بتواند یک جنبشی نرم افزاری، همه جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا آن کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالب ها و نوآوری های علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزش های اسلامی را بالا ببرند. امروز کشور ما از دانشگاه این را می خواهد. (۱)

## ه) تبیین آثار سوء مصرف گرایی

ه) تبیین آثار سوء مصرف گرایی

شاید عده ای بهترین و سریع ترین راهبرد توسعه در جهان امروز را واردات کالا، فن آوری و دانش از کشورهای توسعه یافته بدانند. محصول چنین باور و عملی، وابستگی و عقب ماندگی است. رهبر فرزانه در رد و نکوهش این نوع تفکر و روحیه می فرماید:

یک طرز تفکر، غلط و مایه بدبختی ملت است و یک طرز تفکر، درست است. آن طرز تفکر غلط، همان تفکری است که در دوران حاکمیت عوامل امریکا بر این کشور حاکم بود و آن اینکه علم و صنعت و

ص: ۱۵۹

---

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۹/۱۲/۱۳۷۹.

تکنولوژی و امور فنی، باید به وسیله خارجی ها، اروپایی ها و غربی ها آماده بشود و به صورت محصول کار آنها استفاده کنیم. این یک طرز تفکر بود. متأسفانه الان هم این طرز تفکر در بعضی از کشورهای استعمارزده وجود دارد. می گویند ما پول می دهیم، غربی ها برای ما می سازند... این طرز تفکر در دانشگاه ها هم اثر می کند. علوم دانشگاهی هم بر اساس همین روش شکل می گیرد. مهندس ما هم مبتکر و سازنده و خلاق نمی شود. این کاری بود که آنها آن روز کردند و مدت ها نتایج سوء آنها گریبان گیر کشور ما هم بوده و شاید در آینده هم تا زمان هایی باشد. (۱)

ایشان در جای دیگر برای از بین بردن چنین تفکری می فرماید:

نباید صرفاً مصرف کننده فرآورده های علمی دیگران بود. باید علم را به معنای حقیقی کلمه تولید کرد. البته این کار، روشمندی و ضابطه لازم دارد. مهم این است که این روح نوآوری علمی، در محیط دانشگاه زنده بشود و زنده بماند. البته من خوش بختانه این شوق و میل را در دانشجویان احساس کرده بودم و در اساتید هم آن را می بینم. اینها باید دست به دست هم بدهد و سطح علمی کشور را بالا ببرد. (۲)

## (و) نظریه پردازی

(و) نظریه پردازی

نوآوری و ایجاد افق های تازه در تولید علوم، نیازمند انواع نظریه پردازی ها متنوع در باب های مختلف علوم است. از این رو، حوزه های علمیه و دانشگاه ها باید با جرئت و جسارت عالمانه به ارائه نظریه و تولید دانش پردازند و تنها به پردازش نظریه های گذشتگان یا نظریه های وارداتی بسنده نکنند و به این رهنمود رهبر فرزانه و عالم انقلاب توجه کنند که:

مدعیان لیبرال دمکراسی با استفاده از علم و فن آوری و سیاست، تبلیغات و سرنیزه در صدد فتح جهان هستند و مهم ترین روشی که در این راه مورد استفاده قرار می دهند، تئوری سازی و مفهوم سازی است که حوزه علمیه قم

ص: ۱۶۰

۱- رهبر معظم انقلاب، حدیث ولایت، ج ۸، صص ۲۵۷ و ۲۵۸، ۱۳/۹/۱۳۷۰.

۲- ۲ بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۹/۱۲/۱۳۷۹.

می تواند با اهتمام به نهضت نرم افزاری، نظریه پردازی و تولید علم، به مقابله با این سلطه طلبی بپردازد. (۱)

ایجاد فضای باز علمی از عوامل بسیار مؤثر در ایجاد انگیزه برای تولید علم است. عموم اندیش ورزان و دانش پژوهان باید احساس کنند که در ابراز نظریه جدید خود با هیچ مشکل و مسئله ای روبه رو نمی شوند. باید فضای نظریه پردازی به دور از مسائل سیاسی و جب و بغض های فردی و حزبی ایجاد شود و نظریه ها در فضایی کاملاً علمی و فارغ از تنش آفرینی ارائه شود. در کنار نظریه پردازی باید مناظره های علمی به صورت سازمان یافته و قاعده مند انجام پذیرد، همان گونه که رهبر معظم انقلاب فرمود:

من بر پیشنهاد می افزایم که این ایده چه در قالب «مناظره های قانون مند و توأم با امکان داوری» و با حضور هیئت های داوری علمی و چه در قالب تمهید «فرصت برای نظریه سازان» و سپس «نقد و بررسی» ایده آنان توسط نخبگان فن و در محضر وجدان علمی حوزه و دانشگاه، تنها محدود به برخی قلمروهای فکر دینی یا علوم انسانی و اجتماعی نیز نماند، بلکه در کلیه علوم رشته های نظری و عملی و در جهت حمایت از کاشفان و مخترعان و نظریه پردازان در این علوم و فنون و صنایع نیز چنین فضایی پدید آید و البته برای آنکه ضریب «علمی بودن» این نظریات و مناظرات پایین نیاید و پخته گویی شود و سطح گفت و گوها نازل و عوامانه و تبلیغاتی نشود، باید تمهیداتی اندیشید و قواعدی نوشت. (۲)

رهبر فرزانه انقلاب بسیار صمیمانه از دانشجویان نیز علم آموزی و قالب شکنی را درخواست می کند، آنجا که می فرماید:

... حالا که هوش و استعداد و آمادگی ذهنی دارید، همت را به این کار بگمارید. به اینکه چارچوب های عادی را یاد بگیرید یا [به اینکه] در فلان چیز به قول شماها نمره بیاورید، فکر نکنید. به علم فکر کنید. البته این فرهنگ، حمایت از علم و پژوهش و کارهای مدیریتی را لازم دارد. عامل

ص: ۱۶۱

---

۱- روزنامه رسالت، ۵/۱۰/۱۳۸۳.

۲- پاسخ رهبر معظم انقلاب به نامه دانش آموختگان حوزه و دانشگاه، ۱۸/۱۱/۱۳۸۱.

دیگر که ممکن است حتی بر عوامل قبلی غلبه کند، میل و علاقه و اراده و خواست شماسست. همت کنید کشور را از لحاظ علمی بسازید. (۱)

## ز) کاربردی کردن پژوهش ها

### اشاره

ز) کاربردی کردن پژوهش ها

توجه به کارآمدی پژوهش ها در تولید علم و نوآوری بسیار مهم و کارساز است. اگر طلبه یا دانشجو بداند که رساله تحقیقاتی اش در صدد حل معضلی از مشکلات جامعه است، با حساسیت بالایی مسئله را پی می گیرد تا با نوآوری پاسخی درخور ارائه کند، برخلاف اینکه پژوهش وی تنها در پی کسب نمره و تکرار مسائل مطرح شده باشد. رهبر انقلاب در توصیه های ارزشمند می فرماید:

دو سر فصل را هم مطرح می کنم که در صحبت های خود اگر به اینها توجه کنید و درباره اینها هم سخنی بگویید، خوب است: یکی عبارت است از راه حل عمل گراتر شدن و کارآمدتر شدن پژوهش و تحقیق در کشور؛ چه از سوی استادان و برگزیدگان و چه از سوی دانشجویانی که در دانشگاه ها پایان نامه هایی را می نویسند، حین تحصیل یا در پایان تحصیل، از سوی دانشجو و استاد، ساعت های بسیار ذی قیمتی صرف تهیه یک پایان نامه یا یک پژوهش در دانشگاه می شود. آیا گزینش این عناوین، حساب شده و در جهت نیازهای کشور است؟ آیا محصول پژوهش و تحقیقی که استاد و دانشجو مشترکاً یا به طور دسته جمعی انجام داده اند، به مرحله اجرا و عمل می رسد؟ آیا به این وسیله دانشگاه ها، دانش ما و رتبه تحقیقاتی ما رشد می کند یا نه؟! (۲)

البته برای تحقق این هدف، باید آیین نامه های آموزشی و تربیتی را به گونه ای تنظیم کرد که استاد بتواند به راحتی مدافع خلاقیت و نوآوری ها باشد. سیستم آموزشی باید از مدرک گرایی صرف خارج شود و به نظامی پژوهش محور، نه اطلاعات محور تبدیل شود. (۳)

ص: ۱۶۲

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری و افراد ممتاز، آزمون سراسری ۸۰ - ۸۱، ۳/۷/۱۳۸۱.

۲- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار با اساتید دانشگاه ها، ۲۶/۹/۱۳۸۳.

۳- برای اطلاع و تفصیل بیشتر نک: نهضت نرم افزاری از نگاه مقام معظم رهبری، گروه مؤلفان، پژوهش گاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ ۱، بهار ۱۳۸۶.

### فرجام سخن

مخاطب پیام رهبر معظم انقلاب در سال نوآوری و شکوفایی، همه افراد جامعه هستند. این امر، جز با یک عزم ملی و مشارکت مسئولانه و جهادی امکان پذیر نخواهد بود. مخاطبان خاص نهضت نوآوری نمی توانند غیر از دو نهاد فرهنگ ساز و تولیدکننده، یعنی حوزه و دانشگاه باشند. در کنار این دو مجموعه، نهاد حکومت نیز وظایف مهمی برعهده دارد.

### وظایف حکومت

#### وظایف حکومت

حکومت، مسئول اتخاذ و اجرای سیاست ها، تصمیم ها، قوانین، اعمال نظارت بر حسن اجرای آنها و مهار نابسامانی ها بوده و برای اعمال آنها نیازمند قدرت سیاسی است. حاکمیت برای تحقق هدف ها و چشم اندازهای جامعه باید تمام ظرفیت های اجتماعی اعم از امکانات، زمینه های مناسب، منابع و نیروهای انسانی را بسیج، سازمان دهی و هماهنگ سازد. در حقیقت، حکومت افزون بر مسئولیت حفظ نظم و تأمین معاش و امنیت، عهده دار سرپرستی و هدایت اجتماعی است و با تنظیم سیاست های کلان در جنبه ها و امور مختلف، جامعه را به سوی مطلوب های مورد نظر و تعریف شده هدایت کند.

طبیعی است که نظام حکومتی در راه تحقق بخشیدن به هدف ها و برنامه ریزی منسجم پیوسته با موانع، تهدیدها، آسیب ها، و نیازمندی های خاص روبه روست. طبیعی است حکومت برای رفع معضلات در فرآیند تصمیم گیری، با مشاوره و مشارکت متخصصان اقدام می کند و از اهل

فکر کمک می گیرد. کارشناسی موضوع ها و احکام اجتماعی و ارائه طرح ها، راه کارهای علمی و عملی و اطلاعات تخصصی برعهده دو نهاد حوزه و دانشگاه گذاشته می شود تا از یک سو حجیت و استناد آن به شرع مقدس تمام شود و از سوی دیگر، علوم و اطلاعات کاربردی و متناسب با هنجارهای ملی و دینی تولید شود. حوزه و دانشگاه در این امر باید با همدلی، هم فکری و همکاری با یکدیگر برای برنامه ریزی بر اساس ارزش ها اقدام کنند. اطلاعات تولیدشده در حوزه و دانشگاه باید با رویکردی عینی و کاربردی، متناسب با نیازهای جامعه باشد و به صورت تغییر در سیاست، اثرگذاری در تصمیم ها، تغییر ساختارها، تغییر نظام آموزشی، بهینه سازی وضعیت رسانه های عمومی و ایجاد دگرگونی ها و ظرفیت های جدید در فرهنگ عمومی و حرکت به سمت اصلاح چشم اندازها و سیاست گذاری های کلان نمود پیدا کند. این چرخه باید همواره نو شود و با تولید اطلاعات و نوآوری ها به نیازها پاسخ گفته شود و با رفع موانع از سوی نهادهای تولید علم و مصرف اطلاعات و به کارگیری راهبردهای ارائه شده از سوی حکومت، همواره به منظور توسعه و تکامل جامعه تداوم یابد.

## نهاد حوزه

### نهاد حوزه

نفی الگوهای مادی، لزوم کارشناسی و موضوع شناسی بر اساس دین و منطبق بودن هدف ها و آرمان های جامعه با توسعه و تکامل ایمانی و اخلاقی؛ ضرورت حضور بالقوه حوزه را در این عرصه نشان می دهد. همچنین هماهنگی و هم سو بودن خواسته ها و آرمان های جامعه با توسعه و تکامل ایمانی و اخلاقی، ضرورت حضور بالقوه حوزه را در این عرصه نشان می دهد تا با تلاشی پی گیر در حوزه های فقهی، کلامی، اخلاقی پویا باشد.

ص: ۱۶۴

نهاد حوزه باید با حفظ فقاقت به سبک جواهری، شناخت زمان و مکان و شناخت دگرگونی های روابط حاکم بر موضوع ها، تلاشی برای پیاده کردن اصول محکم فقه در عینیت، جهان شناسی و دشمن شناسی، نفی تفکر جدایی دین از سیاست، حضور اجتماعی روحانیان، شناخت درست حکومت و جامعه برای برنامه ریزی به نفع مسلمانان، به دست گرفتن نبض تفکر جامعه و توجه به نیازهای نسل آینده، ارائه طرح های سازنده در جهت خدمت به محرومان، ارائه اقتصاد اسلامی، علم سیاست برنامه های فرهنگی، تلاش برای پاسخ گویی به خلأهای فکری و معنوی افراد بشر، تربیت عالمان متعهد و متخصص، مطالعه برای شناخت ابعاد تازه تر اسلام و معرفی آن و روزآمد کردن بحث و ابتکار و تحقیقات را در دستور کار خود قرار دهد. حوزه باید نیازهای جدید را در قالب نظامی از نیازمندی ها و موضوع ها، تنظیم و دسته بندی کند و به ترتیب اولویت و با برنامه ریزی درست و به کارگیری همه ظرفیت ها اعم از نیروی انسانی شامل عالمان، استادان، فاضلان و طلبه های ارجمند و نیز ظرفیت های علمی و میراث گران بهای گذشتگان در امر آموزش، پژوهش و تبلیغ، به منظور پاسخ گویی به نیازهای مزبور، تولید مفاهیم جدید و تربیت نیروی انسانی مناسب اقدام کند. همچنین، با در نظر داشتن مباحث کلان و پایه ای، به ارائه طرح های کوتاه مدت بپردازد. حوزه هر چند امروزه برای برخی نیازهای اجتماعی، محصولات علمی فرهنگی مناسبی دارد، ولی غیر از ضرورت بالندگی در مفاهیم و روش های پژوهش، آموزش و تبلیغ؛ محور هایی چون روزآمد کردن آن محصولات و ترجمه آنها به ادبیات عام و خاص، امری ضروری است. لازم است تا حوزه برای همه جنبه های زندگی بشر به تولید فکر بپردازد و برای ایستادگی در برابر

سلطه طلبی و هجوم همه جانبه نظام های لیبرال دمکراسی که می کوشند از راه علم و فن آوری؛ یکسان سازی و جهانی را تعمیق بخشند، به تئوری سازی و تولید علم و نوآوری و مفهوم سازی همت کنند.

## دانشگاه

### دانشگاه

در حقیقت، توسعه دانش های کاربردی سازگار با مبانی دینی، برای تکمیل حلقه های نظام فکری و تمام شدن ارتباط میان باورها و عمل در نظام عینی جامعه و سرپرستی و هدایت اجتماعی بر اساس باورها و نظام ارزشی، تکلیفی و توصیفی مکتب وحی؛ تعیین کننده جایگاه دانشگاه در نظام اسلامی است. امر مهم برنامه ریزی اجتماعی، تنظیم و ترسیم سیاست های چند ساله و چشم انداز آینده نظام و ارائه طرح های کاربردی در زمینه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دیگر نهادهای اجتماعی، کاری تخصصی است که عهده دار آن متخصصان دانشگاهی هستند. امری که وظیفه دانشگاه را سنگین تر می کند، توجه به روح حاکم بر این تنظیم هاست که باید با برنامه ریزی جوامع غیر الهی متفاوت باشد و بر اساس مبانی دینی طرح ریزی شود. امروز در دنیای غرب و تمدن مادی، با تکیه بر آکادمی های مجهز و نیروهای متخصص در زمینه های مختلف، با به کارگیری اندیشمندان و نخبگان جامعه خود، بلکه جوامع دیگر، نظام هم آهنگ تولید، توزیع و بهره مندی از علم را در قبضه خود درآورده اند. آنها افزون بر تولید هم آهنگ علوم برنامه تفکر و جهان بینی مادی توانسته اند، از راه طراحی نظام تخصیص ارزش های فرهنگی و اطلاعات تخصصی در سطح های گوناگون، مدارجی همچون لیسانس، فوق لیسانس، دکترا و فوق دکترا را تعریف و در عمل نیز نظام توزیع علم را مهار کنند. آنان همچنین با انجام کارشناسی و ارائه راه کارهای



علمی و عملی و با هدف تنظیم برنامه ها و الگوهای توسعه، جهت دهی به افکار کارشناسان را از راه آموزش ها و ارائه حجم انبوهی از اطلاعات به کمک ابزارهایی مانند اینترنت، به صورت جدی دنبال می کنند. این امر نشانه حاکمیت بی چون و چرای آنان بر نظام مصرف علوم است. بنابراین، نظام مادی با بهره گیری از صدها نظریه پرداز، هزاران استاد و میلیون ها دانشجو، خواسته یا ناخواسته در این چرخه عظیم و شبکه منظم علمی توانسته است، مدیریت عملی جوامع مختلف را از راه حاکمیت بر فرآیند تولید، توزیع و مصرف علم در اختیار بگیرد. در مقابل این جبهه عظیم و شبکه درهم تنیده علوم مادی، دانشگاه اسلامی در جامعه اسلامی باید جایگاه جدیدی برای خود تعریف کند و با ارائه تعریفی نو از توسعه و معیشت و تعیین نسبت آن با سعادت و معنویت، علوم و معادله های کاربردی هنجارپذیر و راه کارهای عملی آن را ارائه کند. دانشگاه اسلامی چاره ای جز تولید نرم افزارهای نوین در سطح تخصصی و کم کردن محدوده و خطر وابستگی شدید علمی به شبکه پیچیده دانش امروزی ندارد. تغییر در رویکرد کنونی در برابر ماهیت علم، سازوکار تولید آن و میبانی حاکم بر آن، امری ضروری برای سامانه دانش اسلامی در جامعه به شمار می رود.

با وجود این، یکی از گام های اساسی دانشگاه برای رسیدن به این نکته، باید تربیت نیروی انسانی هماهنگ با این هدف باشد. در طی سالیان دراز حاکمیت علم و تمدن غربی و سلطه استعماری غرب بر جامعه ما، نیروهای دانشگاهی و متخصصان تا حدودی اثرپذیرفته و به مصرف زدگی علمی دچار شده اند. در واقع دانشگاه در جامعه ما مصرف کننده اطلاعات تخصصی نظام مادی شده و به تقلید و ترجمه آثار آنان

اقدام می‌کند. تغییر این نگاه، آغاز جنبش عظیم علمی در عرصه تولید معادله‌های کاربردی اسلامی خواهد بود که در سایه همت بلند متخصصان دانشگاهی در عرصه‌های مختلف فن‌آوری و علم، این افتخار پیش‌گامی نیز به لطف خداوند نصیب دانشگاهیان متخصص شده است. اندیشه‌سازانی که در کنار تخصصشان، از تعهد ایمان لازم و منش خدمت‌گزاری نیز لبریزند و هیچ‌گاه تعامل با حوزه را نادیده نگرفته‌اند؛ زیرا جز با وحدت حقیقی و تعامل مقدس حوزه و دانشگاه، دست‌یابی به این آرمان‌های مقدس امکان‌پذیر نخواهد بود. به امید روزی که با نشر انبوه تولید علم و نوآوری در جهان اسلام و دنیای خاکی، سیطره تفکر مادی از روح و جان همگان به فراموشی سپرده شود.

ص: ۱۶۸

کتاب نامه

زیر فصل ها

الف) کتاب ها

ب) نشریات

الف) کتاب ها

الف) کتاب ها

۱. احمد پورداریانی، محمود، کارآفرینی - تعاریف - الگوها، تهران، شرکت پردیس، ۱۳۸۱.

۲. آزاد، حسین، آسیب‌شناسی روانی، تهران، بعثت، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

۳. الوانی، سید مهدی، مدیریت عمومی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.

۴. اوبری مینگ، مقدمه ای بر رفتارشناسی، ترجمه: عبدالحسین وهاب‌زاده، مشهد، نیکا، ۱۳۷۲.

۵. ایروین جی، ساراسون، روان‌شناسی مرضی، ترجمه: بهمن نجاران، تهران، رشد، ۱۳۷۳.

۶. ایوان پترویچ پاولف، بازتاب‌های شرطی، ترجمه: یوسف کریمی و جواد قهرمانی، تهران، رشد، ۱۳۷۲.

۷. بال، ساموئل، انگیزش در آموزش و پرورش، ترجمه: علی اصغر مسدد، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۳.

۸. بی آر، هرگنهان، مقدمه ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه: علی‌اکبر سیف، تهران، دوران، چ چهارم، ۱۳۷۷.

۹. بی اف. اسکینر، فراسوی آزادی و شأن، ترجمه: علی‌اکبر سیف، رشد، ۱۳۷۰.

۱۰. تورکی، استانلی، روان‌شناسی کودک ناسازگار، ترجمه: سلما قوامی، تهران، شرکت سهامی، ۱۳۷۵.

۱۱. چریل. ال، اسپالدینگ، انگیزش در کلاس درس، ترجمه: محمدرضا نائینیان و اسماعیل بیابانگرد، تهران، مدرسه، ۱۳۷۷.

۱۲. حسن شعبانی، مهارت‌های آموزش و پرورش (روش‌ها و فنون تدریس)، تهران، سمت، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

۱۳. رابینز، استیون، مبانی مدیریت، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۹.

۱۴. راس، آلن، روان شناسی شخصیت (نظریه ها و مفاهیم)، ترجمه: سیاوش جمالفر، روان، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۱۵. رضا مهجور، سیامک، روان شناسی بازی، شیراز، راهگشا، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.

۱۶. رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد (کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران)، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.

ص: ۱۶۹

۱۷. صمد آقایی، جلیل، سازمان های کارآفرین، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پرورش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۲.

۱۸. علی قائمی، تربیت و بازسازی کودکان، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۵۸.

۱۹. علی قائمی، خانواده و کودکان دشوار، تهران، امیری، ۱۳۷۳.

۲۰. علی اکبر سیف، تغییر رفتار و رفتار درمانی (نظریه ها و مفاهیم)، تهران، دانا، ۱۳۷۳.

۲۱. علی اکبر سیف، روان شناسی پرورشی، تهران، آگاه، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.

۲۲. فائضی، علی، جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۰.

۲۳. قاسم زاده، حبیب الله، رفتار درمانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۰.

۲۴. کاستلو، تیموتی، روان شناسی نابهنجاری، ترجمه: نصرت الله پورافکاری، تهران، آزاد، ۱۳۷۳.

۲۵. کرومبولتز، تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان، ترجمه: یوسف کرمی، تهران، فاطمی، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.

۲۶. گنجی، حمزه، بهداشت روانی، تهران، ارسباران، ۱۳۷۶.

۲۷. محمدی، ناهید، سایت: [www.danaee.com](http://www.danaee.com)

۲۸. موانع رشد علمی ایران و راه حل های آن، تهران، شرکت سهامی، انتشار، ۱۳۸۱.

۲۹. میرزا آقایی، حمید، سایت فکر نو.

۳۰. نقیب زاده، میر عبدالحسین، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران، طهوری، چاپ چهارم، ۱۳۷۱.

۳۱. نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان و راه های پیشگیری و درمان نابهنجاری ها، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ سوم، ۱۳۷۲.

۳۲. هومن، حیدرعلی، شناخت روش های علمی در علوم رفتاری، تهران، نشر پارسا، ۱۳۷۴.

۳۳. هیلگارد، ارنست، زمینه روان شناسی، ترجمه: براهنی و همکاران، تهران، رشد، ۱۳۶۹.

۳۴. یونگ، مایکل، تروبریاندها، ترجمه: عباس مخبر، خرمشهر، طرح نو، ۱۳۷۳.

۱. بزرگی، کورش، همسنجی تولید علم در ایران و سایر کشورها، خبرنامه آموزش عالی، شماره ۱۹، صص ۱ و ۴.
۲. به پژوه، احمد، کودکان چگونه رفتار می کنند؟ همان گونه که با آنها رفتار می شود، مجله پیوند، ش ۲۹، ۱۳۶۰.
۳. ترزام، امابایل، خلاقیت را چه - گونه از بین ببریم، ترجمه: حسین حسینیان، مجله تدبیر، شماره ۱۰۳، خرداد ۱۳۷۹.
۴. حقایق، سیروس، ویژگی های سازمان صنعتی خلاق و نوآور، مجله تدبیر، شماره ۱۱۱.
۵. دراکر، پیتر، دانش نوآوری، ترجمه: چیپ ساز، علی، مجله توسعه مدیریت، شماره ۹، سال هفتم، دی ماه ۱۳۷۸.

۶. دراکر، پیتر، رشته علمی به نام خلاقیت، ترجمه: واحدی، سید صالح، مجله تدبیر، شماره ۴۳.

۷. رهنما، پروین، نهادینه شدن علم، خبرنامه تحقیقات و فن - آوری، شماره ۲۵، ص ۱۳، ۱۳۸۲.

۸. زراعی، حسین، افراد خلاق چه ویژگی هایی دارند، روزنامه همشهری، بخش اجتماعی، ۲۲/۴/۱۳۷۹.

۹. علی محمدزاده، خلیل، مفهوم علم در مقوله جنبش نرم افزاری رسیدن به اوج دانایی است، (گفت و گوی معاون فرهنگی واحد علوم و تحقیقات تهران)، هفته نامه فرهیختگان، شماره ۵۲۰، ص ۴، ۱۲/۸/۱۳۸۳.

۱۰. عیوضی، علی اشرف، نقش مجمع صنفی در تبیین حقوق مادی و معنوی دانشگاهیان، خبرنامه تحقیقات و فن آوری، شماره ۲۵، ص ۱۲.

۱۱. گزارشی از روند تولید علم در ایران، خبرنامه دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و تولید علم، ۱۳۸۳، شماره ۴.

۱۲. مشبکی، اصغر و وفایی، فرهاد، خلاقیت عامی سکون در سازمان، ماهنامه توسعه مدیریت، شماره ۵۰، خرداد و تیر ۱۳۸۲.

۱۳. معین، مصطفی، چالش های آموزش عالی در ایران (۱۳۸۲)، (سخنرانی وزیر علوم، تحقیقات و فن آوری)، نمود، ۵ آبان، ص ۶.

۱۴. نجاتی، محمود، اطلاع رسانی و توسعه فرهنگی، مجله فرهنگ و پژوهش، ۲۲/۹/۱۳۷۹.

۱۵. نیلی آرام، علی، خلاقیت و نوآوری در سازمان، مجله تدبیر، شماره ۸۵.

ص: ۱۷۱

## پرسش های مسابقه ای برگرفته از کتاب «نوآوری؛ بستر شکوفایی»

۱. کدام یک از عوامل زیر در خلاقیت افراد مؤثر است؟

الف) توانایی عقلانی )

ب) محیط )

ج) هر دو مورد )

۲. از موارد زیر کدام یک از پی آمدهای خلاقیت و نوآوری به شمار می رود؟

الف) افزایش بهره وری سازمان )

ب) وقایع غیرمنتظره )

ج) ارزیابی محصول )

۳. از ویژگی های مدیر خلاق به شمار می رود.

الف) رایج کردن نظام آموزشی مستمر و همگانی )

ب) ایجاد امتیاز شغلی )

ج) ابتکار )

۴. فرهنگ ارتقای بهره وری به کدام یک از گزینه های زیر مربوط می شود؟

الف) ویژگی مدیر خلاق )

ب) ویژگی سازمان خلاق )

ج) ویژگی دولت کارآمد )

۵. کدام گزینه از ویژگی های افراد خلاق نیست؟

الف) انعطاف پذیری )

ب) ریسک پذیری )



ج) اعتماد به نفس )

۶. کدام گزینه صحیح نیست ؟

الف) خلاقیت از طریق آزمایش، تجربه و کنکاش رشد می کند . ( )

ب) نوآوری به بهبود رضایت شغلی یک فرد اطلاق می شود. ( )

ج) خلاقیت بیش تر حاصل تلاش فرد است. ( )

ص: ۱۷۲

۷. از زمینه های بروز خلاقیت به شمار می رود.

(الف) فضای خلاق )

(ب) دوری از موقعیت های مبهم )

(ج) امکان گردش شغلی )

۸. در زمینه عوامل ایجاد خلاقیت نقش کدام یک مؤثرتر است؟

(الف) انگیزه )

(ب) آگاهی )

(ج) الهام )

۹. کدام گزینه صحیح است .

(الف) خلاقیت توانایی ارائه راه حل جدید برای حل مسایل است. )

(ب) ترجیح دادن پیچیدگی در برابر سادگی از مشخصات مدیر نوآور است. )

(ج) خلاقیت امری است توسعه ناپذیر یعنی همه افراد توانایی خلاقیت را ندارند. )

۱۰. کدام گزینه درباره نوآوری صحیح است؟

(الف) نوآوری پدیده ای چشم گیر و جنجالی است. )

(ب) نوآوری، پدیده ای نادر است که تنها عده ای خاص به آن می رسند. )

(ج) هر دو مورد )

۱۱. سخن امام صادق (ع) که می فرمایند: مردم از این جهت رو به تباهی می روند که پژوهش و پرسش گری ندارند، به کدام

گزینه اشاره دارد؟

(الف) قدرت علمی )

(ب) ارزش اندیشه علمی )

ج) شخصیت علمی )

۱۲. از عوامل بازدارنده پیشرفت جامعه ایرانی است.

الف) جزمیت و جمود )

ب) کنجکاوی )

ج) پیروی نکردن از اندیشمندان )

۱۳. از موانع توسعه علمی به شمار نمی رود.

الف) اهتمام به عالم پروری )

ب) حاکمیت فرهنگ طرد و مقابله با خلاقیت )

ج) شخصیت پرستی )

ص: ۱۷۳

۱۴. دفاع از اندیشه های دینی و کشف حقیقت ناظر به کدام گزینه اند؟

(الف) از ویژگی های مدیر خلاق به شمار می روند. (

(ب) از انگیزه های تولید علم محسوب می شوند. (

(ج) هیچکدام (

۱۵. کدام گزینه صحیح است .

(الف) اندک بودن سهم تحقیقات از تولید ناخالص ملی از موانع توسعه علمی است. (

(ب) عظمت اندیشی نسبت به عالمان از موانع تولید علم است. (

(ج) هردو مورد (

۱۶. بنابر فرمایش امیرالمؤمنین علی(ع) کدام گزینه از شرایط تحقق علم و دانش است .

(الف) زیاد پرسش کردن (

(ب) استفاده از تجربه دیگران (

(ج) هیچکدام (

۱۷. کدام یک از موارد زیر از راهکارهای اصلاح محیط علمی و جذب نخبگان به شمار می رود؟

(الف) توسعه مراکز تحقیقاتی و تقویت انجمن های علمی (

(ب) حاکمیت مدیریت علمی و فرهنگ آموزش (

(ج) نوسازی و تجهیز امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی (

۱۸. کدام یک از موارد زیر از موانع تولید علم نیستند؟

(الف) متناسب نبودن تولیدات علمی با نیازها (

(ب) کوتاهی و زیاده روی در حوزه خردورزی (

(ج) احترام به عالمان و نخبگان (

۱۹. کدام یک از موارد زیر جزو راهکارهای بلند مدت در تولید علم و نوآوری به شمار می رود؟

الف) هماهنگی آموزش با پژوهش ( )

ب) رهبری پژوهش ( )

ج) نهادینه سازی فرهنگ تولید ( )

۲۰. بنابر دیدگاه رهبرمعظم انقلاب، از راه کارهای تحقق تولید علم

ص: ۱۷۴

الف) کارآمد بودن پژوهش ها ( )

ب) تقسیم کار ( )

ج) آگاهی از نیازها ( )

۲۱. کدام گزینه صحیح است.

الف) خلاقیت و نوآوری مترادف یکدیگرند. ( )

ب) تحجر علمی از موانع تولید علم است. ( )

ج) از ویژگی های فرهنگ علمی نهادینه شدن تکریم فرهیختگان است. ( )

۲۲. علل مهاجرت نخبگان ایرانی چیست؟

الف) هماهنگ نبودن آنان با هنجارها و ارزش های حاکم بر جامعه اسلامی. ( )

ب) جست و جوی امکانات بهتر برای پیشرفت علمی و شغلی. ( )

ج) هر دو مورد ( )

نام و نام خانوادگی: شماره شناسنامه: میزان تحصیلات:

آدرس و تلفن:

۲۳. خودباختگی و غیرپرستی و شیفتگی در برابر دیدگاه های غیرخودی ...

الف) از دیگر موانع تولید علم است. ( )

ب) از علل فرار مغزها به خارج است. ( )

ج) از موانع تولید علم و توسعه علمی است. ( )

۲۴. بنابر دیدگاه مقام معظم رهبری از موانع تولید علم است.

الف) ناچیز بودن نقش بخش خصوصی در فعالیت های تحقیقاتی ( )

ب) شخصیت زدگی ( )

ج) یاس و ناامیدی )

۲۵. از اصول پرورش خلاقیت به شمار می رود.

الف) ارزش قایل شدن به طرح سؤال ها و اندیشه های غیرمعمول )

ب) احترام به تفاوت های فردی یادگیرندگان )

ج) هردو مورد )

ص: ۱۷۵

## پاسخ نامه

تصویر

□

ص: ۱۷۶



بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

